**موارد وجوب وضو 96/06/13**

|  |
| --- |
| درس خارج فقه حضرت آیت الله حسینی بوشهری (دامت برکاته)  **موضوع کلی:** **فصلٌ في غايات الوضوءات الواجبة و غير الواجبة                          تاریخ:** 13 شهریور 1396  **موضوع جزئی:**  **موارد وجوب وضو                                                             مصادف با:** 13 ذی‎الحجه 1438  **سال تحصیلی: 97-** **96                                                                                               جلسه:** 1 |

مرحوم سید (ره) در ادامه مواردی که موجب وجوب وضو می‎شوند، نوشته است:**«و يجب أيضاً لمسّ كتابة القرآن إن وجب بالنذر، أو لوقوعه في موضع يجب إخراجه منه، أو لتطهيره إذا صار متنجّساً و توقّف الإخراج أو التطهير على مس كتابته و لم يكن التأخير بمقدار الوضوء موجباً لهتك حرمته و إلّا وجبت المبادرةُ من دون الوضوء»**[[1]](http://hosseiniboshehri.ir/index.php/%D8%AF%D8%B1%D9%88%D8%B3/%D9%81%D9%82%D9%87/6402-%D9%85%D9%88%D8%A7%D8%B1%D8%AF-%D9%88%D8%AC%D9%88%D8%A8-%D9%88%D8%B6%D9%88-96-06-13.html#_ftn1).

به نظر مرحوم سید (ره) یکی از مواردی که وضو به خاطر آن واجب می‎شود، مس نوشته‎های قرآن است که به واسطه نذر، واجب شده باشد، یا اینکه قرآن در جایی افتاده باشد [، مثل مستراح] که خارج نمودن آن واجب باشد، یا اینکه قرآن، نجس شده باشد و شخص بخواهد آن را تطهیر کند و اخراج قرآن یا تطهیر آن، بر مس کردن نوشته‎های آن متوقف باشد و تأخیر به مقداری که شخص وضو بگیرد، موجب هتک حرمت قرآن نگردد [که در این صورت واجب است شخص، نخست وضو بگیرد و سپس نسبت به اخراج یا تطهیر قرآن اقدام کند]، ولی اگر تأخیر به اندازه وضو گرفتن باعث هتک حرمت قرآن شود، واجب است که شخص بدون اینکه وضو بگیرد نسبت به اخراج یا تطهیر قرآن مبادرت ورزد.

دلیل وجوب وضو برای مس کتابت قرآن

ادله‎ای بر حرمت مس کتابت قرآن، بدون وضو اقامه شده است که ادله ذیل از آن جمله‎اند:

اولاً: مشهور بین متقدمین و متأخیرین، این است که مس کتابت قرآن، بدون وضو حرام است.

ثانیاً: بر حرمت مس کتابت قرآن، بدون وضو، ادعای اجماع شده است؛

صاحب جواهر (ره) فرموده است: **«لا يجوز للمحدث أي غير المتطهر شرعا مس كتابة القرآن كما في الخلاف و التهذيب و ظاهر الفقيه و عن الكافي و أحكام الراوندي و ابن سعيد و اختاره في النافع و المنتهى و المختلف و القواعد و الإرشاد و الذكرى و الدروس و التنقيح و جامع المقاصد و غيرها من كتب متأخري المتأخرين، بل هو المشهور نقلا و تحصيلا، بل في الخلاف الإجماع عليه، كما عن ظاهر التبيان و مجمع البيان خلافا للشيخ في المبسوط على ما نقل عنه، و عن ابني إدريس و البراج من الحكم بالكراهة»**[[2]](http://hosseiniboshehri.ir/index.php/%D8%AF%D8%B1%D9%88%D8%B3/%D9%81%D9%82%D9%87/6402-%D9%85%D9%88%D8%A7%D8%B1%D8%AF-%D9%88%D8%AC%D9%88%D8%A8-%D9%88%D8%B6%D9%88-96-06-13.html#_ftn2).

صاحب جواهر (ره) در کلام مذکور، فرموده است که مشهور بین فقها این است که مس کتابت قرآن، بدون وضو جایز نیست و در کتاب خلاف [شیخ طوسی (ره)] بر این مسأله ادعای اجماع شده است، کما اینکه از ظاهر تبیان و مجمع البیان نیز استفاده می‎شود که حرمت مس کتابت قرآن، بدون وضو، اجماعی است؛ هرچند که شیخ طوسی (ره) در کتاب مبسوط، ابن ادریس (ره) در کتاب سرائر و قاضی ابن برّاج (ره) در کتاب مهذّب گفته‎اند که مس کتابت قرآن، بدون وضو حرام نیست، بلکه مکروه است.

بنابراین، مشهور نزد فقها این است که وضو برای مس کتابت قرآن، واجب است و لازمه آن، این است که مس کتابت قرآن برای کسی که وضو ندارد حرام است.

ثالثاً: کتاب خدا نیز بر حرمت مس کتابت قرآن، بدون وضو، دلالت دارد؛

**«لا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ»**[[3]](http://hosseiniboshehri.ir/index.php/%D8%AF%D8%B1%D9%88%D8%B3/%D9%81%D9%82%D9%87/6402-%D9%85%D9%88%D8%A7%D8%B1%D8%AF-%D9%88%D8%AC%D9%88%D8%A8-%D9%88%D8%B6%D9%88-96-06-13.html#_ftn3)؛ و جز پاكان نمى‌توانند به آن [قرآن] دست زنند.

گفته‎اند که از این آیه استفاده می‎شود که فقط کسانی می‎توانند قرآن را مس کنند که وضو داشته باشند و دارای طهارت باشند. مقصود از «یَمَسُّهُ»، تماس داشتن با قرآن است؛ چه آن تماس با دست باشد و چه با سایر اعضای بدن باشد.

اشکال

استدلال به آیه مذکور در فرضی درست است که نکات ذیل ثابت گردد، لذا اگر نکات ذیل ثابت نشوند، نمی‎توان برای حرمت مس قرآن، بدون وضو، به آیه مذکور استناد کرد؛

اولاً: باید ثابت شود که مقصود از «یَمَسُّه»، تماس داشتن ظاهری با قرآن است؛

ثانیاً: باید مقصود از «مطهَّرون» نیز معنای ظاهری آن، یعنی طهارت ظاهری و وضو باشد یا لاأقل اگر «مَسّ» به معنای تماس ظاهری نباشد، گفته شود که «مَس» یک معنای اعمی دارد که تماس ظاهری، یکی از مصادیق آن است و مصداق دیگر آن، این است که منظور از «لا یمَسُّه»، این است که شخص دقایق و ظرایف قرآن را درک نمی‎کند و به کُنه آیات الهی پی نمی‎برد، که اگر منظور این باشد که شخص دقایق و ظرایف قرآن را درک نمی‎کند، در این صورت معنای ظاهریِ «مطهَّرون»، مراد نخواهد بود، بلکه عصمت و پاکی از هر نوع رجس و پلیدی، منظور از «مطهَّرون»، خواهد بود.

ثالثاً: ضمیر «هاء» در «لا یمَسُّه» نیز باید به قرآن برگردد.

پس اولاً؛ «مَس» باید به معنای مَس ظاهری باشد، ثانیاً؛ «مطهَّرون» نیز باید به معنای طهارت ظاهری باشد و ثالثاً؛ ضمیر «هاء» در «لا یمَسُّه» نیز باید به قرآن برگردد.

عده‎ای گفته‎اند که ضمیر «هاء» در «لا یَمَسُّه» به قرآن برنمی‎گردد، بلکه ضمیر «هاء» به کتاب مکنون در لوح محفوظ برمی‎گردد که در این صورت قطعاً، «مطهَّرون» به معنای طهارت ظاهری نخواهد بود، بلکه به معنای عصمت و پاکی از رجس و پلیدی خواهد بود.

ممکن است گفته شود که ضمیر «هاء» در «لا یَمَسُّه» به قرآن برمی‎گردد و دلیل آن، آیه‎ای است که بعد از آیه مذکور، آمده است: **«تَنْزِيلٌ مِنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ»**[[4]](http://hosseiniboshehri.ir/index.php/%D8%AF%D8%B1%D9%88%D8%B3/%D9%81%D9%82%D9%87/6402-%D9%85%D9%88%D8%A7%D8%B1%D8%AF-%D9%88%D8%AC%D9%88%D8%A8-%D9%88%D8%B6%D9%88-96-06-13.html#_ftn4)؛ آن [قرآن] از سوى پروردگار عالميان نازل شده است.

ان قلت: با توجه به این آیه مشخص می‎شود که منظور از قرآن، همین قرآن ظاهری و کتاب مکتوب است که بین دو جلد قرار گرفته است و کتاب مکنون در لوح محفوظ، مراد نیست چون کتاب مکنون در لوح محفوظ، بر پیامبر (ص) نازل نشده است، بلکه کتاب مکتوب بر پیامبر (ص) نازل شده است.

قلنا: اشکال مذکور، در صورتی وارد است که آیه شریفه «تَنْزِيلٌ مِنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ» قبل از آیه شریفه «لا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ» باشد که در این صورت مقصود از ضمیر «هاء» در «لا یَمَسُّه» به قرآن مکتوب که بر پیامبر (ص) نازل شده است بر خواهد گشت، ولی با توجه به اینکه آیه «تَنْزِيلٌ مِنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ» بعد از آیه «لا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ»، آمده است و قبل از آیه شریفه «لا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ»، آیه «فِي كِتَابٍ مَكْنُونٍ»[[5]](http://hosseiniboshehri.ir/index.php/%D8%AF%D8%B1%D9%88%D8%B3/%D9%81%D9%82%D9%87/6402-%D9%85%D9%88%D8%A7%D8%B1%D8%AF-%D9%88%D8%AC%D9%88%D8%A8-%D9%88%D8%B6%D9%88-96-06-13.html#_ftn5)، آمده است، مشخص می‎شود که ضمیر «هاء» در «لا یَمَسُّه» به کتاب مکنون بر می‎گردد.

البته به نظر می‎رسد که ذکر آیه «تَنْزِيلٌ مِنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ» بعد از آیه «لا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ»، قرینه است بر اینک کتاب مکنون، همان کتاب مکتوب است که بر پیامبر (ص) نازل شده است لذا ضمیر «هاء» به کتاب مکتوب و قرآن ظاهری بر می‎گردد.

بنابراین، آن‎گونه که در تقریرات آیت الله حکیم (ره) و آیت الله خویی (ره) و سایر بزرگان آمده است، آیه «لا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ» نمی‎تواند دلیل بر حرمت مَس کتابت قرآن باشد.

بعضی گفته‎اند که روایتی، ذیل آیه «لا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ» آمده است که بر این دلالت دارد که ضمیر «هاء» در «لا یمَسُّه» به مصحف و قرآن مکتوب بر می‎گردد؛

**عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ عَبْدِ الْحَمِيدِ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ (ع)؛ قَالَ: «الْمُصْحَفُ لَا تَمَسَّهُ عَلَى غَيْرِ طُهْرٍ وَ لَا جُنُباً وَ لَا تَمَسَّ خَيْطَهُ وَ لَا تُعَلِّقْهُ؛ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَقُولُ: "لا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ"»**[[6]](http://hosseiniboshehri.ir/index.php/%D8%AF%D8%B1%D9%88%D8%B3/%D9%81%D9%82%D9%87/6402-%D9%85%D9%88%D8%A7%D8%B1%D8%AF-%D9%88%D8%AC%D9%88%D8%A8-%D9%88%D8%B6%D9%88-96-06-13.html#_ftn6).

بحث جلسه آینده: ان‎شاءالله در جلسه آینده، روایت مذکور، بررسی خواهد شد.

**«والحمدلله رب العالمین»**

[[1]](http://hosseiniboshehri.ir/index.php/%D8%AF%D8%B1%D9%88%D8%B3/%D9%81%D9%82%D9%87/6402-%D9%85%D9%88%D8%A7%D8%B1%D8%AF-%D9%88%D8%AC%D9%88%D8%A8-%D9%88%D8%B6%D9%88-96-06-13.html#_ftnref1). سید محمدکاظم، طباطبایی یزدی، العروة الوثقی، ج1، ص187.

[[2]](http://hosseiniboshehri.ir/index.php/%D8%AF%D8%B1%D9%88%D8%B3/%D9%81%D9%82%D9%87/6402-%D9%85%D9%88%D8%A7%D8%B1%D8%AF-%D9%88%D8%AC%D9%88%D8%A8-%D9%88%D8%B6%D9%88-96-06-13.html#_ftnref2). محمدحسن، نجفی (صاحب جواهر)، جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، ج2، ص314.

[[3]](http://hosseiniboshehri.ir/index.php/%D8%AF%D8%B1%D9%88%D8%B3/%D9%81%D9%82%D9%87/6402-%D9%85%D9%88%D8%A7%D8%B1%D8%AF-%D9%88%D8%AC%D9%88%D8%A8-%D9%88%D8%B6%D9%88-96-06-13.html#_ftnref3). «الواقعة»: 79.

[[4]](http://hosseiniboshehri.ir/index.php/%D8%AF%D8%B1%D9%88%D8%B3/%D9%81%D9%82%D9%87/6402-%D9%85%D9%88%D8%A7%D8%B1%D8%AF-%D9%88%D8%AC%D9%88%D8%A8-%D9%88%D8%B6%D9%88-96-06-13.html#_ftnref4). همان: 80.

[[5]](http://hosseiniboshehri.ir/index.php/%D8%AF%D8%B1%D9%88%D8%B3/%D9%81%D9%82%D9%87/6402-%D9%85%D9%88%D8%A7%D8%B1%D8%AF-%D9%88%D8%AC%D9%88%D8%A8-%D9%88%D8%B6%D9%88-96-06-13.html#_ftnref5). همان: 78 .

[[6]](http://hosseiniboshehri.ir/index.php/%D8%AF%D8%B1%D9%88%D8%B3/%D9%81%D9%82%D9%87/6402-%D9%85%D9%88%D8%A7%D8%B1%D8%AF-%D9%88%D8%AC%D9%88%D8%A8-%D9%88%D8%B6%D9%88-96-06-13.html#_ftnref6). شیخ حر عاملی، وسائل الشیعة، ج1، کتاب الطهارة، ابواب الوضوء، باب12، ص384، ح3.

## موارد وجوب وضو 96/06/14

|  |
| --- |
| درس خارج فقه حضرت آیت الله حسینی بوشهری (دامت برکاته)  **موضوع کلی:** **فصلٌ في غايات الوضوءات الواجبة و غير الواجبة                          تاریخ:** 14 شهریور 1396  **موضوع جزئی:**  **موارد وجوب وضو                                                             مصادف با:** 14 ذی‎الحجه 1438  **سال تحصیلی: 97-** **96                                                                                               جلسه:** 2 |

«الحمدلله رب العالمين و صلي‌الله علي محمد و آله الطاهرين و اللعن علي اعدائهم اجمعين»

بحث در ادله حرمت مس کتابت قرآن، بدون وضو بود، در جلسه گذشته به شهرت، اجماع و آیه شریفه «لا یمَسُّهُ الا المطَهَّرونَ» در این رابطه اشاره شد. همچنین، روایت ذیل به عنوان مؤید آیه مذکور، مبنی بر وجوب طهارت برای مس کتابت قرآن، ذکر شد:

**عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ عَبْدِ الْحَمِيدِ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ (ع)؛ قَالَ: «الْمُصْحَفُ لَا تَمَسَّهُ عَلَى غَيْرِ طُهْرٍ وَ لَا جُنُباً وَ لَا تَمَسَّ خَيْطَهُ وَ لَا تُعَلِّقْهُ؛ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَقُولُ: "لا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ"»**[[1]](http://hosseiniboshehri.ir/index.php/%D8%AF%D8%B1%D9%88%D8%B3/%D9%81%D9%82%D9%87/6403-%D9%85%D9%88%D8%A7%D8%B1%D8%AF-%D9%88%D8%AC%D9%88%D8%A8-%D9%88%D8%B6%D9%88-96-06-14.html#_ftn1).

اشکال به روایت مذکور

**اولاً:** روایت مذکور، سنداً ضعیف است چون شیخ صدوق (ره) این روایت را به اسنادش از علی بن حسن بن فضّال روایت کرده است و طریق شیخ (ره) به این شخص ضعیف است و کسانی که در سلسله سند این روایتند، موثق نیستند.

**ثانیاً:** روایت مذکور، دلالةً نیز ضعیف است چون «المصحف» که در این روایت آمده است غیر از کتابت قرآن است زیرا به قرآن بین دو جلد نیز مصحف گفته می‎شود؛ در حالی که هیچ کس حرمت مس مصحف، بدون وضو را قائل نشده است، بلکه آنچه مس آن، بدون وضو حرام است، مس کتابت قرآن است لذا گفته‎اند که شاید به قرینه صدر روایت و با توجه به اینکه روایت دارای سیاق واحد است، ذیل روایت نیز که گفته است «لا تمَسَّ خیطَهُ» دال بر حرمت مس کتابت قرآن نیست، بلکه بر کراهت مس کتابت قرآن دلالت دارد.

رابعاً: دلیل چهارمی که بر وجوب وضو و حرمت مس کتابت قرآن، بدون وضو اقامه شده است روایاتی است که از آنها استفاده شده است که مس کتابت قرآن، بدون وضو حرام است؛

 روایت اول: **عَنْ حَرِيزٍ عَمَّنْ أَخْبَرَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (‌ع)؛ قَالَ: كَانَ إِسْمَاعِيلُ بْنُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عِنْدَهُ؛ فَقَالَ: «يَا بُنَيَّ اقْرَأِ الْمُصْحَفَ» فَقَالَ: إِنِّي لَسْتُ عَلَى وُضُوءٍ؛ فَقَالَ: «لَا تَمَسَّ الْكِتَابَةَ وَ مَسَّ الْوَرَقَ فَاقْرَأْه»**[[2]](http://hosseiniboshehri.ir/index.php/%D8%AF%D8%B1%D9%88%D8%B3/%D9%81%D9%82%D9%87/6403-%D9%85%D9%88%D8%A7%D8%B1%D8%AF-%D9%88%D8%AC%D9%88%D8%A8-%D9%88%D8%B6%D9%88-96-06-14.html" \l "_ftn2" \o ").

حریز گفته است که اسماعیل [فرزند امام صادق (ع)] نزد حضرت (ع) بود، حضرت (ع) به او فرمود که قرآن بخوان، گفت که وضو ندارم، حضرت (ع) فرمود که نوشته‎های قرآن را مَس نکن، بلکه ورق را مس کن و آن را بخوان.

دلالت روایت مذکور، تمام است و هیچ اشکالی بر آن وارد نیست، لکن سند این روایت به خاطر ارسالی که دارد ضعیف است چون تعبیر « عَمَّنْ أَخْبَرَهُ » در سند این روایت به کار رفته است و مخبری، که راوی از او خبر را نقل کرده است مشخص نیست لذا روایت مرسله و ضعیف است.

آیت الله شیخ مرتضی حائری (ره) [فرزند شیخ عبدالکریم حائری (ره)] در تأیید صحت سند روایت مذکور، فرموده است که ناقل روایت مذکور، حماد بن عیسی است و او از کسانی است که «اجمعت العصابة علی تصحیح ما یصح عنه»؛ بزرگان بر تصحیح آنچه که از نظر او [حماد بن عیسی] صحیح است، اجماع کرده‎اند، یعنی روایاتی را که حماد بن عیسی صحیح بداند، بر صحت حمل می‎شود. همچنین، حریز از ثقات است و نقل او مشعر به این است که مخبر، ظاهر الصلاح است. بنابراین، سند روایت مذکور، مشکلی ندارد.

روایت دوم: **عَنْ أَبِي بَصِيرٍ؛ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (ع) عَمَّنْ قَرَأَ فِي الْمُصْحَفِ وَ هُوَ عَلَى غَيْرِ وُضُوءٍ؛ قَالَ: «لَا بَأْسَ وَ لَا يَمَسَّ الْكِتَابَ»**[[3]](http://hosseiniboshehri.ir/index.php/%D8%AF%D8%B1%D9%88%D8%B3/%D9%81%D9%82%D9%87/6403-%D9%85%D9%88%D8%A7%D8%B1%D8%AF-%D9%88%D8%AC%D9%88%D8%A8-%D9%88%D8%B6%D9%88-96-06-14.html" \l "_ftn3" \o ").

ابوبصیر در روایت موثقه مذکور، گفته است که از امام صادق (ع) در رابطه با شخصی که بدون وضو قرآن را می‎خواند، سؤال کردم، حضرت (ع) فرمود که اشکالی ندارد، لکن باید با کتابت و نوشته‎های قرآن تماس پیدا نکند.

همه گفته‎اند که این روایت موثقه در مدعای مشهور [حرمت مس کتابت قرآن بدون وضو]، ظهور قوی دارد.

اشکال

آیت الله حکیم (ره) اشکالی را در رابطه با روایت مذکور، مطرح کرده است و گفته است که بر فرض که پذیرفتیم که مس کتابت قرآن، بدون طهارت حرام است، لکن مشکل این است که آنچه بر داشتن طهارت، متوقف است، جواز مس است و مس کتابت [که مدعاست]، متوقف بر طهارت نیست لذا مدعا ثابت نمی‎شود. بنابراین، آنچه بر طهارت، متوقف است، جواز مس است و جواز مس، فعل مکلف نیست، بلکه جواز، یکی از احکام شرعی و حکم شارع است در نتیجه، طهارت مقدمه برای حکم شارع است و مقدمه برای فعل مکلف نیست لذا مدعا [شرطیت طهارت برای فعل مکلف] ثابت نمی‎شود.

پاسخ

آیت الله شیخ مرتضی حائری (ره)، آیت الله خویی (ره) و سایر بزرگان در پاسخ از این اشکال برآمده‎اند و گفته‎اند که طهارت مقدمه فعل مکلف که عبارت از جواز است، می‎باشد چون فعل مکلف عبارت است از اینکه آیا مس کتابت قرآن، بدون وضو برای او جایز است یا مس آن جایز نیست؟ پس طهارت مقدمه برای فعل مکلف که متصف به وصف جواز است، می‎باشد. بنابراین، طهارت، مقدمه برای حکم شرعی نیست، بلکه مقدمه برای فعل مکلف است که متصف به وصف جواز است [نه هر فعلی].

مرحوم سید (ره) نوشته است: «**يجب أيضاً لمسّ كتابة القرآن إن وجب بالنذر**»[[4]](http://hosseiniboshehri.ir/index.php/%D8%AF%D8%B1%D9%88%D8%B3/%D9%81%D9%82%D9%87/6403-%D9%85%D9%88%D8%A7%D8%B1%D8%AF-%D9%88%D8%AC%D9%88%D8%A8-%D9%88%D8%B6%D9%88-96-06-14.html#_ftn4).

سؤال: آیا نذر کردن مس کتابت قرآن، منعقد می‎شود یا منعقد نمی‎شود؟ یعنی آیا مس کتابت قرآن رجحان [که شرط انعقاد نذر است] دارد که نذر به آن تعلق پیدا کند یا رجحان ندارد؟

عده‎ای گفته‎اند که مس کتابت قرآن رجحانی ندارد لذا نذر به آن تعلق نمی‎گیرد، لکن در پاسخ این عده عرض می‎شود که مس کتابت قرآن به قصد تعظیم و تبرک جستن، رجحان دارد، کما اینکه بوسیدن قرآن، پرده کعبه و امثال آن به قصد تعظیم شعائر و تیمّن و تبرّک، رجحان دارد و سیره متشرعه نیز بر این جاری است که کتابت قرآن را به قصد تعظیم و تبرک مس می‎کنند بنابراین، مس کتابت قرآن می‎تواند متعلق نذر واقع شود و مشکلی ندارد.

مرحوم سید (ره) در ادامه مواردی که موجب وجوب وضو می‎شوند، نوشته است:**«أو لوقوعه في موضع يجب إخراجه منه، أو لتطهيره إذا صار متنجّساً و توقّف الإخراج أو التطهير على مس كتابته و لم يكن التأخير بمقدار الوضوء موجباً لهتك حرمته و إلّا وجبت المبادرةُ من دون الوضوء»**[[5]](http://hosseiniboshehri.ir/index.php/%D8%AF%D8%B1%D9%88%D8%B3/%D9%81%D9%82%D9%87/6403-%D9%85%D9%88%D8%A7%D8%B1%D8%AF-%D9%88%D8%AC%D9%88%D8%A8-%D9%88%D8%B6%D9%88-96-06-14.html#_ftn5).

به نظر مرحوم سید (ره) یکی از مواردی که وضو به خاطر آن واجب می‎شود این است که قرآن در جایی افتاده باشد [، مثل مستراح] که خارج نمودن آن واجب باشد، یا اینکه قرآن، نجس شده باشد و شخص بخواهد آن را تطهیر کند و اخراج قرآن یا تطهیر آن، بر مس کردن نوشته‎های آن متوقف باشد و تأخیر به مقداری که شخص وضو بگیرد، موجب هتک حرمت قرآن نگردد [که در این صورت واجب است شخص، نخست وضو بگیرد و سپس نسبت به اخراج یا تطهیر قرآن اقدام کند]، ولی اگر تأخیر به اندازه وضو گرفتن باعث هتک حرمت قرآن شود، واجب است که شخص بدون اینکه وضو بگیرد نسبت به اخراج یا تطهیر قرآن مبادرت ورزد.

دلیل حکم مذکور در کلام مرحوم سید (ره) این است که وضو نسبت به مَسِ واجب جنبه مقدمیت دارد لذا چون مس کتابت قرآن [به خاطر تطهیر یا اخراج آن از مستراح] واجب است، وضو نیز که مقدمه جواز مَس است [چون مس کتابت قرآن، بدون طهارت جایز نیست] واجب می‎شود پس وجوب وضو از باب وجوب مقدمه واجب است لذا چون ذی‎المقدمه [مَس کتابت قرآن]، واجب است، مقدمه [وضو] نیز واجب می‎شود.

نکته: در صورتی که شخص بخواهد قرآن را تطهیر کند و یا آن را از مکانی، مثل مستراح خارج کند و وضو نداشته باشد، اگر تأخیر در تطهیر و اخراج به خاطر وضو گرفتن، موجب هتک حرمت قرآن شود، لازم نیست که شخص وضو بگیرد، بلکه باید سریع نسبت به تطهیر یا اخراج قرآن اقدام کند و دلیل این امر نیز تزاحم دو امر است که یکی امر به تطهیر یا اخراج قرآن است و دیگری امر به وضو برای مس کتابت قرآن، که چون امر به تطهیر یا اخراج قرآن اهم از امر به وضو برای مس کتابت [امر مهم] قرآن است، شخص باید بدون وضو [در فرضی که تأخیر به خاطر وضو، موجب هتک حرمت قرآن شود] به تطهیر یا اخراج قرآن از مکانی، مثل مستراح اقدام کند و لازم نیست که به خاطر وضو، تطهیر یا اخراج را به تأخیر اندازد.

**«والحمدلله رب العالمین»**

[[1]](http://hosseiniboshehri.ir/index.php/%D8%AF%D8%B1%D9%88%D8%B3/%D9%81%D9%82%D9%87/6403-%D9%85%D9%88%D8%A7%D8%B1%D8%AF-%D9%88%D8%AC%D9%88%D8%A8-%D9%88%D8%B6%D9%88-96-06-14.html#_ftnref1). شیخ حر عاملی، وسائل الشیعة، ج1، کتاب الطهارة، ابواب الوضوء، باب12، ص384، ح3.

[[2]](http://hosseiniboshehri.ir/index.php/%D8%AF%D8%B1%D9%88%D8%B3/%D9%81%D9%82%D9%87/6403-%D9%85%D9%88%D8%A7%D8%B1%D8%AF-%D9%88%D8%AC%D9%88%D8%A8-%D9%88%D8%B6%D9%88-96-06-14.html#_ftnref2). همان، ص383، ح2.

[[3]](http://hosseiniboshehri.ir/index.php/%D8%AF%D8%B1%D9%88%D8%B3/%D9%81%D9%82%D9%87/6403-%D9%85%D9%88%D8%A7%D8%B1%D8%AF-%D9%88%D8%AC%D9%88%D8%A8-%D9%88%D8%B6%D9%88-96-06-14.html#_ftnref3). همان، ح1.

[[4]](http://hosseiniboshehri.ir/index.php/%D8%AF%D8%B1%D9%88%D8%B3/%D9%81%D9%82%D9%87/6403-%D9%85%D9%88%D8%A7%D8%B1%D8%AF-%D9%88%D8%AC%D9%88%D8%A8-%D9%88%D8%B6%D9%88-96-06-14.html#_ftnref4). سید محمدکاظم، طباطبایی یزدی، العروة الوثقی، ج1، ص187.

[[5]](http://hosseiniboshehri.ir/index.php/%D8%AF%D8%B1%D9%88%D8%B3/%D9%81%D9%82%D9%87/6403-%D9%85%D9%88%D8%A7%D8%B1%D8%AF-%D9%88%D8%AC%D9%88%D8%A8-%D9%88%D8%B6%D9%88-96-06-14.html#_ftnref5). همان.

## فصلٌ في غايات الوضوءات الواجبة و غير الواجبة96/06/25فصلٌ في غايات الوضوءات الواجبة و غير الواجبة96/06/21

|  |
| --- |
| درس خارج فقه حضرت آیت الله حسینی بوشهری (دامت برکاته)  **موضوع کلی:** **فصلٌ في غايات الوضوءات الواجبة و غير الواجبة                         تاریخ:** 21شهریور 1396  **موضوع جزئی:**  **موارد وجوب وضو                                                            مصادف با: 21** ذی‎الحجه 1438  **سال تحصیلی: 97-** **96                                                                                              جلسه:** 3 |

   «الحمدلله رب العالمين و صلي‌الله علي محمد و آله الطاهرين و اللعن علي اعدائهم اجمعين»

خلاصه جلسه گذشته

عرض شد که به نظر مرحوم سید (ره) یکی از مواردی که وضو به خاطر آن واجب می‎شود این است که قرآن در جایی افتاده باشد [، مثل مستراح] که خارج نمودن آن واجب باشد، یا اینکه قرآن، نجس شده باشد و شخص بخواهد آن را تطهیر کند و اخراج قرآن یا تطهیر آن، بر مس کردن نوشته‎های آن متوقف باشد و تأخیر به مقداری که شخص وضو بگیرد، موجب هتک حرمت قرآن نگردد [که در این صورت واجب است شخص، نخست وضو بگیرد و سپس نسبت به اخراج یا تطهیر قرآن اقدام کند]، ولی اگر تأخیر به اندازه وضو گرفتن باعث هتک حرمت قرآن شود، واجب است که شخص بدون اینکه وضو بگیرد نسبت به اخراج یا تطهیر قرآن مبادرت ورزد.

دلیل حکم مذکور در کلام مرحوم سید (ره) این بود که وضو نسبت به مَسِ واجب جنبه مقدمیت دارد لذا چون مس کتابت قرآن [به خاطر تطهیر یا اخراج آن از مستراح] واجب است، وضو نیز که مقدمه جواز مَس است [چون مس کتابت قرآن، بدون طهارت جایز نیست] واجب می‎شود پس وجوب وضو از باب وجوب مقدمه واجب است لذا چون ذی‎المقدمه [مَس کتابت قرآن]، واجب است، مقدمه [وضو] نیز واجب می‎شود.

نکته: در صورتی که شخص بخواهد قرآن را تطهیر کند و یا آن را از مکانی، مثل مستراح خارج کند و وضو نداشته باشد، اگر تأخیر در تطهیر و اخراج به خاطر وضو گرفتن، موجب هتک حرمت قرآن شود، لازم نیست که شخص وضو بگیرد، بلکه باید سریع نسبت به تطهیر یا اخراج قرآن اقدام کند و دلیل این امر نیز تزاحم دو امر است که یکی امر به تطهیر یا اخراج قرآن است و دیگری امر به وضو برای مس کتابت قرآن، که چون امر به تطهیر یا اخراج قرآن اهم از امر به وضو برای مس کتابت [امر مهم] قرآن است، شخص باید بدون وضو [در فرضی که تأخیر به خاطر وضو، موجب هتک حرمت قرآن شود] به تطهیر یا اخراج قرآن از مکانی، مثل مستراح اقدام کند و لازم نیست که به خاطر وضو، تطهیر یا اخراج را به تأخیر اندازد.

سؤال: آیا در فرضی که تأخیر به اندازه وضو گرفتن، موجب هتک حرمت قرآن گردد، لازم است که شخص تیمّم کند و سپس قرآن را تطهیر کند یا اگر در جایی مثل مستراح افتاده، آن را خارج کند یا لازم نیست که شخص تیمم کند؟

پاسخ: آیت الله خویی (ره) فرموده است که لازم نیست که شخص تیمّم کند چون تیمم در دو مورد، مشروعیت دارد؛ مورد اول، جایی است که انسان دسترسی به آب نداشته باشد که در صورت فقدان آب، تیمم می‎کند و مورد دوم، جایی است که آب وجود دارد اما به خاطر ضرر داشتن و امثال آن، انسان از استعمال آب عاجز است. بنابراین، چون مانحن‎فیه مصداق هیچ یک از دو مورد مذکور نیست، جایی برای تیمّم نیست در نتیجه، اگر تأخیر به اندازه وضو گرفتن موجب هتک حرمت قرآن شود، لازم نیست که شخص تیمّم کند، بلکه بدون وضو و تیمّم باید نسبت به تطهیر قرآن یا اخراج آن از محلی، مثل مستراح که به قرآن بی‎احترامی می‎شود، اقدام کند[[1]](http://hosseiniboshehri.ir/index.php/%D8%AF%D8%B1%D9%88%D8%B3/%D9%81%D9%82%D9%87/6422-%D9%81%D8%B5%D9%84%D9%8C-%D9%81%D9%8A-%D8%BA%D8%A7%D9%8A%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%B6%D9%88%D8%A1%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%A7%D8%AC%D8%A8%D8%A9-%D9%88-%D8%BA%D9%8A%D8%B1-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%A7%D8%AC%D8%A8%D8%A996-06-21.html" \l "_ftn1" \o ").

مرحوم سید (ره) در ادامه نوشته است: **«و يلحق به أسماء اللّه و صفاته الخاصّة، دون أسماء الأنبياء و الأئمّة (عليهم السّلام)، و إن كان أحوط»**[[2]](http://hosseiniboshehri.ir/index.php/%D8%AF%D8%B1%D9%88%D8%B3/%D9%81%D9%82%D9%87/6422-%D9%81%D8%B5%D9%84%D9%8C-%D9%81%D9%8A-%D8%BA%D8%A7%D9%8A%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%B6%D9%88%D8%A1%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%A7%D8%AC%D8%A8%D8%A9-%D9%88-%D8%BA%D9%8A%D8%B1-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%A7%D8%AC%D8%A8%D8%A996-06-21.html#_ftn2).

به نظر مرحوم سید (ره)، مس اسماء خداوند و صفات خاص خداوند نیز در حکم مس کتابت قرآن می‎باشند لذا همان‎طور که لازم است که شخص برای مَس کتابت قرآن وضو بگیرد، لازم است که برای مس اسماء و صفات خداوند نیز وضو بگیرد، ولی لازم نیست که برای مس اسماء انبیاء (ع) و ائمه (ع) که وضو بگیرد؛ هرچند که احتیاط مستحب این است که برای مس اسماء انبیاء (ع) و ائمه (ع) نیز وضو بگیرد.

دلیل حرمت مس اسماء و صفات الهی، بدون وضو

حکم مسأله با توجه به مستند حرمت مس کتابت قرآن، بدون وضو فرق می‎کند چون گاهی مستند حرمت مس کتابت قرآن، بدون وضو، موثقه ابوبصیر است [**عَنْ أَبِي بَصِيرٍ؛ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (ع) عَمَّنْ قَرَأَ فِي الْمُصْحَفِ وَ هُوَ عَلَى غَيْرِ وُضُوءٍ؛ قَالَ: «لَا بَأْسَ وَ لَا يَمَسَّ الْكِتَابَ»**[[3]](http://hosseiniboshehri.ir/index.php/%D8%AF%D8%B1%D9%88%D8%B3/%D9%81%D9%82%D9%87/6422-%D9%81%D8%B5%D9%84%D9%8C-%D9%81%D9%8A-%D8%BA%D8%A7%D9%8A%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%B6%D9%88%D8%A1%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%A7%D8%AC%D8%A8%D8%A9-%D9%88-%D8%BA%D9%8A%D8%B1-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%A7%D8%AC%D8%A8%D8%A996-06-21.html" \l "_ftn3" \o ")] که در جلسه گذشته ذکر شد و گاهی مستند حرمت مس کتابت قرآن، بدون وضو، آیه شریفه **«لا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ»**[[4]](http://hosseiniboshehri.ir/index.php/%D8%AF%D8%B1%D9%88%D8%B3/%D9%81%D9%82%D9%87/6422-%D9%81%D8%B5%D9%84%D9%8C-%D9%81%D9%8A-%D8%BA%D8%A7%D9%8A%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%B6%D9%88%D8%A1%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%A7%D8%AC%D8%A8%D8%A9-%D9%88-%D8%BA%D9%8A%D8%B1-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%A7%D8%AC%D8%A8%D8%A996-06-21.html#_ftn4) می‎باشد که حکم مسأله با توجه به آیه و روایت فرق می‎کند؛

اگر مستند حکم مذکور، روایت ابوبصیر باشد، تعدی حکم حرمت، از مس کتابت قرآن به مس اسماء و صفات الهی جایز نیست، یعنی نمی‎توان تنقیح مناط درست کرد و گفت که مناط در مس کتابت قرآن و مس اسماء و صفات الهی، یک چیز است و با توجه به این مناط حکم را از مس کتابت قرآن به مس اسماء و صفات الهی، تسرّی داد چون روایت موثقه ابوبصیر صرفاً به مس کتابت قرآن اختصاص دارد و راه دیگری وجود ندارد که از آن طریق ملاکات شرع استنباط شود و گفته شود که ملاک و مناط در مس کتابت قرآن و مس اسماء و صفات الهی یک چیز است لذا تسری و تعدی حکم حرمت مس، از کتابت قرآن به اسماء و صفات الهی نیز جایز است بنابراین، چون دسترسی به ملاکات شرعی امکان‎پذیر نیست لذا تعدی حکم حرمت مس، از مس کتابت قرآن به مس اسماء و صفات خاص الهی جایز نیست.

عده‎ای گفته‎اند که اگر مستند حکم مذکور [حرمت مس کتابت قرآن]، آیه «**لا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ**» باشد، تعدی حکم حرمت مس، از مس کتابت قرآن به مس اسماء و صفات خاص الهی جایز است، بلکه عده‎ای گفته‎اند که حکم حرمت مس کتابت قرآن، به هر چیزی که مقدّس است و باید تعظیم و تکریم شود، قابل تسرّی است لذا حکم حرمت مس کتابت قرآن، به مس اسماء انبیاء (ع)، ائمه معصومین (ع) و حتی نام مبارک حضرت زهرای مرضیه (س)، مس کعبه نیز تسرّی داده می‎شود لذا گفته‎اند که آیه شریفه مذکور، به خاطر قداست و کرامت قرآن بر منع مس کتابت قرآن، بدون وضو، دلالت دارد بنابراین، ملاک حرمت مس، حفظ قداست و کرامت است لذا مس هر چیزی که قداست و کرامت داشته باشد، بدون وضو، جایز نیست پس با توجه به اینکه مس کتابت قرآن، موضوعیت ندارد، بلکه آنچه موضوعیت دارد، قداست، کرامت و شرافت قرآن است و این قداست و شرافت در رابطه با اسماء و صفات خاص الهی، اسماء انبیاء (ع)، اسماء ائمه معصومین (ع)، نام مبارک حضرت فاطمه زهرا (س)، مس کعبه و... نیز جریان دارد بنابراین، حکم حرمت مس کتابت قرآن، بدون وضو به مس اسماء و صفات خاص الهی، اسماء انبیاء (ع)، اسماء ائمه معصومین (ع) و امثال آن نیز تسرّی می‎کند و مس موارد مذکور، نیز بدون وضو حرام است.

اشکال

همان‎طور که قبلاً در بحث از استدلال به آیه مورد بحث [جلسه اول، مورخه13/6/96]، گفته شد، در اصل تمسک به آیه برای حرمت مس کتابت قرآن، اشکال است و نمی‎شود با تمسک به ظاهر این آیه، حرمت مس کتابت قرآن را ثابت کرد، بلکه استناد به این آیه متوقف بر این سه نکته است که اولاً؛ «مَس» به معنای مَس ظاهری باشد، ثانیاً؛ «مطهَّرون» نیز به معنای طهارت ظاهری باشد و ثالثاً؛ ضمیر «هاء» در «لا یمَسُّه» نیز به قرآن برگردد، در صورتی که این سه نکته محرز و روشن نیست لذا وقتی استناد به آیه مذکور، برای حرمت مس کتابت قرآن تمام نباشد، ممکن نیست که با استناد به این آیه، حرمت مس، به مس اسماء و صفات خاص الهی نیز سرایت داده شود. در نتیجه، تسرّی از مس کتابت قرآن به مس اسماء و صفات خاص الهی، اسماء انبیاء (ع) و ائمه معصومین (ع) از باب احتیاط خواهد بود.

بنابراین، مس کتابت قرآن، بدون وضو، از باب تمسک به موثقه ابوبصیر، حرام است، ولی مس اسماء و صفات خاص الهی، اسماء انبیاء (ع)، ائمه معصومین (ع) و امثال آن از باب احتیاط جایز نیست.

ممکن است که گفته شود که اگر مس کتابت قرآن، بدون وضو حرام باشد چون در کتاب خدا، اسماء و صفات خداوند متعال نیز وجود دارد بنابراین، مس اسم و صفات خداوند، بدون وضو نیز حرام خواهد بود؛ هرچند که در غیر کتاب خدا باشند.

**«والحمدلله رب العالمین»**

[[1]](http://hosseiniboshehri.ir/index.php/%D8%AF%D8%B1%D9%88%D8%B3/%D9%81%D9%82%D9%87/6422-%D9%81%D8%B5%D9%84%D9%8C-%D9%81%D9%8A-%D8%BA%D8%A7%D9%8A%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%B6%D9%88%D8%A1%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%A7%D8%AC%D8%A8%D8%A9-%D9%88-%D8%BA%D9%8A%D8%B1-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%A7%D8%AC%D8%A8%D8%A996-06-21.html#_ftnref1). سید ابوالقاسم، موسوی خویی، التنقیح فی شرح العروة الوثقی، ج3، ص522.

[[2]](http://hosseiniboshehri.ir/index.php/%D8%AF%D8%B1%D9%88%D8%B3/%D9%81%D9%82%D9%87/6422-%D9%81%D8%B5%D9%84%D9%8C-%D9%81%D9%8A-%D8%BA%D8%A7%D9%8A%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%B6%D9%88%D8%A1%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%A7%D8%AC%D8%A8%D8%A9-%D9%88-%D8%BA%D9%8A%D8%B1-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%A7%D8%AC%D8%A8%D8%A996-06-21.html#_ftnref2). سید محمدکاظم، طباطبایی یزدی، العروة الوثقی، ج1، ص187.

[[3]](http://hosseiniboshehri.ir/index.php/%D8%AF%D8%B1%D9%88%D8%B3/%D9%81%D9%82%D9%87/6422-%D9%81%D8%B5%D9%84%D9%8C-%D9%81%D9%8A-%D8%BA%D8%A7%D9%8A%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%B6%D9%88%D8%A1%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%A7%D8%AC%D8%A8%D8%A9-%D9%88-%D8%BA%D9%8A%D8%B1-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%A7%D8%AC%D8%A8%D8%A996-06-21.html#_ftnref3). شیخ حر عاملی، وسائل الشیعة، ج1، کتاب الطهارة، ابواب الوضوء، باب12، ص384، ح1.

[[4]](http://hosseiniboshehri.ir/index.php/%D8%AF%D8%B1%D9%88%D8%B3/%D9%81%D9%82%D9%87/6422-%D9%81%D8%B5%D9%84%D9%8C-%D9%81%D9%8A-%D8%BA%D8%A7%D9%8A%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%B6%D9%88%D8%A1%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%A7%D8%AC%D8%A8%D8%A9-%D9%88-%D8%BA%D9%8A%D8%B1-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%A7%D8%AC%D8%A8%D8%A996-06-21.html#_ftnref4). «الواقعة»:79.

|  |
| --- |
| درس خارج فقه حضرت آیت الله حسینی بوشهری (دامت برکاته)  **موضوع کلی:** **فصلٌ في غايات الوضوءات الواجبة و غير الواجبة                         تاریخ:** 25 شهریور 1396  **موضوع جزئی:**  **موارد وجوب وضو                                                            مصادف با: 25** ذی‎الحجه 1438  **سال تحصیلی: 97-** **96                                                                                              جلسه:** 4 |

           «الحمدلله رب العالمين و صلي‌الله علي محمد و آله الطاهرين و اللعن علي اعدائهم اجمعين»

مرحوم سید (ره) در ادامه نوشته است: **«و وجوب الوضوء في المذكورات ما عدا النذر و أخويه إنّما هو على تقدير كونه محدثاً و إلّا فلا يجب و أمّا في النذر و أخويه فتابع للنذر، فإن نذر كونه على الطهارة لا يجب إلّا إذا كان محدثاً و إن نذر الوضوء التجديدي وجب و إن كان على وضوء»**[[1]](http://www.bushehri.net/index.php/%D8%AF%D8%B1%D9%88%D8%B3/%D9%81%D9%82%D9%87/6456-%D9%81%D8%B5%D9%84%D9%8C-%D9%81%D9%8A-%D8%BA%D8%A7%D9%8A%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%B6%D9%88%D8%A1%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%A7%D8%AC%D8%A8%D8%A9-%D9%88-%D8%BA%D9%8A%D8%B1-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%A7%D8%AC%D8%A8%D8%A996-07-25.html#_ftn1).

به نظر مرحوم سید (ره)، وجوب وضو در موارد مذکور [مس کتابت قرآن، تطهیر قرآن، مس اسماء الهی و صفات خاص الهی و...]، غیر از نذر، عهد و قسم در صورتی است که شخص محدث باشد و طهارت نداشته باشد وگرنه اگر وضو داشته باشد، نیاز به وضوی مجدد نیست، اما در مورد نذر، عهد و قسم، وجوب و عدم وجوب وضو تابع نذری است که از طرف مکلف صورت گرفته است، پس اگر نذر کرده باشد که همیشه طهارت داشته باشد، در صورتی که شخص طهارت داشته باشد، وضو گرفتن واجب نیست، ولی اگر نذر کرده است که وضوی خود را تجدید کند و مجدداً وضو بگیرد، در این صورت وضو گرفتن واجب است؛ هرچند که طهارت داشته باشد.

مسأله466: **«إذا نذر أن يتوضّأ لكلّ صلاة وضوءاً رافعاً للحدث و كان متوضّئاً يجب عليه نقضه ثمّ الوضوء، لكن في صحّة مثل هذا النذر على إطلاقه تأمّل»**[[2]](http://www.bushehri.net/index.php/%D8%AF%D8%B1%D9%88%D8%B3/%D9%81%D9%82%D9%87/6456-%D9%81%D8%B5%D9%84%D9%8C-%D9%81%D9%8A-%D8%BA%D8%A7%D9%8A%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%B6%D9%88%D8%A1%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%A7%D8%AC%D8%A8%D8%A9-%D9%88-%D8%BA%D9%8A%D8%B1-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%A7%D8%AC%D8%A8%D8%A996-07-25.html#_ftn2).

به نظر مرحوم سید (ره) اگر کسی نذر کرد که برای هر نماز، وضویی که رافع حدث باشد، بگیرد، در صورتی که وضو داشته باشد، واجب است که وضویش را باطل کند و سپس وضو بگیرد [تا صدق کند که برای هر نماز، وضوی رافع حدث گرفته است]، لکن صحت چنین نذری به صورت مطلق، جای تأمل دارد.

در رابطه با مسأله مذکور، چند نکته قابل ذکر است:

نکته اول، این است که در صحت نذر، شرط است که متعلق نذر رجحان داشته باشد، بنابراین، اگر متعلق نذر رجحان نداشته باشد، جایی برای التزام به آن نذر باقی نمی‎ماند.

نکته دوم، این است که در صحت نذر، صرف رجحان داشتن متعلق نذر، کفایت می‎کند و أرجحیت متعلق نذر نسبت به موارد دیگر لازم نیست. همچنین لازم نیست که عمل به نذر، مستلزم عدم ترک امر أرجح باشد، یعنی نمی‎توان گفت که نذر در صورتی قبول است که امر أرجحی ترک نشود.

بنابراین، اگر کسی مثلاً نذر کند که مؤمن شهیدی را در شب جمعه زیارت کند و در کنار قبر آن مؤمن شهید قبر دیگری وجود داشته باشد که علاوه بر مؤمن بودن و شهید بودن، فقیه نیز باشد، در این صورت نذر آن شخص نسبت به زیارت مؤمن شهید، محقق می‎شود چون متعلق چنین نذری رجحان دارد و ارجح بودن زیارت قبر مؤمن شهیدی که فقیه نیز می‎باشد، مانع از تحقق نذر مذکور نمی‎شود.

نکته سوم، این است که اگر برای فعل راجح، ذاتاً مقدمه مرجوحی وجود داشته باشد، در این صورت فعلی که بر آن مقدمه مرجوح مترتب می‎شود، مرجوح خواهد شد بنابراین، فعل راجح به خاطر مقدمه مرجوحی که دارد، بالعرض مرجوح می‎شود [هرچند که ذاتاً راجح است] لذا تعلق نذر به فعلی که مقدمه آن مرجوح است، صحیح نیست؛ به عنوان مثال اگر شخص متوضّی، وضوی رافع حدث را نذر کند، در این صورت چنین نذری متوقف بر نقض وضوی قبلی است و نقض وضو، امری مرجوح است چون با آیه شریفه **«إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ التَّوَّابِينَ وَ يُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِينَ»**[[3]](http://www.bushehri.net/index.php/%D8%AF%D8%B1%D9%88%D8%B3/%D9%81%D9%82%D9%87/6456-%D9%81%D8%B5%D9%84%D9%8C-%D9%81%D9%8A-%D8%BA%D8%A7%D9%8A%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%B6%D9%88%D8%A1%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%A7%D8%AC%D8%A8%D8%A9-%D9%88-%D8%BA%D9%8A%D8%B1-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%A7%D8%AC%D8%A8%D8%A996-07-25.html#_ftn3) سازگار نیست، بنابراین، تحقق نذر مذکور [، یعنی وضوی رافع حدث] بر نقض وضوی قبلی که امر مرجوح است، متوقف است لذا چنین نذری صحیح نیست.

اما اگر نقض وضو و احداث حدث، امری راجح باشد، نذر به انجام وضوی رافع حدث، صحیح خواهد بود؛ مثلاً اگر شخص، وضو دارد و چند ساعت است که دستشویی نرفته است و به مرضی مبتلاست که باید دستشویی برود، در این صورت اگر این شخص وضوی خود را با رفتن به دستشویی نقض کند، امر راجحی را انجام داده است چون نقض وضو و دستشویی رفتن در این صورت لازم است، بنابراین، در این صورت مقدمه نذر [وضوی رافع حدث]، امری راجح است لذا نذر مذکور صحیح است و مشکلی ندارد.

بنابراین، با توجه به نکات مذکور، مسأله مورد بحث [مسأله466] دو فرض دارد:

فرض اول، موردی است که مقدمه نذر مذکور، مرجوح است لذا نذر مذکور، صحیح نیست.

فرض دوم، موردی است که مقدمه نذر مذکور، راجح است لذا نذر مذکور، صحیح است.

مسأله 467: **«وجوب الوضوء لسبب النذر أقسام: أحدها: أن ينذر أن يأتي بعمل يشترط في صحّته الوضوء كالصلاة. الثاني: أن ينذر أن يتوضّأ إذا أتى بالعمل الفلاني الغير المشروط بالوضوء، مثل أن ينذر أن لا يقرأ القرآن إلّا مع الوضوء، فحينئذ لا يجب عليه القراءة، لكن لو أراد أن يقرأ يجب عليه أن يتوضّأ...»**[[4]](http://www.bushehri.net/index.php/%D8%AF%D8%B1%D9%88%D8%B3/%D9%81%D9%82%D9%87/6456-%D9%81%D8%B5%D9%84%D9%8C-%D9%81%D9%8A-%D8%BA%D8%A7%D9%8A%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%B6%D9%88%D8%A1%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%A7%D8%AC%D8%A8%D8%A9-%D9%88-%D8%BA%D9%8A%D8%B1-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%A7%D8%AC%D8%A8%D8%A996-07-25.html#_ftn4).

به نظر مرحوم سید (ره) وجوب وضو به سبب نذر اقسامی دارد:

اول، اینکه شخص نذر می‎کند که عملی، مثل نماز را انجام دهد که وضو، شرط صحت آن عمل است، در این صورت وضو گرفتن از باب مقدمیت برای نماز واجب است.

دوم، اینکه شخص نذر می‎کند که برای انجام عملی که ذاتاً مشروط به وضو نیست، وضو بگیرد؛ مثل اینکه نذر کند که قرآن را نخواند مگر در صورتی که وضو داشته باشد که در این صورت خواندن قرآن بر او واجب نیست، ولی اگر شخص بخواهد قرآن بخواند باید وضو بگیرد.

فرض دوم بر خلاف فرض اول است چون در فرض اول، نذر مطلق بود، ولی در فرض دوم، نذر مقید است؛ به این صورت که در فرض اول، نذر به نماز تعلق گرفته بود و مطلق بود و نماز مشروط به وضو بود، ولی در فرض دوم، نذر به صورتی مقید شده است که شخص قرآن را با وضو بخواند.

بحث جلسه آینده: بقیه اقسام نذر، ان‎شاءالله در جلسه آینده ذکر خواهد شد.

**«والحمدلله رب العالمین»**

[[1]](http://www.bushehri.net/index.php/%D8%AF%D8%B1%D9%88%D8%B3/%D9%81%D9%82%D9%87/6456-%D9%81%D8%B5%D9%84%D9%8C-%D9%81%D9%8A-%D8%BA%D8%A7%D9%8A%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%B6%D9%88%D8%A1%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%A7%D8%AC%D8%A8%D8%A9-%D9%88-%D8%BA%D9%8A%D8%B1-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%A7%D8%AC%D8%A8%D8%A996-07-25.html#_ftnref1). سید محمدکاظم، طباطبایی یزدی، العروة الوثقی، ج1، ص187.

[[2]](http://www.bushehri.net/index.php/%D8%AF%D8%B1%D9%88%D8%B3/%D9%81%D9%82%D9%87/6456-%D9%81%D8%B5%D9%84%D9%8C-%D9%81%D9%8A-%D8%BA%D8%A7%D9%8A%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%B6%D9%88%D8%A1%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%A7%D8%AC%D8%A8%D8%A9-%D9%88-%D8%BA%D9%8A%D8%B1-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%A7%D8%AC%D8%A8%D8%A996-07-25.html#_ftnref2). همان.

[[3]](http://www.bushehri.net/index.php/%D8%AF%D8%B1%D9%88%D8%B3/%D9%81%D9%82%D9%87/6456-%D9%81%D8%B5%D9%84%D9%8C-%D9%81%D9%8A-%D8%BA%D8%A7%D9%8A%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%B6%D9%88%D8%A1%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%A7%D8%AC%D8%A8%D8%A9-%D9%88-%D8%BA%D9%8A%D8%B1-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%A7%D8%AC%D8%A8%D8%A996-07-25.html#_ftnref3). «البقرة»:222.

[[4]](http://www.bushehri.net/index.php/%D8%AF%D8%B1%D9%88%D8%B3/%D9%81%D9%82%D9%87/6456-%D9%81%D8%B5%D9%84%D9%8C-%D9%81%D9%8A-%D8%BA%D8%A7%D9%8A%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%B6%D9%88%D8%A1%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%A7%D8%AC%D8%A8%D8%A9-%D9%88-%D8%BA%D9%8A%D8%B1-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%A7%D8%AC%D8%A8%D8%A996-07-25.html#_ftnref4). سید محمدکاظم، طباطبایی یزدی، العروة الوثقی، ج1، ص187.

## فصلٌ في غايات الوضوءات الواجبة و غير الواجبة 96/07/16فصلٌ في غايات الوضوءات الواجبة و غير الواجبة 96/06/26

|  |
| --- |
| درس خارج فقه حضرت آیت الله حسینی بوشهری (دامت برکاته)  **موضوع کلی:** **فصلٌ في غايات الوضوءات الواجبة و غير الواجبة                         تاریخ:** **26** شهریور 1396  **موضوع جزئی:**  **موارد وجوب وضو                                                            مصادف با:** **26** ذی‎الحجه 1438  **سال تحصیلی: 97-** **96                                                                                              جلسه:** **5** |

«الحمدلله رب العالمين و صلي‌الله علي محمد و آله الطاهرين و اللعن علي اعدائهم اجمعين»

مرحوم سید (ره) در ادامه مسأله 467 نوشته است: **«الثالث: أن ينذر أن يأتي بالعمل الكذائي مع الوضوء، كأن ينذر أن يقرأ القرآن مع الوضوء، فحينئذ يجب الوضوء و القراءة. الرابع: أن ينذر الكون على الطهارة. الخامس: أن ينذر أن يتوضّأ من غير نظر إلى الكون على الطهارة و جميع هذه الأقسام صحيح، لكن ربما يستشكل في الخامس من حيث إنّ صحّته موقوفة على ثبوت الاستحباب النفسي للوضوء و هو محلّ إشكال، لكن الأقوى ذلك»**[[1]](http://hosseiniboshehri.ir/index.php/%D8%AF%D8%B1%D9%88%D8%B3/%D9%81%D9%82%D9%87/6457-%D9%81%D8%B5%D9%84%D9%8C-%D9%81%D9%8A-%D8%BA%D8%A7%D9%8A%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%B6%D9%88%D8%A1%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%A7%D8%AC%D8%A8%D8%A9-%D9%88-%D8%BA%D9%8A%D8%B1-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%A7%D8%AC%D8%A8%D8%A9-96-06-26.html#_ftn1).

مرحوم سید (ره)، نوشته بود که وجوب وضو به خاطر نذر اقسامی دارد که در جلسه گذشته به دو قسم از آن اقسام اشاره شد.

سوم، اینکه شخص نذر می‎کند که فلان عمل را با وضو انجام دهد، مثل اینکه نذر می‎کند که قرآن را با وضو بخواند که در این صورت وضو و قرائت قرآن؛ هر دو واجبند بر خلاف قسم دوم که وجوب فقط به وضو تعلق گرفته بود و قرائت قرآن وجوبی نداشت چون شخص نذر کرده بود که اگر قرآن خواند، وضو داشته باشد.

چهارم، اینکه شخص نذر می‎کند که با طهارت باشد، در این صورت نیز وضو واجب است و دلیل آن، وجوب وفای به نذر است.

پنجم، اینکه شخص نذر می‎کند که وضو داشته باشد بدون اینکه به جنبه طهارت داشتن نظر داشته باشد، یعنی نذر کرده که وضو داشته باشد و قصد طهارت داشتن یا قرآن خواندن و امثال آن را نیز ندارد.

مرحوم سید (ره) در ادامه نوشته است که تمام اقسام پنج‎گانه مذکور، صحیح است، لکن ممکن است که نسبت به قسم پنجم اشکال شود و گفته شود که صحت قسم پنجم از اقسام نذر متوقف بر این است که وضو استحباب نفسی داشته باشد؛ در حالی که ثبوت استحباب نفسی برای وضو مشکل است، لکن اقوی این است که وضو استحباب نفسی دارد.

بنابراین، در رابطه با قسم پنجم از اقسام نذر، دو صورت متصور است؛ اول اینکه گفته شود که نذر به طبیعی وضو [با صرف نظر از چیز دیگری] تعلق گرفته است و به تعبیر دیگر نذر به نحو بشرط لا به وضو تعلق گرفته است، در این صورت یکی از مصادیق چنین نذری، وضو به قصد بودن بر طهارت خواهد بود لذا بودن بر طهارت نیز تحت این نذری که لابشرط است قرار می‎گیرد که در این صورت نذر مورد نظر، صحیح خواهد بود.

فرض دوم این است که نذر به طبیعی وضو تعلق گرفته است و نذر به نحو بشرط لا است، یعنی نذر به شرط عدم قصد غایتی از غایات است، بنابراین، حتی قصد بودن بر طهارت نیز تحت نذر مذکور قرار نمی‎گیرد که در این صورت نذر مذکور، بنا بر نظر کسانی که معتقدند که وضو، استحباب نفسی دارد، صحیح خواهد بود.

مسأله 468: **«لا فرق في حرمة مسّ كتابة القرآن على المحدث بين أن يكون باليد أو بسائر أجزاء البدن و لو بالباطن، كمسّها باللسان أو بالأسنان و الأحوط ترك المسّ بالشعر أيضاً و إن كان لا يبعد عدم حرمته»**[[2]](http://hosseiniboshehri.ir/index.php/%D8%AF%D8%B1%D9%88%D8%B3/%D9%81%D9%82%D9%87/6457-%D9%81%D8%B5%D9%84%D9%8C-%D9%81%D9%8A-%D8%BA%D8%A7%D9%8A%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%B6%D9%88%D8%A1%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%A7%D8%AC%D8%A8%D8%A9-%D9%88-%D8%BA%D9%8A%D8%B1-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%A7%D8%AC%D8%A8%D8%A9-96-06-26.html#_ftn2).

به نظر مرحوم سید (ره) در حرمت مس کتابت قرآن بر محدث، فرقی نیست که مس با دست باشد یا با سایر اجزاء بدن باشد؛ هرچند که مس با اجزاء باطنی بدن، مثل زبان یا دندان‎ها صورت گیرد و احتیاط واجب این است که مس کتابت قرآن به وسیله مو نیز ترک شود؛ هرچند که بعید نیست که مس کتابت قرآن به وسیله مو حرام نباشد [و ادله حرمت مس کتابت قرآن از مس به وسیله مو انصراف دارد و مو را شامل نمی‎شوند].

دلیل حکم مذکور، این است که ادله حرمت مس کتابت قرآن بر محدث، اطلاق دارد لذا مس با همه اجزاء بدن اعم از اجزاء ظاهری و اجزاء باطنی بدن را شامل می‎شود.

آیت الله خویی (ره) گفته است که شاید در رابطه با مس کتابت قرآن به وسیله مو بتوان قائل به تفصیل شد و گفت که مو بر دو قسم است؛ اول، مویی که کم‎پشت و کوتاه است که در این صورت مس چنین مویی با کتابت قرآن [در صورتی که شخص محدث باشد] حرام خواهد بود چون مو کوتاه است و با پوست خیلی فاصله ندارد و دوم، مویی است که بلند و پرپشت است که در این صورت مس چنین مویی با کتابت قرآن حرام نخواهد بود چون چنین مویی حکم لباس را دارد، یعنی همان‎گونه که تماس لباس با کتابت قرآن حرام نیست تماس موی بلند با کتابت قرآن نیز حرام نخواهد بود.

مسأله 469: **«لا فرق بين المسّ ابتداءً أو استدامةً، فلو كان يده على الخطّ فأحدث يجب عليه رفعها فوراً و كذا لو مسّ غفلة ثمّ التفت أنّه محدث»**[[3]](http://hosseiniboshehri.ir/index.php/%D8%AF%D8%B1%D9%88%D8%B3/%D9%81%D9%82%D9%87/6457-%D9%81%D8%B5%D9%84%D9%8C-%D9%81%D9%8A-%D8%BA%D8%A7%D9%8A%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%B6%D9%88%D8%A1%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%A7%D8%AC%D8%A8%D8%A9-%D9%88-%D8%BA%D9%8A%D8%B1-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%A7%D8%AC%D8%A8%D8%A9-96-06-26.html#_ftn3).

به نظر مرحوم سید (ره) در حرمت مس کتابت قرآن بر شخص محدِث، بین مس ابتدایی و مس استمراری فرقی نیست، پس اگر دست شخص روی خط قرآن باشد و در همان حال محدث شود و طهارتش نقض شود، واجب است که فوراً دستش را از روی خط قرآن بردارد و همچنین، اگر به خاطر غفلت و عدم توجه، خط قرآن را بدون طهارت مس کند و سپس متوجه شود که محدث است، باید فوراً دستش را از روی خط قرآن بردارد.

مسأله 470: **«المسّ الماحي للخطّ أيضاً حرام، فلا يجوز له أن يمحوه باللسان أو باليد الرطبة»**[[4]](http://hosseiniboshehri.ir/index.php/%D8%AF%D8%B1%D9%88%D8%B3/%D9%81%D9%82%D9%87/6457-%D9%81%D8%B5%D9%84%D9%8C-%D9%81%D9%8A-%D8%BA%D8%A7%D9%8A%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%B6%D9%88%D8%A1%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%A7%D8%AC%D8%A8%D8%A9-%D9%88-%D8%BA%D9%8A%D8%B1-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%A7%D8%AC%D8%A8%D8%A9-96-06-26.html" \l "_ftn4" \o ").

به نظر مرحوم سید (ره) مس کردنی که باعث محو شدن خط قرآن شود نیز حرام است، پس جایز نیست که شخص با زبان یا دست مرطوبش نوشته‎های قرآن را محو کند.

**«والحمدلله رب العالمین»**

[[1]](http://hosseiniboshehri.ir/index.php/%D8%AF%D8%B1%D9%88%D8%B3/%D9%81%D9%82%D9%87/6457-%D9%81%D8%B5%D9%84%D9%8C-%D9%81%D9%8A-%D8%BA%D8%A7%D9%8A%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%B6%D9%88%D8%A1%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%A7%D8%AC%D8%A8%D8%A9-%D9%88-%D8%BA%D9%8A%D8%B1-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%A7%D8%AC%D8%A8%D8%A9-96-06-26.html#_ftnref1). سید محمدکاظم، طباطبایی یزدی، العروة الوثقی، ج1، ص188.

[[2]](http://hosseiniboshehri.ir/index.php/%D8%AF%D8%B1%D9%88%D8%B3/%D9%81%D9%82%D9%87/6457-%D9%81%D8%B5%D9%84%D9%8C-%D9%81%D9%8A-%D8%BA%D8%A7%D9%8A%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%B6%D9%88%D8%A1%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%A7%D8%AC%D8%A8%D8%A9-%D9%88-%D8%BA%D9%8A%D8%B1-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%A7%D8%AC%D8%A8%D8%A9-96-06-26.html#_ftnref2). همان، ص189.

[[3]](http://hosseiniboshehri.ir/index.php/%D8%AF%D8%B1%D9%88%D8%B3/%D9%81%D9%82%D9%87/6457-%D9%81%D8%B5%D9%84%D9%8C-%D9%81%D9%8A-%D8%BA%D8%A7%D9%8A%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%B6%D9%88%D8%A1%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%A7%D8%AC%D8%A8%D8%A9-%D9%88-%D8%BA%D9%8A%D8%B1-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%A7%D8%AC%D8%A8%D8%A9-96-06-26.html#_ftnref3). همان.

[[4]](http://hosseiniboshehri.ir/index.php/%D8%AF%D8%B1%D9%88%D8%B3/%D9%81%D9%82%D9%87/6457-%D9%81%D8%B5%D9%84%D9%8C-%D9%81%D9%8A-%D8%BA%D8%A7%D9%8A%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%B6%D9%88%D8%A1%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%A7%D8%AC%D8%A8%D8%A9-%D9%88-%D8%BA%D9%8A%D8%B1-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%A7%D8%AC%D8%A8%D8%A9-96-06-26.html#_ftnref4). همان.

|  |
| --- |
| درس خارج فقه حضرت آیت الله حسینی بوشهری (دامت برکاته)  **موضوع کلی:** **فصلٌ في غايات الوضوءات الواجبة و غير الواجبة                               تاریخ:** **16** مهر 1396  **موضوع جزئی:**  **موارد وجوب وضو                                                                 مصادف با: 17** محرم 1439  **سال تحصیلی: 97-** **96                                                                                                    جلسه:** **6** |

  «الحمدلله رب العالمين و صلي‌الله علي محمد و آله الطاهرين و اللعن علي اعدائهم اجمعين»

مسأله 471: **«لا فرق بين أنواع الخطوط حتّى المهجور منها كالكوفي و كذا لا فرق بين أنحاء الكتابة من الكتب بالقلم أو الطبع أو القصّ بالكاغذ أو الحفر أو العكس»**[[1]](http://hosseiniboshehri.ir/index.php/%D8%AF%D8%B1%D9%88%D8%B3/%D9%81%D9%82%D9%87/6466-%D9%81%D8%B5%D9%84%D9%8C-%D9%81%D9%8A-%D8%BA%D8%A7%D9%8A%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%B6%D9%88%D8%A1%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%A7%D8%AC%D8%A8%D8%A9-%D9%88-%D8%BA%D9%8A%D8%B1-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%A7%D8%AC%D8%A8%D8%A9-96-07-16.html#_ftn1).

به نظر مرحوم سید (ره)، [در حرمت مس کتابت قرآن بدون وضو] بین انواع خطوط، فرقی نیست، حتی خطوطی که منقضی شده‎اند و مرسوم نیستند، مثل خط کوفی و همچنین، بین انحاء کتابت، از کتابت با قلم یا چاپ یا چینش کلمات به وسیله کاغذ یا کندن [روی چوب، سنگ و امثال آن] یا عکس گرفتن، فرقی نیست [و حرمت مس همه این موارد، بدون وضو جایز نیست چون بر همه این موارد، مس کتابت قرآن صدق می‎کند].

دلیل عدم فرق بین انواع خطوط و انحاء کتابت، اطلاقاتی است که در این زمینه وارد شده‎اند [، مثل موثقه ابوبصیر؛ **قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (ع) عَمَّنْ قَرَأَ فِي الْمُصْحَفِ وَ هُوَ عَلَى غَيْرِ وُضُوءٍ، قَالَ: «لَا بَأْسَ وَ لَا يَمَسَّ الْكِتَابَ»**[[2]](http://hosseiniboshehri.ir/index.php/%D8%AF%D8%B1%D9%88%D8%B3/%D9%81%D9%82%D9%87/6466-%D9%81%D8%B5%D9%84%D9%8C-%D9%81%D9%8A-%D8%BA%D8%A7%D9%8A%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%B6%D9%88%D8%A1%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%A7%D8%AC%D8%A8%D8%A9-%D9%88-%D8%BA%D9%8A%D8%B1-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%A7%D8%AC%D8%A8%D8%A9-96-07-16.html#_ftn2)] که گفته‎اند که مس کتابت قرآن بدون وضو حرام است و این اطلاقات، انواع خطوط و انحاء کتابت را شامل می‎شوند و انواع خطوط و انحاء کتابت، همه از مصادیق مس الکتاب می‎باشند.

اشکال شیخ انصاری (ره)

شیخ انصاری (ره) گفته است که در کندن آیات قرآن بر روی چوب، سنگ و امثال آن، مس کتابت قرآن صادق نیست لذا مس آیاتی که کنده‎کاری شده است بدون وضو مشکلی ندارد چون آن جایی که کنده‎کاری شده است فضای بازی است که قائم به هوا است و اگر شخص به آن دست بزند، گفته نمی‎شود که کتابت قرآن را مس کرده است چون دست به جایی که کنده‎کاری شده است، نمی‎رسد، بلکه دست شخص به سطح می‎رسد و به کتابت نمی‎رسد لذا مس آن بدون وضو اشکالی ندارد.

پاسخ به اشکال شیخ انصاری (ره)

آنچه شیخ انصاری (ره) مطرح کرده است، دقت‎های فلسفی است که برای همه قابل درک نیست چون درست که دست به فضای باز که قائم به هوا است تماس می‎گیرد، لکن همان فضای ایجاد شده به شکل حرفی از حروف است لذا بر فرض مس آن، عرفاً مس کتابت صدق می‎کند و لازم است که شخص برای مس آن وضو داشته باشد. بنابراین، چون موردی که کنده‎کاری شده است به سطح متصل است و زمانی که دست شخص با سطح تماس می‎گیرد، عرفاً گفته می‎شود که دست شخص با حرفی از حروف قرآن تماس داشته است و عرف مردم به دقت‎های فلسفی توجه ندارند لذا مس آن بدون وضو جایز نیست.

مسأله 472: **«لا فرق في القرآن بين الآية و الكلمة، بل و الحرف و إن كان يكتب و لا يقرأ كالألف في «قالوا» و «آمنوا»، بل الحرف الذي يقرأ و لا يكتب إذا كتب، كما في الواو الثاني من داود إذا كُتب بواوين، و كالألف في «رحمن» و «لقمن» إذا كُتب كرحمان و لقمان»**[[3]](http://hosseiniboshehri.ir/index.php/%D8%AF%D8%B1%D9%88%D8%B3/%D9%81%D9%82%D9%87/6466-%D9%81%D8%B5%D9%84%D9%8C-%D9%81%D9%8A-%D8%BA%D8%A7%D9%8A%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%B6%D9%88%D8%A1%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%A7%D8%AC%D8%A8%D8%A9-%D9%88-%D8%BA%D9%8A%D8%B1-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%A7%D8%AC%D8%A8%D8%A9-96-07-16.html#_ftn3).

به نظر مرحوم سید (ره)، [در حرمت مس کتابت قرآن بدون وضو] بین آیه‎ای از آیات قرآن و کلمه‎ای از کلمات قرآن، بلکه حرفی از حروف قرآن تفاوتی نیست؛ هرچند که حرف مورد نظر از حروفی، مثل الف در «قالوا» و «آمنوا» باشد که نوشته می‎شود و خوانده نمی‎شود، بلکه مس حرفی که خوانده می‎شود و نوشته نمی‎شود، مثل واو دوم در «داود»، اگر با دو واو نوشته شود و الف در «رحمن» و «لقمن» اگر «رحمان» و «لقمان» نوشته ‎شوند، بدون وضو جایز نیست.

دلیل حکم مذکور، اطلاقاتی است که در رابطه با حرمت مس کتابت قرآن بدون وضو، وارد شده‎اند چون اطلاقات دلالت بر این دارند که هر جا که عنوان کتابت قرآن صدق کند، مس آن بدون وضو حرام است و در مانحن‎فیه نیز بر آیه، کلمه، حرف؛ حتی حرفی که نوشته می‎شود و خوانده نمی‎شود و همچنین، حرفی که خوانده می‎شود و نوشته نمی‎شود اگر نوشته شود، عنوان کتابت قرآن صادق است لذا مس آن بدون وضو جایز نیست.

البته آیت الله حائری (ره) و آیت الله خویی (ره) گفته‎اند که حرمت مس کتابت قرآن بدون وضو، در فرضی است که کلمات و حروف از کلمات و حروف قرآن باشند، بنابراین، سخن در رابطه با حروفی است که نوشتن آن غلط تلقی نشود بنابراین، اگر کلمه یا حرفی از کلمات و حروف قرآن غلط نوشته شود، حکم قرآن را ندارد و مس آن بدون وضو اشکالی ندارد.

مسأله 473: **«لا فرق بين ما كان في القرآن أو في كتاب، بل لو وجدت كلمة من القرآن في كاغذ أو نصف الكلمة، كما إذا قصّ من ورق القرآن أو الكتاب يحرم مسّها أيضاً»**[[4]](http://hosseiniboshehri.ir/index.php/%D8%AF%D8%B1%D9%88%D8%B3/%D9%81%D9%82%D9%87/6466-%D9%81%D8%B5%D9%84%D9%8C-%D9%81%D9%8A-%D8%BA%D8%A7%D9%8A%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%B6%D9%88%D8%A1%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%A7%D8%AC%D8%A8%D8%A9-%D9%88-%D8%BA%D9%8A%D8%B1-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%A7%D8%AC%D8%A8%D8%A9-96-07-16.html#_ftn4).

به نظر مرحوم سید (ره)، [در حرمت مس کتابت قرآن بدون وضو] بین آنچه [از آیات و کلمات قرآن] که در قرآن باشد یا در کتاب دیگری باشد، تفاوتی نیست، بلکه اگر کلمه‎ای از قرآن در کاغذی باشد یا نصف کلمه‎ای از قرآن در کاغذی باشد، کما اینکه اگر از ورق‎های قرآن یا ورق‎های کتابی دیگر، به نحوی چیده شود که نصف کلمه‎ای از قرآن در آن باشد، مس آن حرام است.

دلیل حکم مذکور، اطلاقاتی است که در رابطه با حرمت مس کتابت قرآن بدون وضو وارد شده‎اند.

برخی گفته‎اند که روایاتی وجود دارند مبنی بر اینکه مس کتابت قرآن در صورتی که منفصل از قرآن باشد، بدون وضو جایز است که روایات ذیل از آن جمله‎اند:

روایت اول:**مِنْ كِتَابِ جَامِعِ الْبَزَنْطِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (ع)؛ قَالَ: سَأَلْتُهُ هَلْ يَمَسُّ الرَّجُلُ الدِّرْهَمَ الْأَبْيَضَ وَ هُوَ جُنُبٌ؟ فَقَالَ: «وَ اللَّهِ إِنِّي لَأُوتَى بِالدِّرْهَمِ فَآخُذُهُ وَ إِنِّي لَجُنُبٌ»**[[5]](http://hosseiniboshehri.ir/index.php/%D8%AF%D8%B1%D9%88%D8%B3/%D9%81%D9%82%D9%87/6466-%D9%81%D8%B5%D9%84%D9%8C-%D9%81%D9%8A-%D8%BA%D8%A7%D9%8A%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%B6%D9%88%D8%A1%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%A7%D8%AC%D8%A8%D8%A9-%D9%88-%D8%BA%D9%8A%D8%B1-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%A7%D8%AC%D8%A8%D8%A9-96-07-16.html#_ftn5).

محمد بن مسلم در روایت مذکور، از امام باقر (ع) درباره شخصی که با حالت جنابت درهم‎های سفید را مس می‎کند، سؤال کرده است، حضرت (ع) فرمود که درهم‎هایی را نزد من می‎آورند و من در حالی که جنبم آنها را می‎گیرم.

شهید اول (ره) گفته است که اگر آیه یا کلمه‎ای از قرآن بر روی درهم نوشته شود، مس آن بدون وضو اشکالی ندارد. ایشان در دلیل کلام خود به روایت مذکور، استناد کرده است و گفته است که این روایت دلیل بر این است که اگر آیه یا کلمه‎ای از قرآن جدای از قرآن و در غیر قرآن باشد، مس آن بدون وضو اشکال ندارد.

اشکال به روایت مذکور

**اولاً:** روایت مذکور، سنداً ضعیف است چون روات یک روایت باید در طبقه واحدی و در یک عصر باشند لذا شخص نمی‎تواند روایتی را از راویی که در عصر دیگری بوده است، بدون واسطه نقل کند و در مانحن‎فیه بزنطی از اصحاب امام رضا (ع) و امام جواد (ع) است و محمد مسلم از اصحاب این دو امام بزرگوار نیست، بلکه از اصحاب امام باقر (ع) و امام صادق (ع) است لذا این دو [، یعنی محمد بن مسلم و بزنطی] از طبقه واحد نیستند لذا نقل بزنطی از محمد بن مسلم بدون واسطه صحیح نیست؛ در حالی که در روایت مذکور، بزنطی بدون اینکه واسطه را نقل کند، روایت را از محمد بن مسلم نقل کرده است و چون واسطه را نقل نکرده است، روایت مذکور، مرسله می‎شود و استناد به آن تمام نیست. به علاوه اینکه شهید (ره) نیز نگفته است که این روایت، صحیح است، بلکه گفته است «فی خبر...» و این نیز خود مؤید این است که روایت مذکور، سنداً ضعیف است.

**ثانیاً:** روایت مذکور، دلالتاً نیز ضعیف است و دلالت آن بر مدعا [جواز مس آیات و کلمات قرآن، در غیر قرآن بدون وضو] تمام نیست چون روایت مذکور بر درهمی که مشتمل بر آیات یا کلمات قرآن باشد، دلالت ندارد. بر فرض که گفته شود که روایت بر درهم مشتمل بر آیه یا کلمه قرآنی دلالت دارد، گفته می‎شود که باز هم دلالت روایت مذکور، بر مدعا تمام نیست چون تماس برقرار کردن با درهم ملازم با مس کتابت قرآن نیست چون ممکن است که شخص اطراف درهم را بگیرد یا اگر روی آن آیه قرآن نقش بسته است زیر آن را بگیرد تا با کتابت قرآن تماس نداشته باشد، به علاوه اینکه روایت مذکور، معارض دارد و با فرض وجود معارض، استناد به آن تمام نیست و آن معارض، روایت ذیل است:

**عَنْ عَمَّارِ بْنِ مُوسَى عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع)؛ قَالَ: «لَا يَمَسَّ الْجُنُبُ دِرْهَماً وَ لَا دِينَاراً عَلَيْهِ اسْمُ اللَّهِ»**[[6]](http://hosseiniboshehri.ir/index.php/%D8%AF%D8%B1%D9%88%D8%B3/%D9%81%D9%82%D9%87/6466-%D9%81%D8%B5%D9%84%D9%8C-%D9%81%D9%8A-%D8%BA%D8%A7%D9%8A%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%B6%D9%88%D8%A1%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%A7%D8%AC%D8%A8%D8%A9-%D9%88-%D8%BA%D9%8A%D8%B1-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%A7%D8%AC%D8%A8%D8%A9-96-07-16.html" \l "_ftn6" \o ").

با توجه به اینکه روایت موثقه عمار سنداً مشکلی ندارد بر روایت محمد بن مسلم ترجیح داده می‎شود، بنابراین، استناد به روایت محمد بن مسلم تمام نیست.

بحث جلسه آینده: بقیه روایات ان‎شاءالله در جلسه آینده ذکر و بررسی خواهند شد.

**«والحمدلله رب العالمین»**

[[1]](http://hosseiniboshehri.ir/index.php/%D8%AF%D8%B1%D9%88%D8%B3/%D9%81%D9%82%D9%87/6466-%D9%81%D8%B5%D9%84%D9%8C-%D9%81%D9%8A-%D8%BA%D8%A7%D9%8A%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%B6%D9%88%D8%A1%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%A7%D8%AC%D8%A8%D8%A9-%D9%88-%D8%BA%D9%8A%D8%B1-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%A7%D8%AC%D8%A8%D8%A9-96-07-16.html#_ftnref1). سید محمدکاظم، طباطبایی یزدی، العروة الوثقی، ج1، ص189.

[[2]](http://hosseiniboshehri.ir/index.php/%D8%AF%D8%B1%D9%88%D8%B3/%D9%81%D9%82%D9%87/6466-%D9%81%D8%B5%D9%84%D9%8C-%D9%81%D9%8A-%D8%BA%D8%A7%D9%8A%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%B6%D9%88%D8%A1%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%A7%D8%AC%D8%A8%D8%A9-%D9%88-%D8%BA%D9%8A%D8%B1-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%A7%D8%AC%D8%A8%D8%A9-96-07-16.html#_ftnref2). شیخ حر عاملی، وسائل الشیعة، ج1، کتاب الطهارة، ابواب الوضوء، باب12، ص383، ح1.

[[3]](http://hosseiniboshehri.ir/index.php/%D8%AF%D8%B1%D9%88%D8%B3/%D9%81%D9%82%D9%87/6466-%D9%81%D8%B5%D9%84%D9%8C-%D9%81%D9%8A-%D8%BA%D8%A7%D9%8A%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%B6%D9%88%D8%A1%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%A7%D8%AC%D8%A8%D8%A9-%D9%88-%D8%BA%D9%8A%D8%B1-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%A7%D8%AC%D8%A8%D8%A9-96-07-16.html#_ftnref3). سید محمدکاظم، طباطبایی یزدی، العروة الوثقی، ج1، ص189.

[[4]](http://hosseiniboshehri.ir/index.php/%D8%AF%D8%B1%D9%88%D8%B3/%D9%81%D9%82%D9%87/6466-%D9%81%D8%B5%D9%84%D9%8C-%D9%81%D9%8A-%D8%BA%D8%A7%D9%8A%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%B6%D9%88%D8%A1%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%A7%D8%AC%D8%A8%D8%A9-%D9%88-%D8%BA%D9%8A%D8%B1-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%A7%D8%AC%D8%A8%D8%A9-96-07-16.html#_ftnref4). همان، ص190.

[[5]](http://hosseiniboshehri.ir/index.php/%D8%AF%D8%B1%D9%88%D8%B3/%D9%81%D9%82%D9%87/6466-%D9%81%D8%B5%D9%84%D9%8C-%D9%81%D9%8A-%D8%BA%D8%A7%D9%8A%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%B6%D9%88%D8%A1%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%A7%D8%AC%D8%A8%D8%A9-%D9%88-%D8%BA%D9%8A%D8%B1-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%A7%D8%AC%D8%A8%D8%A9-96-07-16.html#_ftnref5). شیخ حر عاملی، وسائل الشیعة، ج2، کتاب الطهارة، ابواب الجنابة، باب18، ص215، ح3.

[[6]](http://hosseiniboshehri.ir/index.php/%D8%AF%D8%B1%D9%88%D8%B3/%D9%81%D9%82%D9%87/6466-%D9%81%D8%B5%D9%84%D9%8C-%D9%81%D9%8A-%D8%BA%D8%A7%D9%8A%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%B6%D9%88%D8%A1%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%A7%D8%AC%D8%A8%D8%A9-%D9%88-%D8%BA%D9%8A%D8%B1-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%A7%D8%AC%D8%A8%D8%A9-96-07-16.html#_ftnref6). همان، ص214، ح1.

## فصلٌ في غايات الوضوءات الواجبة و غير الواجبة 96/07/18فصلٌ في غايات الوضوءات الواجبة و غير الواجبة 96/07/17

|  |
| --- |
| درس خارج فقه حضرت آیت الله حسینی بوشهری (دامت برکاته)  **موضوع کلی:** **فصلٌ في غايات الوضوءات الواجبة و غير الواجبة                               تاریخ:** **17** مهر 1396  **موضوع جزئی:**  **موارد وجوب وضو                                                                 مصادف با: 18** محرم 1439  **سال تحصیلی: 97-** **96                                                                                                    جلسه:** **7** |

    «الحمدلله رب العالمين و صلي‌الله علي محمد و آله الطاهرين و اللعن علي اعدائهم اجمعين»

بحث در روایاتی بود که بر جواز مس کتابت قرآن در صورتی که منفصل از قرآن باشد، دلالت داشتند. در جلسه گذشته روایت اول ذکر و بررسی شد.

روایت دوم: **عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي إِبْرَاهِيمَ (ع)؛ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الْجُنُبِ وَ الطَّامِثِ يَمَسَّانِ بِأَيْدِيهِمَا الدَّرَاهِمَ الْبِيضَ؛ قَالَ: «لَا بَأْسَ»**[[1]](http://hosseiniboshehri.ir/index.php/%D8%AF%D8%B1%D9%88%D8%B3/%D9%81%D9%82%D9%87/6467-%D9%81%D8%B5%D9%84%D9%8C-%D9%81%D9%8A-%D8%BA%D8%A7%D9%8A%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%B6%D9%88%D8%A1%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%A7%D8%AC%D8%A8%D8%A9-%D9%88-%D8%BA%D9%8A%D8%B1-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%A7%D8%AC%D8%A8%D8%A9-96-07-17.html" \l "_ftn1" \o ").

اسحاق بن عمار در روایت مذکور از امام صادق (ع) درباره جنب و زنی که عادت ماهیانه دارد و درهم‎های سفید را با دستشان مس می‎کنند، سؤال کرد، حضرت (ع) فرمود که اشکالی ندارد.

روایت مذکور نیز ظهور در این دارد که درهم فی‎نفسه موضوعیت ندارد، بلکه درهم از این جهت که به آیات قرآن منقوش بوده‎اند، موضوعیت پیدا کرده است، بنابراین، ظاهر روایت مذکور این است که مس کردن درهم منقوش به آیات الهی از طرف جنب و حائض مشکل ندارد، لکن

اشکال به روایت مذکور

**اولاً:** چون محتمل است که اطراف درهم یا طرف دیگر درهم که منقوش به آیات الهی نبوده است، مس می‎شده است، استناد به این روایت تمام نیست.

**ثانیاً:** این روایت نیز مانند روایت اول [روایت محمد بن مسلم]، معارض دارد و روایت عمار بن موسی که در جلسه گذشته ذکر شد [**عَنْ عَمَّارِ بْنِ مُوسَى عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع)؛ قَالَ: «لَا يَمَسَّ الْجُنُبُ دِرْهَماً وَ لَا دِينَاراً عَلَيْهِ اسْمُ اللَّهِ»**[[2]](http://hosseiniboshehri.ir/index.php/%D8%AF%D8%B1%D9%88%D8%B3/%D9%81%D9%82%D9%87/6467-%D9%81%D8%B5%D9%84%D9%8C-%D9%81%D9%8A-%D8%BA%D8%A7%D9%8A%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%B6%D9%88%D8%A1%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%A7%D8%AC%D8%A8%D8%A9-%D9%88-%D8%BA%D9%8A%D8%B1-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%A7%D8%AC%D8%A8%D8%A9-96-07-17.html" \l "_ftn2" \o ")]، معارض این روایت است بنابراین، چون روایت اسحاق بن عمار نیز مانند روایت محمد بن مسلم معارض دارد، قابل استناد نیست.

روایت سوم: **عَنْ أَبِي الرَّبِيعِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع)؛ فِي الْجُنُبِ يَمَسُّ الدَّرَاهِمَ وَ فِيهَا اسْمُ اللَّهِ وَ اسْمُ رَسُولِهِ، قَالَ: «لَا بَأْسَ بِهِ رُبَّمَا فَعَلْتُ ذَلِكَ»**[[3]](http://hosseiniboshehri.ir/index.php/%D8%AF%D8%B1%D9%88%D8%B3/%D9%81%D9%82%D9%87/6467-%D9%81%D8%B5%D9%84%D9%8C-%D9%81%D9%8A-%D8%BA%D8%A7%D9%8A%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%B6%D9%88%D8%A1%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%A7%D8%AC%D8%A8%D8%A9-%D9%88-%D8%BA%D9%8A%D8%B1-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%A7%D8%AC%D8%A8%D8%A9-96-07-17.html" \l "_ftn3" \o ").

ابی الربیع در روایت مذکور از امام صادق (ع) درباره شخص جنب که درهمی را که نام خدا و نام رسول خدا (ص) بر آن نقش بسته است، مس می‎کند، سؤال کرد، حضرت (ع) فرمود که اشکالی ندارد، چه بسا من خودم این کار را انجام داده‎ام.

روایت مذکور، تصریح به این دارد که مس کردن درهم منقوش به نام خدا و رسول خدا (ص) بدون طهارت اشکالی ندارد و این دلیل بر این است که اگر آیه یا کلمه‎ای از قرآن، منفصل از قرآن در جای دیگری بیاید، مس آن بدون وضو اشکال ندارد.

اشکال بر روایت مذکور

**اولاً:** مس درهم؛ هرچند که منقوش به نام خدا و نام رسول خدا (ص) باشد، الزاماً ملازم با مس نام خدا و نام رسول خدا (ص) نیست چون ممکن است که شخص درهم را مس کند، ولی اطراف آن یا زیر آن را مس کند که با نام خدا و نام رسول خدا (ص) تماس نداشته باشد.

**ثانیاً:** این روایت نیز مانند دو روایت قبلی معارض دارد لذا استناد به آن تمام نیست.

بنابراین، روایات مذکور، نمی‎توانند مدعا [جواز مس آیات و کلمات قرآن، در غیر قرآن بدون وضو] را ثابت کنند چون بعضی از روایات، سنداً و دلالةً ضعیف بودند و آن روایاتی که سنداً و دلالةً تمام بودند، معارض داشتند لذا استناد به آنها تمام نیست.

در نتیجه، مس آیات و کلمات قرآن بدون وضو جایز نیست؛ چه در قرآن باشند و چه در غیر قرآن ذکر شده باشند.

مسأله 474: **«في الكلمات المشتركة بين القرآن و غيره المناط قصد الكاتب»**[[4]](http://hosseiniboshehri.ir/index.php/%D8%AF%D8%B1%D9%88%D8%B3/%D9%81%D9%82%D9%87/6467-%D9%81%D8%B5%D9%84%D9%8C-%D9%81%D9%8A-%D8%BA%D8%A7%D9%8A%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%B6%D9%88%D8%A1%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%A7%D8%AC%D8%A8%D8%A9-%D9%88-%D8%BA%D9%8A%D8%B1-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%A7%D8%AC%D8%A8%D8%A9-96-07-17.html" \l "_ftn4" \o ").

به نظر مرحوم سید (ره)، در رابطه با کلمات مشترک بین قرآن و غیر قرآن [، مثل اسماء الهی و اسماء انبیاء که در قرآن آمده است و مشترک بین قرآن و غیر قرآن است]، قصد کاتب، ملاک حکم است [، یعنی اگر نویسنده از کلمه مورد نظر، قرآن را قصد کرده باشد، مس آن بدون وضو حرام است، ولی اگر از آن کلمه، غیر قرآن را قصد کرده باشد، مس آن بدون وضو اشکال ندارد].

سؤال: حکم مس کردن کلمات خاصه قرآنی که فقط در قرآن آمده است و بین قرآن و غیر قرآن مشترک نیست، چگونه است؟ آیا این کلمات نیز دائر مدار قصد نویسنده آن کلمات است یا اینکه چون فقط در قرآن آمده‎اند، مس آنها بدون وضو جایز نیست؟

پاسخ: نظر عمده علما این است که کلمات خاصه قرآنی، دایر مدار قصد کاتب نیستند، بلکه به صورت قهری، قرآن بر آن منطبق است و مس بدون وضوی آن حرام است، ولی از فرمایشات آیت الله حکیم (ره) در کتاب مستمسک استفاده می‎شود که در مورد کلمات خاصه قرآنی نیز قصد کاتب معتبر است چون گاهی ممکن است که کلمه خاص قرآنی در جایی نوشته شود ولی به قصد اینکه آن کلمه، قرآنی است نوشته نشده باشد که در این صورت مس بدون وضوی آن اشکال ندارد. اما به نظر می‎رسد که حق با کسانی است که معتقدند که مس کلمات خاص قرآنی بدون وضو جایز نیست؛ هرچند که نویسنده این کلمات، با قصد قرآنی بودن آن کلمات را ننوشته باشد.

مسأله 475: **«لا فرق فيما كُتِب عليه القرآن بين الكاغذ و اللوح و الأرض و الجدار و الثوب، بل و بدن الإِنسان، فإذا كتب على يده لا يجوز مسّه عند الوضوء، بل يجب محوه أوّلًا ثمّ الوضوء»**[[5]](http://hosseiniboshehri.ir/index.php/%D8%AF%D8%B1%D9%88%D8%B3/%D9%81%D9%82%D9%87/6467-%D9%81%D8%B5%D9%84%D9%8C-%D9%81%D9%8A-%D8%BA%D8%A7%D9%8A%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%B6%D9%88%D8%A1%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%A7%D8%AC%D8%A8%D8%A9-%D9%88-%D8%BA%D9%8A%D8%B1-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%A7%D8%AC%D8%A8%D8%A9-96-07-17.html" \l "_ftn5" \o ").

به نظر مرحوم سید (ره) [در حرمت مس کتابت قرآن بدون وضو]، در آنچه که قرآن بر آن نوشته می‎شود بین کاغذ، لوح، زمین، دیوار، لباس، بلکه بدن انسان تفاوتی نیست، پس اگر قرآن را بر دستش بنویسد مس آن، هنگام وضو گرفتن جایز نیست، بلکه نخست واجب است که آن نوشته قرآنی را برطرف کند و سپس وضو بگیرد.

دلیل حکم مذکور، اطلاق ادله دال بر حرمت مس کتابت قرآن بدون وضو است.

البته بزرگانی در مقابل مرحوم سید (ره)، گفته‎اند که انسان همیشه این‎گونه وضو نمی‎گیرد که دستش بر روی دست دیگر قرار بگیرد تا صدق کند که هنگام وضو گرفتن دستش بر روی کلمات قرآن گذاشته شده است تا گفته شود که تماس دست بدون وضو با قرآن حرام است لذا باید نخست آن آیه قرآن را محو کند و سپس وضو بگیرد، بلکه چه بسا انسان با ریختن آب بر روی دست وضو بگیرد بدون اینکه دستش با محل آیه قرآن تماس پیدا کند و یا اینکه شخص وضوی ارتماسی بگیرد که اصلاً تماسی صورت نگرفته است لذا محو آیه قرآن قبل از وضو واجب نیست.

مسأله 476 : **«إذا كتب على الكاغذ بلا مداد فالظاهر عدم المنع من مسّه لأنّه ليس خطّاً. نعم، لو كتب بما يظهر أثره بعد ذلك فالظاهر حرمته كماء البصل، فإنّه لا أثر له إلّا إذا أُحمي على النار»**[[6]](http://hosseiniboshehri.ir/index.php/%D8%AF%D8%B1%D9%88%D8%B3/%D9%81%D9%82%D9%87/6467-%D9%81%D8%B5%D9%84%D9%8C-%D9%81%D9%8A-%D8%BA%D8%A7%D9%8A%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%B6%D9%88%D8%A1%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%A7%D8%AC%D8%A8%D8%A9-%D9%88-%D8%BA%D9%8A%D8%B1-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%A7%D8%AC%D8%A8%D8%A9-96-07-17.html#_ftn6).

به نظر مرحوم سید (ره)، اگر شخص بدون مداد بر روی کاغذ آیه یا کلمه‎ای از قرآن را بنویسد [؛ مثلاً با انگشتش بر روی کاغذ بنویسد]، ظاهر این است که مس آن بدون وضو اشکالی ندارد چون بر آنچه بدون مداد نوشته شده است، خط صدق نمی‎کند [و سالبه به انتفاء موضوع است]. بله اگر با چیزی، مثل آب پیاز بنویسد که اثرش ظاهر می‎شود، ظاهر این است که مس آن بدون وضو حرام است؛ چون اثر نوشتن با آب پیاز مشخص نمی‎شود مگر زمانی که با آتش داغ شود [که در این صورت اثر آن آشکار می‎شود].

در رابطه با مسأله مذکور چهار فرض متصور است:

فرض اول، اینکه شخص بدون مداد بر روی کاغذ آیه یا کلمه‎ای از قرآن را بنویسد که مس آن بدون وضو اشکال ندارد چون منتفی به انتفاء موضوع است زیرا اصلاً چیزی نیست تا مس آن بدون وضو اشکال داشته باشد.

فرض دوم، اینکه شخص آیه یا کلمه‎ای از قرآن را روی چیزی بنویسد و اثر آن نیز ظاهر باشد که مس آن بدون وضو، حرام است.

فرض سوم، اینکه شخص آیه یا کلمه‎ای از قرآن را با چیزی، مثل آب پیاز بنویسد که هرچند اثر آن در زمان نوشتن ظاهر نمی‎شود، ولی بر اثر داغ شدن به وسیله آتش اثرش ظاهر می‎گردد که در این صورت مس کردن آن بدون وضو، حرام است چون درست است که قبل از داغ شدن به وسیله آتش اثر آن ظاهر نمی‎شود، ولی خود ظهور اثر بعد از داغ شدن به وسیله آتش دلیل بر این است که آن نوشته اثر دارد ولی نامرئی است وگرنه با داغ شدن ظاهر نمی‎شد.

فرض چهارم، اینکه شخص آیه یا کلمه‎ای از قرآن را بر روی چیزی بنویسد، ولی قابل تشخیص نباشد؛ مثل اینکه شخص با رنگ سفید آیه یا کلمه‎ای از قرآن را بر روی کاغذ سفید بنویسد و اثر آن اصلاً مشخص نباشد، در این صورت نیز مس آن آیه یا کلمه قرآنی بدون وضو حرام است چون واقعاً آیه یا کلمه قرآنی نوشته شده است، لکن نامرئی است و قابل دیدن نیست و عدم رؤیت دلیل بر عدم واقعیت داشتن نیست.

**«والحمدلله رب العالمین»**

[[1]](http://hosseiniboshehri.ir/index.php/%D8%AF%D8%B1%D9%88%D8%B3/%D9%81%D9%82%D9%87/6467-%D9%81%D8%B5%D9%84%D9%8C-%D9%81%D9%8A-%D8%BA%D8%A7%D9%8A%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%B6%D9%88%D8%A1%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%A7%D8%AC%D8%A8%D8%A9-%D9%88-%D8%BA%D9%8A%D8%B1-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%A7%D8%AC%D8%A8%D8%A9-96-07-17.html#_ftnref1). شیخ حر عاملی، وسائل الشیعة، ج2، کتاب الطهارة، ابواب الجنابة، باب18، ص214، ح2.

[[2]](http://hosseiniboshehri.ir/index.php/%D8%AF%D8%B1%D9%88%D8%B3/%D9%81%D9%82%D9%87/6467-%D9%81%D8%B5%D9%84%D9%8C-%D9%81%D9%8A-%D8%BA%D8%A7%D9%8A%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%B6%D9%88%D8%A1%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%A7%D8%AC%D8%A8%D8%A9-%D9%88-%D8%BA%D9%8A%D8%B1-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%A7%D8%AC%D8%A8%D8%A9-96-07-17.html#_ftnref2). همان، ح1.

[[3]](http://hosseiniboshehri.ir/index.php/%D8%AF%D8%B1%D9%88%D8%B3/%D9%81%D9%82%D9%87/6467-%D9%81%D8%B5%D9%84%D9%8C-%D9%81%D9%8A-%D8%BA%D8%A7%D9%8A%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%B6%D9%88%D8%A1%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%A7%D8%AC%D8%A8%D8%A9-%D9%88-%D8%BA%D9%8A%D8%B1-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%A7%D8%AC%D8%A8%D8%A9-96-07-17.html#_ftnref3). همان، ص215، ح4.

[[4]](http://hosseiniboshehri.ir/index.php/%D8%AF%D8%B1%D9%88%D8%B3/%D9%81%D9%82%D9%87/6467-%D9%81%D8%B5%D9%84%D9%8C-%D9%81%D9%8A-%D8%BA%D8%A7%D9%8A%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%B6%D9%88%D8%A1%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%A7%D8%AC%D8%A8%D8%A9-%D9%88-%D8%BA%D9%8A%D8%B1-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%A7%D8%AC%D8%A8%D8%A9-96-07-17.html#_ftnref4). سید محمدکاظم، طباطبایی یزدی، العروة الوثقی، ج1، ص190.

[[5]](http://hosseiniboshehri.ir/index.php/%D8%AF%D8%B1%D9%88%D8%B3/%D9%81%D9%82%D9%87/6467-%D9%81%D8%B5%D9%84%D9%8C-%D9%81%D9%8A-%D8%BA%D8%A7%D9%8A%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%B6%D9%88%D8%A1%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%A7%D8%AC%D8%A8%D8%A9-%D9%88-%D8%BA%D9%8A%D8%B1-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%A7%D8%AC%D8%A8%D8%A9-96-07-17.html#_ftnref5). همان.

[[6]](http://hosseiniboshehri.ir/index.php/%D8%AF%D8%B1%D9%88%D8%B3/%D9%81%D9%82%D9%87/6467-%D9%81%D8%B5%D9%84%D9%8C-%D9%81%D9%8A-%D8%BA%D8%A7%D9%8A%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%B6%D9%88%D8%A1%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%A7%D8%AC%D8%A8%D8%A9-%D9%88-%D8%BA%D9%8A%D8%B1-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%A7%D8%AC%D8%A8%D8%A9-96-07-17.html#_ftnref6). همان

|  |
| --- |
| درس خارج فقه حضرت آیت الله حسینی بوشهری (دامت برکاته)  **موضوع کلی:** **فصلٌ في غايات الوضوءات الواجبة و غير الواجبة                               تاریخ:** **18** مهر 1396  **موضوع جزئی: حرمت مس کتابت قرآن بدون وضو                                               مصادف با: 19** محرم 1439  **سال تحصیلی: 97-** **96                                                                                                    جلسه:** **8** |

    «الحمدلله رب العالمين و صلي‌الله علي محمد و آله الطاهرين و اللعن علي اعدائهم اجمعين»

مسأله 477: **«لا يحرم المسّ من وراء الشيشة و إن كان الخطّ مرئيّاً و كذا إذا وضع عليه كاغذ رقيق يرى الخطّ تحته و كذا المنطبع في المرآة. نعم، لو نفذ المداد في الكاغذ حتّى ظهر الخطّ من الطرف الآخر لا يجوز مسّه، خصوصاً إذا كتب بالعكس فظهر من الطرف الآخر طرداً»**[[1]](http://hosseiniboshehri.ir/index.php/%D8%AF%D8%B1%D9%88%D8%B3/%D9%81%D9%82%D9%87/6469-%D9%81%D8%B5%D9%84%D9%8C-%D9%81%D9%8A-%D8%BA%D8%A7%D9%8A%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%B6%D9%88%D8%A1%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%A7%D8%AC%D8%A8%D8%A9-%D9%88-%D8%BA%D9%8A%D8%B1-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%A7%D8%AC%D8%A8%D8%A9-96-07-18.html" \l "_ftn1" \o ").

به نظر مرحوم سید (ره)، مس کتابت قرآن بدون وضو، از پشت شیشه حرام نیست؛ هرچند خط دیده شود و همچنین، اگر کاغذ نازکی که خط از پشت آن دیده می‎شود بر روی آیه یا کلمه قرآنی گذاشته شود، مس کتابت قرآن از روی آن کاغذ حرام نیست و همچنین، مس کتابت قرآن که در آینه منعکس شده است بدون وضو حرام نیست. بله اگر [جوهر] مداد در کاغذ نفوذ کند و خط قرآنی از پشت کاغذ ظاهر شود، مس آن بدون وضو حرام است، خصوصاً اگر آیه یا کلمه قرآنی بر عکس نوشته شود که از پشت کاغذ به طور صحیح ظاهر می‎شود که در این صورت مس آن بدون وضو حرام است [چون در این صورت به طور مستقیم با خط قرآن تماس حاصل شده است و واسطه‎ای در کار نبوده است].

مسأله 478: **«في مس المسافة الخالية التي يحيط بها الحرف كالحاء أو العين مثلًا إشكال، أحوطه الترك**»[[2]](http://hosseiniboshehri.ir/index.php/%D8%AF%D8%B1%D9%88%D8%B3/%D9%81%D9%82%D9%87/6469-%D9%81%D8%B5%D9%84%D9%8C-%D9%81%D9%8A-%D8%BA%D8%A7%D9%8A%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%B6%D9%88%D8%A1%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%A7%D8%AC%D8%A8%D8%A9-%D9%88-%D8%BA%D9%8A%D8%B1-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%A7%D8%AC%D8%A8%D8%A9-96-07-18.html#_ftn2).

به نظر مرحوم سید (ره)، مس کردن مسافت خالی احاطه شده به وسیله حرف، مثل حاء و عین بدون وضو اشکال دارد و احتیاط مستحب این است که مس کردن آن فضای خالی بدون وضو، ترک شود.

اما حقیقت این است که عنوان بحث، مس کتابت قرآن است لذا فضای خالی که به وسیله حرف احاطه شده است مصداق کتابت قرآن نیست تا گفته شود که مس آن بدون وضو اشکال دارد. شاید منظور مرحوم سید (ره) این باشد که چون آن فضای خالی که توسط حرف احاطه شده است، محدوده همان حرف است لذا همان‎گونه که مس خود حرف قرآنی بدون وضو اشکال دارد، مس محدوده آن حرف نیز بدون وضو اشکال دارد، لکن این کلام پذیرفته نیست چون در این صورت مس فضای خالی بین سطور قرآن نیز باید بدون وضو اشکال داشته باشد؛ در حالی که هیچ کس قائل نشده است که مس فضای بین سطور قرآن باید با وضو باشد چون مس آن، مس کتابت قرآن نیست، بلکه مس کاغذ است لذا وضو لازم ندارد.

مسأله 479: **«في جواز كتابة المحدث آية من القرآن بإصبعه على الأرض أو غيرها إشكال و لا يبعد عدم الحرمة، فإن الخطّ يوجد بعد المس و أمّا الكَتب على بدن المحدث و إن كان الكاتب على وضوء فالظاهر حرمته، خصوصاً إذا كان بما يبقى أثره»**[[3]](http://hosseiniboshehri.ir/index.php/%D8%AF%D8%B1%D9%88%D8%B3/%D9%81%D9%82%D9%87/6469-%D9%81%D8%B5%D9%84%D9%8C-%D9%81%D9%8A-%D8%BA%D8%A7%D9%8A%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%B6%D9%88%D8%A1%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%A7%D8%AC%D8%A8%D8%A9-%D9%88-%D8%BA%D9%8A%D8%B1-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%A7%D8%AC%D8%A8%D8%A9-96-07-18.html#_ftn3).

به نظر مرحوم سید (ره)، جایز نیست که شخص محدِث آیه‎ای از قرآن را با انگشتش بر روی زمین یا غیر آن بنویسد و بعید نیست این کار حرمت نداشته باشد، چون خط بعد از مس محقق می‎شود [زیرا زمانی که شخص آیه قرآن را می‎نویسد هنوز خطی محقق نشده است تا گفته شود که بدون وضو آن را مس کرده است لذا زمانی که شخص مشغول نوشتن آیه است هنوز خطی محقق نشده است تا گفته شود که آن را مس کرده است، بلکه مس زمانی صدق می‎کند که آیه قرآن نوشته شود و سپس شخص آن را مس کند]، اما نوشتن آیه قرآن بر بدن محدث حرام است؛ هرچند که نویسنده وضو داشته باشد، خصوصاً اگر اثرش باقی بماند.

مسأله مذکور دو فرض دارد:

فرض اول، اینکه حرام نیست که شخص محدث آیه‎ای از قرآن را با انگشتش بر روی زمین و غیر آن بنویسد چون هنوز خطی محقق نشده است تا گفته شود که مس آن بدون وضو اشکال دارد.

به نظر می‎رسد که کلام مرحوم سید (ره) صحیح نباشد و همان‎طور که بسیاری از علما گفته‎اند، جایز نیست که محدث با انگشتش آیه‎ای از قرآن را بر روی زمین و غیر آن بنویسد چون تقدم و تأخر بین مس و خط، تقدم و تأخر رتبی است، یعنی مس از نظر رتبه متأخر از مس است، ولی تقدم و تأخر زمانی ندارند، بلکه مس و خط هم‎زمان محقق می‎شود، یعنی همان زمان که خط شکل می‎گیرد، مس نیز محقق می‎شود لذا کتابت ملازم مس است؛ هرچند که این ملازمت فی‎الجمله باشد در نتیجه، جایز نیست که شخص محدث آیه قرآن را با انگشتش بر زمین و غیر آن بنویسد و اطلاق ادله حرمت مس کتابت قرآن بدون وضو، مانحن‏فیه را که تحقق مس و خط مقارن است، شامل می‎شود.

فرض دوم، اینکه نوشتن آیه قرآن بر بدن محدث حرام است [چون مس کتابت قرآن به مس به وسیله دست منحصر نیست، بلکه تماس با بدن نیز از مصادیق مس است]؛ هرچند که نویسنده وضو داشته باشد، خصوصاً اگر اثر آن باقی باشد.

اشکال آیت الله خویی (ره) به مرحوم سید (ره)

آیت الله خویی (ره) فرموده است که علت اینکه مرحوم سید (ره) به حرمت کتابت قرآن بر بدن محدث حکم کرده است از باب عدم فرق بین حرمت بالتسبیب و حرمت بالمباشرة است، یعنی فرقی نمی‎کند که شخص دیگری سبب و موجب مباشرت محدث با آیه قرآن بشود یا اینکه خود شخص مباشرةً آیه قرآن را مس کند و در مانحن‎فیه درست است که مس بالمباشرة نبوده است، بلکه مس بالتسبیب بوده است لکن چون بین تسبیب و مباشرت فرق نیست، مس بالتسبیب نیز حرام است لذا کتابت قرآن بر روی بدن محدث حرام می‎باشد، لکن آیت الله خویی (ره) فرموده است که این سخن، صحیح نیست، بلکه بین تسبیب و مباشرت فرق است، مثل اینکه کاتب بر روی آهن آیه قرآن را حک کرده باشد یا اینکه روی کاغذ آیه قرآن را نوشته باشد، در مانحن‎فیه نیز کاتب جز خطوط چیزی بر بدن محدث ایجاد نکرده است بنابراین، کاتب فقط خطوطی را بر بدن محدث ایجاد کرده است و این درست نیست که گفته شود که کاتب با تسبیب مس را در رابطه با محدث ایجاد کرده است چون در صدق مس دو چیز باید با هم ملاقات کنند تا مس ایجاد شود یعنی دست با نوشته تماس بگیرد تا عنوان مس محقق شود و صرف نوشتن خطوطی بر بدن محدث تلاقی بین دو جسم نیست تا گفته شود که مس محقق شده است، بلکه فقط یک جسم است که بدن محدث است، بله اگر محدث با دستش خطوطی را که کاتب بر بدن او نوشته است مس کند، مس حرام صدق می‎کند، ولی تا زمانی که با دست یا نقطه دیگر از بدن آن نوشته را مس نکند، عنوان مس حرام صدق نخواهد کرد.

پاسخ به اشکال آیت الله خویی (ره)

مس اختصاص به دست ندارد تا گفته شود که در جایی که کاتب، آیات قرآنی را بر بدن محدث نوشته است، مس صدق نمی‎کند، بلکه مس با تماس هر نقطه از بدن محقق می‎شود لذا در مانحن‎فیه نیز که کاتب آیه‎ای از قرآن را بر بدن محدث نوشته است، چون بر بدن محدث نوشته شده است، مس محقق شده است و چون شخص، محدث است، این تماس حرام است. بنابراین، مس بالتسبیب نیز همان حکم مس بالمباشرة را دارد لذا در مانحن‎فیه نوشتن آیه قرآن بر بدن محدث، بالتسبیب حرام است.

**«والحمدلله رب العالمین»**

[[1]](http://hosseiniboshehri.ir/index.php/%D8%AF%D8%B1%D9%88%D8%B3/%D9%81%D9%82%D9%87/6469-%D9%81%D8%B5%D9%84%D9%8C-%D9%81%D9%8A-%D8%BA%D8%A7%D9%8A%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%B6%D9%88%D8%A1%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%A7%D8%AC%D8%A8%D8%A9-%D9%88-%D8%BA%D9%8A%D8%B1-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%A7%D8%AC%D8%A8%D8%A9-96-07-18.html#_ftnref1). سید محمدکاظم، طباطبایی یزدی، العروة الوثقی، ج1، ص191.

[[2]](http://hosseiniboshehri.ir/index.php/%D8%AF%D8%B1%D9%88%D8%B3/%D9%81%D9%82%D9%87/6469-%D9%81%D8%B5%D9%84%D9%8C-%D9%81%D9%8A-%D8%BA%D8%A7%D9%8A%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%B6%D9%88%D8%A1%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%A7%D8%AC%D8%A8%D8%A9-%D9%88-%D8%BA%D9%8A%D8%B1-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%A7%D8%AC%D8%A8%D8%A9-96-07-18.html#_ftnref2). همان.

[[3]](http://hosseiniboshehri.ir/index.php/%D8%AF%D8%B1%D9%88%D8%B3/%D9%81%D9%82%D9%87/6469-%D9%81%D8%B5%D9%84%D9%8C-%D9%81%D9%8A-%D8%BA%D8%A7%D9%8A%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%B6%D9%88%D8%A1%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%A7%D8%AC%D8%A8%D8%A9-%D9%88-%D8%BA%D9%8A%D8%B1-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%A7%D8%AC%D8%A8%D8%A9-96-07-18.html#_ftnref3). همان.

## فصلٌ في غايات الوضوءات الواجبة و غير الواجبة 96/07/23فصلٌ في غايات الوضوءات الواجبة و غير الواجبة 96/07/22

|  |
| --- |
| درس خارج فقه حضرت آیت الله حسینی بوشهری (دامت برکاته)  **موضوع کلی:** **فصلٌ في غايات الوضوءات الواجبة و غير الواجبة                               تاریخ:** **22** مهر 1396  **موضوع جزئی: حرمت مس کتابت قرآن بدون وضو                                              مصادف با: 23** محرم 1439  **سال تحصیلی: 97-** **96                                                                                                    جلسه:** **9** |

  «الحمدلله رب العالمين و صلي‌الله علي محمد و آله الطاهرين و اللعن علي اعدائهم اجمعين»

مسأله 480: **«لا يجب منع الأطفال و المجانين من المس إلّا إذا كان ممّا يعدّ هتكاً. نعم، الأحوط عدم التسبّب لمسّهم و لو توضّأ الصبي المميّز فلا إشكال في مسّه، بناء على الأقوى من صحّة وضوئه و سائر عباداته»**[[1]](http://hosseiniboshehri.ir/index.php/%D8%AF%D8%B1%D9%88%D8%B3/%D9%81%D9%82%D9%87/6470-%D9%81%D8%B5%D9%84%D9%8C-%D9%81%D9%8A-%D8%BA%D8%A7%D9%8A%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%B6%D9%88%D8%A1%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%A7%D8%AC%D8%A8%D8%A9-%D9%88-%D8%BA%D9%8A%D8%B1-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%A7%D8%AC%D8%A8%D8%A9-96-07-22.html" \l "_ftn1" \o ").

به نظر مرحوم سید (ره) منع اطفال و دیوانگان از مس کتابت قرآن واجب نیست مگر زمانی که مس آنها هتک قرآن شمرده شود. بله احتیاط واجب این است که شخص موجب و سبب برای مس اطفال و دیوانگان نشود [؛ مثل اینکه شخص دست طفل را بگیرد و روی حروف قرآن بکشد]، اما اگر بچه ممیّز وضو بگیرد، مس کتابت قرآن از جانب او اشکالی ندارد، بنا بر اینکه أقوی این است که وضو و سایر عباداتی که بچه ممیّز انجام می‎دهد صحیح است.

مسأله مذکور، سه فرع دارد:

**فرع اول:** منع اطفال و دیوانگان از مس کتابت قرآن واجب نیست مگر در صورتی که مس آنها موجب هتک قرآن شود.

دلیل حکم مذکور، این است که منع از مس قرآن بدون وضو به مکلّفین اختصاص دارد و بچه و مجنون تکلیفی ندارند تا منع آنها از مس بدون وضو واجب باشد، یعنی خطاباتی، مثل **«لاَ يَمَسُّهُ إِلاَّ الْمُطَهَّرُونَ»**[[2]](http://hosseiniboshehri.ir/index.php/%D8%AF%D8%B1%D9%88%D8%B3/%D9%81%D9%82%D9%87/6470-%D9%81%D8%B5%D9%84%D9%8C-%D9%81%D9%8A-%D8%BA%D8%A7%D9%8A%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%B6%D9%88%D8%A1%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%A7%D8%AC%D8%A8%D8%A9-%D9%88-%D8%BA%D9%8A%D8%B1-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%A7%D8%AC%D8%A8%D8%A9-96-07-22.html" \l "_ftn2" \o ") و **«...وَ لَا يَمَسَّ الْكِتَابَ»**[[3]](http://hosseiniboshehri.ir/index.php/%D8%AF%D8%B1%D9%88%D8%B3/%D9%81%D9%82%D9%87/6470-%D9%81%D8%B5%D9%84%D9%8C-%D9%81%D9%8A-%D8%BA%D8%A7%D9%8A%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%B6%D9%88%D8%A1%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%A7%D8%AC%D8%A8%D8%A9-%D9%88-%D8%BA%D9%8A%D8%B1-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%A7%D8%AC%D8%A8%D8%A9-96-07-22.html" \l "_ftn3" \o ") متوجه بچه و مجانین نیستند، بلکه مخاطب این خطابات، افراد مکلفند، بنابراین، چون اطفال و مجانین تکلیفی ندارند و مس قرآن بدون وضو برای این افراد مباح و جایز است لذا اگر بچه‎ای به آیات قرآن دست بزند، منع او از مس کتابت قرآن واجب نیست. اما اگر مس بچه و مجنون موجب هتک قرآن شود، از باب حفظ حرمت قرآن از مس آنها جلوگیری می‎شود.

**فرع دوم:** احتیاط واجب این است که شخص، سبب مس اطفال و مجانین نشود.

به نظر می‎رسد که احتیاطی که مرحوم سید (ره) در این فرع بیان کرده است، صحیح نباشد چون اگر اصل مباشرت بچه و مجنون در مس کتابت قرآن بدون وضو، حرام نباشد و حرمت بر آن بار نشود مس بالتسبیب نیز حرام نخواهد بود چون تسبیب شخص برای مس کتابت قرآن بدون وضو، به فعل مباح مربوط می‎شود لذا چنین تسبیبی اشکالی ندارد. بله! درست است که به مقتضای ارتکاز و فهم عرفی در عصیان و مخالفت بین عمل بالمباشرة و عمل بالتسبیب فرقی نیست لذا اگر فعلی بالمباشرة حرام باشد، بالتسبیب نیز حرام خواهد بود، اما چون در مانحن‎فیه، فعل بچه و مجنون [مس کتابت قرآن بدون وضو] بالمباشرة حرام نیست، این فعل، بالتسبیب نیز حرام نخواهد بود. البته در صورتی که تسبیب در مس، موجب هتک حرمت قرآن بشود، جایز نخواهد بود و در این صورت عدم جواز تسبیب در مس به این خاطر است که هتک حرمت قرآن حرام است و هتک حرمت قرآن عنوانی غیر از خود حرمت مس است که گفته می‎شود مجنون و صبی مکلف به تکلیف حرمت مس نیست، ولی هتک حرمت قرآن بر او حرام است.

بنابراین، با توجه به اینکه مواردی هست که شارع مقدس راضی به انجام آنها در خارج نیست، یعنی شارع نمی‎خواهد که فعل منکر به هر نحوی که باشد در خارج انجام شود؛ اعم از اینکه از مکلف صادر شود و یا از صبی و مجنون صادر شود؛ مثلاً شارع نمی‎خواهد که شرب خمر، زنا، قتل و امثال آن در خارج محقق شود پس چون این چنین امور مبغوض شارع است نباید در خارج انجام شود؛ هرچند که از صبی و مجنون صادر شود لذا اگر صبی و مجنون بخواهند این امور را انجام دهند باید جلو آن گرفته شود.

**فرع سوم:** اگر بچه ممیّز وضو بگیرد، مس کتابت قرآن از طرف او اشکالی ندارد، بنا بر اینکه أقوی این است که وضو و سایر عباداتی که بچه ممیّز انجام می‎دهد صحیح است.

مسأله 481: **«لا يحرم على المحدث مس غير الخط من ورق القرآن حتّى ما بين السطور و الجلد و الغلاف. نعم، يكره ذلك، كما أنّه يكره تعليقه و حمله»**[[4]](http://hosseiniboshehri.ir/index.php/%D8%AF%D8%B1%D9%88%D8%B3/%D9%81%D9%82%D9%87/6470-%D9%81%D8%B5%D9%84%D9%8C-%D9%81%D9%8A-%D8%BA%D8%A7%D9%8A%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%B6%D9%88%D8%A1%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%A7%D8%AC%D8%A8%D8%A9-%D9%88-%D8%BA%D9%8A%D8%B1-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%A7%D8%AC%D8%A8%D8%A9-96-07-22.html" \l "_ftn4" \o ").

به نظر مرحوم سید (ره) مس غیر خط قرآن بدون وضو، از ورق قرآن حتی ما بین خطها، جلد و غلاف قرآن [آنچه قرآن را در آن می‎نهند] حرام نیست. بله، مس این موارد، کراهت دارد، کما اینکه آویزان کردن و برداشتن قرآن بدون وضو، مکروه است.

دلیل حکم مذکور، این است که دلیلی بر حرمت مس [بدون وضوی] ورق قرآن، جلد و غلاف قرآن وجود ندارد و ادله فقط بر حرمت مس کتابت قرآن بدون وضو، دلالت دارند. صاحب جواهر (ره) و بزرگان دیگر گفته‎اند که عدم حرمت مس غیر خط قرآن از مسلمات نزد امامیه است، علّامه (ره) نیز در منتنی و صاحب حدائق (ره) گفته‎اند که اختلافی در این مسأله در بین فقهاء نیست.

دلیل حکم به کراهت مس بدون وضوی غیر خط قرآن، آویزان کردن و برداشتن و حمل قرآن روایت ذیل است:

**عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ عَبْدِ الْحَمِيدِ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ (ع) قَالَ: "الْمُصْحَفُ لَا تَمَسَّهُ عَلَى غَيْرِ طُهْرٍ وَ لَا جُنُباً وَ لَا تَمَسَّ خَيْطَهُ وَ لَا تُعَلِّقْهُ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَقُولُ: «لا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ»"**[[5]](http://hosseiniboshehri.ir/index.php/%D8%AF%D8%B1%D9%88%D8%B3/%D9%81%D9%82%D9%87/6470-%D9%81%D8%B5%D9%84%D9%8C-%D9%81%D9%8A-%D8%BA%D8%A7%D9%8A%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%B6%D9%88%D8%A1%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%A7%D8%AC%D8%A8%D8%A9-%D9%88-%D8%BA%D9%8A%D8%B1-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%A7%D8%AC%D8%A8%D8%A9-96-07-22.html" \l "_ftn5" \o ").

گفته‎اند که نهی وارد شده در روایت مذکور، به معنای کراهت است و نهی به معنای حرمت نیست چون مصحف در مقابل خط قرار گرفته است که شامل ورق، جلد و غلاف می‎شود بنابراین، معنای ظاهری نهی [که حرمت باشد] در اینجا مراد نیست چون اگر منظور از نهی، حرمت باشد لازم خواهد آمد که مس بدون وضوی ورق، جلد و غلاف قرآن نیز حرام باشد در صورتی که در هیچ جا عنوان حرمت بر این موارد بار نشده است و هیچ کس قائل به حرمت مس بدون وضوی این موارد نشده است.

به علاوه اینکه گفته شده است که روایت مذکور، سنداً نیز مشکل دارد و آن اینکه شیخ طوسی (ره) روایت مذکور را از علی بن حسن بن فضّال نقل کرده است و بر اساس آنچه اصحاب رجال نقل کرده‎اند طریق شیخ طوسی (ره) به علی بن حسن بن فضّال ضعیف است، یعنی افرادی در این طریق وجود دارند که قابل اعتماد نیستند. حتی گفته شده است که دلالت روایت مذکور نیز تمام نیست چون مشتمل بر منع از آویزان کردن کتاب الله بدون وضو است؛ در حالی که مسلم است که تعلیق قرآن بدون وضو، حرام نیست.

**«والحمدلله رب العالمین»**

[[1]](http://hosseiniboshehri.ir/index.php/%D8%AF%D8%B1%D9%88%D8%B3/%D9%81%D9%82%D9%87/6470-%D9%81%D8%B5%D9%84%D9%8C-%D9%81%D9%8A-%D8%BA%D8%A7%D9%8A%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%B6%D9%88%D8%A1%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%A7%D8%AC%D8%A8%D8%A9-%D9%88-%D8%BA%D9%8A%D8%B1-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%A7%D8%AC%D8%A8%D8%A9-96-07-22.html#_ftnref1). سید محمدکاظم، طباطبایی یزدی، العروة الوثقی، ج1، ص191.

[[2]](http://hosseiniboshehri.ir/index.php/%D8%AF%D8%B1%D9%88%D8%B3/%D9%81%D9%82%D9%87/6470-%D9%81%D8%B5%D9%84%D9%8C-%D9%81%D9%8A-%D8%BA%D8%A7%D9%8A%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%B6%D9%88%D8%A1%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%A7%D8%AC%D8%A8%D8%A9-%D9%88-%D8%BA%D9%8A%D8%B1-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%A7%D8%AC%D8%A8%D8%A9-96-07-22.html#_ftnref2). «الواقعة»: 79.

[[3]](http://hosseiniboshehri.ir/index.php/%D8%AF%D8%B1%D9%88%D8%B3/%D9%81%D9%82%D9%87/6470-%D9%81%D8%B5%D9%84%D9%8C-%D9%81%D9%8A-%D8%BA%D8%A7%D9%8A%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%B6%D9%88%D8%A1%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%A7%D8%AC%D8%A8%D8%A9-%D9%88-%D8%BA%D9%8A%D8%B1-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%A7%D8%AC%D8%A8%D8%A9-96-07-22.html#_ftnref3). شیخ حر عاملی، وسائل الشیعة، ج1، کتاب الطهارة، ابواب الوضوء، باب12، ص383، ح1.

[[4]](http://hosseiniboshehri.ir/index.php/%D8%AF%D8%B1%D9%88%D8%B3/%D9%81%D9%82%D9%87/6470-%D9%81%D8%B5%D9%84%D9%8C-%D9%81%D9%8A-%D8%BA%D8%A7%D9%8A%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%B6%D9%88%D8%A1%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%A7%D8%AC%D8%A8%D8%A9-%D9%88-%D8%BA%D9%8A%D8%B1-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%A7%D8%AC%D8%A8%D8%A9-96-07-22.html#_ftnref4). سید محمدکاظم، طباطبایی یزدی، العروة الوثقی، ج1، ص192.

[[5]](http://hosseiniboshehri.ir/index.php/%D8%AF%D8%B1%D9%88%D8%B3/%D9%81%D9%82%D9%87/6470-%D9%81%D8%B5%D9%84%D9%8C-%D9%81%D9%8A-%D8%BA%D8%A7%D9%8A%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%B6%D9%88%D8%A1%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%A7%D8%AC%D8%A8%D8%A9-%D9%88-%D8%BA%D9%8A%D8%B1-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%A7%D8%AC%D8%A8%D8%A9-96-07-22.html#_ftnref5). شیخ حر عاملی، وسائل الشیعة، ج1، کتاب الطهارة، ابواب الوضوء، باب12، ص384، ح3.

|  |
| --- |
| درس خارج فقه حضرت آیت الله حسینی بوشهری (دامت برکاته)  **موضوع کلی:** **فصلٌ في غايات الوضوءات الواجبة و غير الواجبة                               تاریخ:** **23** مهر 1396  **موضوع جزئی: حرمت مس کتابت قرآن بدون وضو                                              مصادف با: 24** محرم 1439  **سال تحصیلی: 97-** **96                                                                                                    جلسه:** **10** |

    «الحمدلله رب العالمين و صلي‌الله علي محمد و آله الطاهرين و اللعن علي اعدائهم اجمعين»

مسأله 482: **«ترجمة القرآن ليست منه بأيّ لغة كانت، فلا بأس بمسها على المحدث. نعم، لا فرق في اسم اللّه تعالى بين اللغات‌»**[[1]](http://www.bushehri.net/index.php/%D8%AF%D8%B1%D9%88%D8%B3/%D9%81%D9%82%D9%87/6478-%D9%81%D8%B5%D9%84%D9%8C-%D9%81%D9%8A-%D8%BA%D8%A7%D9%8A%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%B6%D9%88%D8%A1%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%A7%D8%AC%D8%A8%D8%A9-%D9%88-%D8%BA%D9%8A%D8%B1-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%A7%D8%AC%D8%A8%D8%A9-96-07-23.html" \l "_ftn1" \o ").

به نظر مرحوم سید (ره)، ترجمه قرآن، به هر لغتی که باشد از قرآن محسوب نمی‎شود، پس مس آن [ترجمه] از طرف محدث اشکالی ندارد. بله، در [حرمت مس بدون وضوی] اسم خداوند متعال، بین لغات فرقی نیست [، یعنی مس نام خداوند با هر لغتی که باشد بدون وضو، حرام است].

دلیل اینکه ترجمه قرآن، قرآن محسوب نمی‎شود، این است که قرآن عبارت از الفاظ مخصوصه است بنابراین، هر لفظی را که حاکی از معنا باشد، شامل نمی‎شود و ادله‎ای که وارد شده است بر حرمت مس الفاظ قرآن دلالت دارند و بر حرمت مس ترجمه قرآن دلالت ندارند. به تعبیر روشن‎تر، آنچه بر نبی مکرم اسلام (ص) نازل شده است [که نفس قرآن است]، موضوعیت دارد و مس آن بدون وضو جایز نیست و ترجمه آن، موضوعیت ندارد لذا مس بدون وضوی ترجمه مشکلی ندارد. بعضی گفته‎اند که بر فرض شک در حرمت مس بدون وضوی ترجمه قرآن، اصالة البرائة جاری می‎شود و با تمسک به اصل برائت به جواز مس بدون وضوی ترجمه قرآن حکم می‎شود.

خداوند متعال نیز در معرفی قرآن فرموده است: **«إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ قُرْآناً عَرَبِيّاً لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ»**[[2]](http://www.bushehri.net/index.php/%D8%AF%D8%B1%D9%88%D8%B3/%D9%81%D9%82%D9%87/6478-%D9%81%D8%B5%D9%84%D9%8C-%D9%81%D9%8A-%D8%BA%D8%A7%D9%8A%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%B6%D9%88%D8%A1%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%A7%D8%AC%D8%A8%D8%A9-%D9%88-%D8%BA%D9%8A%D8%B1-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%A7%D8%AC%D8%A8%D8%A9-96-07-23.html" \l "_ftn2" \o ")؛ ما آن را قرآنى عربى نازل كرديم، شايد شما درك كنيد (و بينديشيد)! لذا قرآن با همان کیفتی که نازل شده است یعنی با الفاظ عربی شناخته می‎شود بنابراین، تماس ترجمه آن بدون وضو اشکالی ندارد.

دلیل حرمت مس بدون وضوی نام خداوند متعال؛ با هر لغتی که نوشته شده باشد این است که اسم خداوند متعال به کلمه «الله» که عربی است، اختصاص ندارد، بلکه عرفاً نام خدا با هر لغتی که باشد، اسم خداست لذا مس آن بدون وضو، جایز نیست.

مسأله 483: **«لا يجوز وضع الشي‌ء النجس على القرآن و إن كان يابساً لأنّه هتك و أمّا المتنجّس فالظاهر عدم البأس به مع عدم الرطوبة، فيجوز للمتوضّئ أن يمسّ القرآن باليد المتنجّسة و إن كان الأولى تركه»**[[3]](http://www.bushehri.net/index.php/%D8%AF%D8%B1%D9%88%D8%B3/%D9%81%D9%82%D9%87/6478-%D9%81%D8%B5%D9%84%D9%8C-%D9%81%D9%8A-%D8%BA%D8%A7%D9%8A%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%B6%D9%88%D8%A1%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%A7%D8%AC%D8%A8%D8%A9-%D9%88-%D8%BA%D9%8A%D8%B1-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%A7%D8%AC%D8%A8%D8%A9-96-07-23.html" \l "_ftn3" \o ").

به نظر مرحوم سید (ره)، نهادن شیء نجس بر قرآن جایز نیست؛ هرچند که آن شیء، خشک باشد چون [نهادن شیء نجس بر قرآن] موجب هتک قرآن می‎شود، اما ظاهر این است که نهادن شیء متنجِّس [، مثل لباسی که نجس شده است] بر قرآن در صورتی که رطوبت نداشته باشد، اشکالی ندارد، پس برای متوضّی جایز است که با دست متنجِّس، قرآن را مس کند [، یعنی نهادن دست متنجِّس بر قرآن اشکالی ندارد]؛ هرچند که بهتر این است که آن را ترک کند [، یعنی بهتر است که شیء متجِّس بدون رطوبت نیز با قرآن تماس پیدا نکند].

به نظر می‎رسد که نجس و متنجِّس [آن‎گونه که در کلام مرحوم سید (ره) آمده است]، نمی‎تواند ملاک و معیار باشد، یعنی نمی‎شود گفت که نهادن شیء نجس بر قرآن مطلقا جایز نیست؛ چه آن شیء نجس، خشک باشد و چه رطوبت داشته باشد، اما نهادن شیء متنجِّس بر قرآن در صورتی که خشک باشد، اشکال ندارد، بلکه بهتر است که ملاک، هتک حرمت قرآن قرار داده شود که در این صورت اگر نهادن شیء متنجِّسِ خشک بر قرآن نیز موجب هتک قرآن شود، نهادن آن بر قرآن جایز نخواهد بود. بنابراین، زمانی که ملاک، هتک قرآن باشد، فرقی بین نجس و متنجِّس نخواهد بود.

آیت الله خویی (ره) فرموده است که کلام مرحوم سید (ره) [مبنی بر اینکه ملاک، نجس و متنجِّس بودن شیء است لذا نهادن شیء نجس بر قرآن مطلقا جایز نیست، ولی نهادن شیء متنجِّس بر قرآن در صورتی که خشک باشد، اشکال ندارد]، درست نیست، بلکه ملاک، صدق یا عدم صدق هتک قرآن است و این با اختلاف موارد فرق می‎کند لذا هر جا که نهادن شیء نجس یا متنجِّس موجب هتک قرآن شود، جایز نیست؛ هرچند که آن شیء، متنجِّس و خشک باشد و هر جا که هتک قرآن را در پی نداشته باشد، اشکال ندارد، هرچند که آن شیء، نجس باشد. بنابراین، حتی اگر نهادن شیء نجس بر قرآن، موجب هتک قرآن نشود، نهادن آن بر قرآن اشکال ندارد، کما اینکه اگر جلد قرآن از میته شیر درست شده باشد چون پوست شیر، قیمتی و ارزشمند است، عرفاً هتک حرمت قرآن دانسته نمی‎شود[[4]](http://www.bushehri.net/index.php/%D8%AF%D8%B1%D9%88%D8%B3/%D9%81%D9%82%D9%87/6478-%D9%81%D8%B5%D9%84%D9%8C-%D9%81%D9%8A-%D8%BA%D8%A7%D9%8A%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%B6%D9%88%D8%A1%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%A7%D8%AC%D8%A8%D8%A9-%D9%88-%D8%BA%D9%8A%D8%B1-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%A7%D8%AC%D8%A8%D8%A9-96-07-23.html#_ftn4).

مسأله 484: **«إذا كُتِبَت آيةٌ من القرآن على لقمة خبزٍ لا يجوز للمحدث أكلُه و أمّا للمتطهّر فلا بأس، خصوصاً إذا كان بنيّة الشفاء أو التبرّك»**[[5]](http://www.bushehri.net/index.php/%D8%AF%D8%B1%D9%88%D8%B3/%D9%81%D9%82%D9%87/6478-%D9%81%D8%B5%D9%84%D9%8C-%D9%81%D9%8A-%D8%BA%D8%A7%D9%8A%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%B6%D9%88%D8%A1%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%A7%D8%AC%D8%A8%D8%A9-%D9%88-%D8%BA%D9%8A%D8%B1-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%A7%D8%AC%D8%A8%D8%A9-96-07-23.html" \l "_ftn5" \o ").

به نظر مرحوم سید (ره)، اگر آیه‎ای از قرآن بر لقمه نانی نوشته شود، جایز نیست که محدِث آن را بخورد، اما خوردن آن، برای متطهر اشکالی ندارد، خصوصاً اگر به نیت شفاء یا تبرک آن را بخورد.

**نکته:** همان‎طور که سابقاً گفته شد، مس کتابت قرآن بر محدِث حرام است و مس، به مس ظاهر بدن منحصر نیست، بلکه مس به وسیله باطن بدن را نیز شامل می‎شود بنابراین، در دهان گذاشتن کتابت قرآن نیز بر محدث حرام است.

دلیل حکم مذکور در کلام مرحوم سید (ره) این است که بر أکل لقمه نانی که آیه قرآن بر آن نوشته شده است، مس صدق می‎کند لذا أکل آن لقمه بر محدِث حرام است و اگر آن لقمه را بخورد، کار حرام انجام داده است، اما خوردن آن لقمه برای متطهّر [کسی که وضو دارد] جایز است.

کلام آیت الله حکیم (ره) و آیت الله خویی (ره)

آیت الله حکیم (ره)[[6]](http://www.bushehri.net/index.php/%D8%AF%D8%B1%D9%88%D8%B3/%D9%81%D9%82%D9%87/6478-%D9%81%D8%B5%D9%84%D9%8C-%D9%81%D9%8A-%D8%BA%D8%A7%D9%8A%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%B6%D9%88%D8%A1%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%A7%D8%AC%D8%A8%D8%A9-%D9%88-%D8%BA%D9%8A%D8%B1-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%A7%D8%AC%D8%A8%D8%A9-96-07-23.html" \l "_ftn6" \o ") و آیت الله خویی (ره)[[7]](http://www.bushehri.net/index.php/%D8%AF%D8%B1%D9%88%D8%B3/%D9%81%D9%82%D9%87/6478-%D9%81%D8%B5%D9%84%D9%8C-%D9%81%D9%8A-%D8%BA%D8%A7%D9%8A%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%B6%D9%88%D8%A1%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%A7%D8%AC%D8%A8%D8%A9-%D9%88-%D8%BA%D9%8A%D8%B1-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%A7%D8%AC%D8%A8%D8%A9-96-07-23.html#_ftn7) گفته‎اند که حکم به حرمت مس برای محدث، به جایی مربوط است که عنوان قرآن بودن بر آن کتابت صدق بکند لذا اگر عنوان قرآنیت بر آن صدق نکرد، حرام نیست، بنابراین، لقمه نانی که آیه قرآن بر آن نوشته شده است اگر زمانی که در دهان گذاشته می‎شود عنوان قرآنیت داشته باشد، أکل آن حرام است، اما اگر عنوان قرآنیت ساقط شده باشد، حرام نیست، یعنی اگر اجزاء آن آیه قرآن که بر لقمه نان نوشته شده است متفرق شود و پیوستگی آیه به هم خورده باشد، از عنوان قرآنیت خارج شده است لذا مس آن به وسیله أکل، حرام نیست چون در این صورت صدق نمی‎کند که کتابت قرآن مس شده است.

اشکال به آیت الله حکیم (ره) و آیت الله خویی (ره)

برای لقمه نانی که آیه قرآن بر آن نوشته شده است و محدِث آن را در دهان گذاشته است دو حالت متصور است؛ حالت اول این است که آن لقمه نان زمانی که در دهان گذاشته می‎شود، متفرق نشده است و از هم نپاشیده است و با گاز زدن به وسیله دندان و جویدن و امثال آن از هم پاشیده می‎شود لذا زمانی که شخص محدِث دندان و لب و دهان را بر آن لقمه نان می‎گذارد و مشغول خوردن آن می‎شود، مس حرام انجام داده است و لذا با صرف تماس لب و دندان و سایر اجزاء دهان برای جویدن آن لقمه نان، مس حرام تحقق پیدا کرده است. بله، أکل آن لقمه نان بعد از متفرق شدن اجزاء آیه به وسیله جویدن و امثال آن، مشکلی ندارد ولی تماس نخستین که هنوز اجزاء آن لقمه از هم نپاشیده است، حرام است.

**«والحمدلله رب العالمین»**

[[1]](http://www.bushehri.net/index.php/%D8%AF%D8%B1%D9%88%D8%B3/%D9%81%D9%82%D9%87/6478-%D9%81%D8%B5%D9%84%D9%8C-%D9%81%D9%8A-%D8%BA%D8%A7%D9%8A%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%B6%D9%88%D8%A1%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%A7%D8%AC%D8%A8%D8%A9-%D9%88-%D8%BA%D9%8A%D8%B1-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%A7%D8%AC%D8%A8%D8%A9-96-07-23.html#_ftnref1). سید محمدکاظم، طباطبایی یزدی، العروة الوثقی، ج1، ص192.

[[2]](http://www.bushehri.net/index.php/%D8%AF%D8%B1%D9%88%D8%B3/%D9%81%D9%82%D9%87/6478-%D9%81%D8%B5%D9%84%D9%8C-%D9%81%D9%8A-%D8%BA%D8%A7%D9%8A%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%B6%D9%88%D8%A1%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%A7%D8%AC%D8%A8%D8%A9-%D9%88-%D8%BA%D9%8A%D8%B1-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%A7%D8%AC%D8%A8%D8%A9-96-07-23.html#_ftnref2). «یوسف»: 2.

[[3]](http://www.bushehri.net/index.php/%D8%AF%D8%B1%D9%88%D8%B3/%D9%81%D9%82%D9%87/6478-%D9%81%D8%B5%D9%84%D9%8C-%D9%81%D9%8A-%D8%BA%D8%A7%D9%8A%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%B6%D9%88%D8%A1%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%A7%D8%AC%D8%A8%D8%A9-%D9%88-%D8%BA%D9%8A%D8%B1-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%A7%D8%AC%D8%A8%D8%A9-96-07-23.html#_ftnref3). سید محمدکاظم، طباطبایی یزدی، العروة الوثقی، ج1، ص192.

[[4]](http://www.bushehri.net/index.php/%D8%AF%D8%B1%D9%88%D8%B3/%D9%81%D9%82%D9%87/6478-%D9%81%D8%B5%D9%84%D9%8C-%D9%81%D9%8A-%D8%BA%D8%A7%D9%8A%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%B6%D9%88%D8%A1%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%A7%D8%AC%D8%A8%D8%A9-%D9%88-%D8%BA%D9%8A%D8%B1-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%A7%D8%AC%D8%A8%D8%A9-96-07-23.html#_ftnref4). سید ابوالقاسم، موسوی خویی، التنقيح في شرح العروة الوثقى، ج4، کتاب الطهارة، ص536.‌

[[5]](http://www.bushehri.net/index.php/%D8%AF%D8%B1%D9%88%D8%B3/%D9%81%D9%82%D9%87/6478-%D9%81%D8%B5%D9%84%D9%8C-%D9%81%D9%8A-%D8%BA%D8%A7%D9%8A%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%B6%D9%88%D8%A1%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%A7%D8%AC%D8%A8%D8%A9-%D9%88-%D8%BA%D9%8A%D8%B1-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%A7%D8%AC%D8%A8%D8%A9-96-07-23.html#_ftnref5). سید محمدکاظم، طباطبایی یزدی، العروة الوثقی، ج1، ص192.

[[6]](http://www.bushehri.net/index.php/%D8%AF%D8%B1%D9%88%D8%B3/%D9%81%D9%82%D9%87/6478-%D9%81%D8%B5%D9%84%D9%8C-%D9%81%D9%8A-%D8%BA%D8%A7%D9%8A%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%B6%D9%88%D8%A1%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%A7%D8%AC%D8%A8%D8%A9-%D9%88-%D8%BA%D9%8A%D8%B1-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%A7%D8%AC%D8%A8%D8%A9-96-07-23.html#_ftnref6). سید محسن، طباطبایی حکیم، مستمسك العروة الوثقى‌، ج2، کتاب الطهارة، ص286.

[[7]](http://www.bushehri.net/index.php/%D8%AF%D8%B1%D9%88%D8%B3/%D9%81%D9%82%D9%87/6478-%D9%81%D8%B5%D9%84%D9%8C-%D9%81%D9%8A-%D8%BA%D8%A7%D9%8A%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%B6%D9%88%D8%A1%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%A7%D8%AC%D8%A8%D8%A9-%D9%88-%D8%BA%D9%8A%D8%B1-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%A7%D8%AC%D8%A8%D8%A9-96-07-23.html#_ftnref7). سید ابوالقاسم، موسوی خویی، التنقيح في شرح العروة الوثقى، ج4، کتاب الطهارة، ص537.

**فصلٌ في الوضوءات المستحبة96/07/25**

|  |
| --- |
| درس خارج فقه حضرت آیت الله حسینی بوشهری (دامت برکاته)  **موضوع کلی:** **فصلٌ في الوضوءات المستحبة                                                       تاریخ:** **25** مهر 1396  **موضوع جزئی: استحباب نفسی وضو                                                                  مصادف با:** **26** محرم 1439  **سال تحصیلی: 97-** **96                                                                                                    جلسه:** **11** |

«الحمدلله رب العالمين و صلي‌الله علي محمد و آله الطاهرين و اللعن علي اعدائهم اجمعين»

**فصل في الوضوءات المستحبّة‌**

مسأله 485:**«الأقوى كما أُشير إليه سابقاً كون الوضوء مستحبّاً في نفسه و إن لم يقصد غاية من الغايات حتّى الكون على الطهارة و إن كان الأحوط قصد إحداها»****[[1]](http://www.bushehri.net/index.php/%D8%AF%D8%B1%D9%88%D8%B3/%D9%81%D9%82%D9%87/6481-%D9%81%D8%B5%D9%84%D9%8C-%D9%81%D9%8A-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%B6%D9%88%D8%A1%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%85%D8%B3%D8%AA%D8%AD%D8%A8%D8%A996-07-25.html" \l "_ftn1" \o ").**

به نظر مرحوم سید (ره)، همان‎طور که قبلاً اشاره شد، اقوی این است که وضو، استحباب نفسی دارد؛ هرچند که غایتی از غایات، حتی بودن بر طهارت، قصد نشده باشد؛ هرچند که احتیاط [مستحب] این است که یکی از غایات قصد شده باشد.

دلیل حکم مذکور [مبنی بر استحباب نفسی داشتن وضو] این است که وضو یک نظافت ظاهری و طهارت از حدث محسوب می‎شود لذا شرعاً، عقلاً و عرفاً مطلوب بالذات است[[2]](http://www.bushehri.net/index.php/%D8%AF%D8%B1%D9%88%D8%B3/%D9%81%D9%82%D9%87/6481-%D9%81%D8%B5%D9%84%D9%8C-%D9%81%D9%8A-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%B6%D9%88%D8%A1%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%85%D8%B3%D8%AA%D8%AD%D8%A8%D8%A996-07-25.html" \l "_ftn2" \o ").

عده‎ای در مقابل مرحوم سید (ره) و موافقین ایشان، گفته‎اند که وضو استحباب نفسی ندارد و وضو زمانی استحباب پیدا می‎کند که غایتی از غایات قصد شده باشد اما اینکه شخص بخواهد چیزی را اتیان کند که مشتمل بر غَسلتین [شستن صورت و دست] و مسحتین [مسح سر و پاس] است و غایتی را قصد نکرده باشد، استحباب ندارد بنابراین، استحباب وضو در صورتی است که شخص غایتی از غایات، مثل نماز خواندن، قرائت قرآن، کون علی الطهارة، مس کتابت قرآن را قصد کرده باشد، ولی اگر یکی از غایات مذکور، قصد نشده باشد، وضو استحباب ندارد.

سؤال: دلیل کلام مرحوم سید (ره) و موافقین ایشان، مبنی بر استحباب نفسی وضو چیست؟

پاسخ: آیت الله خویی (ره) فرموده است که برخی برای استحباب نفسی داشتن وضو، به روایات ذیل استناد کرده‎اند، لکن استناد به این روایات تمام نیست:

روایت اول:**الْحَسَنُ بْنُ مُحَمَّدٍ الدَّيْلَمِيُّ فِي الْإِرْشَادِ؛ قَالَ: قَالَ النَّبِيُّ (ص)؛ "يَقُولُ اللَّهُ تَعَالَى: «مَنْ أَحْدَثَ وَ لَمْ يَتَوَضَّأْ فَقَدْ جَفَانِي وَ مَنْ أَحْدَثَ وَ تَوَضَّأَ وَ لَمْ يُصَلِّ رَكْعَتَيْنِ فَقَدْ جَفَانِي وَ مَنْ أَحْدَثَ وَ تَوَضَّأَ وَ صَلَّى رَكْعَتَيْنِ وَ دَعَانِي وَ لَمْ أُجِبْهُ فِيمَا سَأَلَنِي مِنْ أَمْرِ دِينِهِ وَ دُنْيَاهُ فَقَدْ جَفَوْتُهُ وَ لَسْتُ بِرَبٍّ جَافٍ»..."**[[3]](http://www.bushehri.net/index.php/%D8%AF%D8%B1%D9%88%D8%B3/%D9%81%D9%82%D9%87/6481-%D9%81%D8%B5%D9%84%D9%8C-%D9%81%D9%8A-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%B6%D9%88%D8%A1%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%85%D8%B3%D8%AA%D8%AD%D8%A8%D8%A996-07-25.html" \l "_ftn3" \o ").

حسن بن محمد دیلمی در ارشاد گفته است که رسول اکرم (ص) فرموده است که خداوند متعال می‎گوید که اگر کسی محدث شود و وضو نگیرد به من جفا کرده است و اگر کسی محدِث شود و وضو بگیرد و دو رکعت نماز نخواند، به من جفا کرده است و اگر کسی محدِث شود و وضو بگیرد و دو رکعت نماز بخواند و من را بخواند و من در آنچه از امور دین و دنیایش که مرا خوانده است، اجابتش نکنم، به او جفا کرده‎ام و من پروردگار جفاکاری نیستم.

روایت دوم:**وَ زَادَ وَ فِي حَدِيثٍ آخَرَ «الْوُضُوءُ عَلَى الْوُضُوءِ نُورٌ عَلَى نُورٍ»**[[4]](http://www.bushehri.net/index.php/%D8%AF%D8%B1%D9%88%D8%B3/%D9%81%D9%82%D9%87/6481-%D9%81%D8%B5%D9%84%D9%8C-%D9%81%D9%8A-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%B6%D9%88%D8%A1%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%85%D8%B3%D8%AA%D8%AD%D8%A8%D8%A996-07-25.html" \l "_ftn4" \o ").

روایت سوم: **عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع)؛ قَالَ: "قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (ع): «الْوُضُوءُ بَعْدَ الطَّهُورِ عَشْرُ حَسَنَاتٍ فَتَطَهَّرُوا»**"[[5]](http://www.bushehri.net/index.php/%D8%AF%D8%B1%D9%88%D8%B3/%D9%81%D9%82%D9%87/6481-%D9%81%D8%B5%D9%84%D9%8C-%D9%81%D9%8A-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%B6%D9%88%D8%A1%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%85%D8%B3%D8%AA%D8%AD%D8%A8%D8%A996-07-25.html" \l "_ftn5" \o ").‌

محمد بن مسلم از امام صادق (ع) نقل کرده است که آن حضرت (ع) فرمود که امیرالمؤمنین علی (ع) فرموده است که وضو بعد از طهارت، ده ثواب دارد، پس طهارت داشته باشید.

آیت الله خویی (ره) فرموده است که روایات مذکور، نمی‎توانند دلیل استحباب نفسی وضو باشند چون بعضی از این روایات مشکل سندی و بعضی مشکل دلالی دارند لذا از استدلال به این روایات بر استحباب نفسی داشتن وضو صرف نظر می‎شود و دلیل استحباب نفسی داشتن وضو، آیه ذیل است:

**«...إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ التَّوَّابِينَ وَ يُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِينَ»**[[6]](http://www.bushehri.net/index.php/%D8%AF%D8%B1%D9%88%D8%B3/%D9%81%D9%82%D9%87/6481-%D9%81%D8%B5%D9%84%D9%8C-%D9%81%D9%8A-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%B6%D9%88%D8%A1%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%85%D8%B3%D8%AA%D8%AD%D8%A8%D8%A996-07-25.html" \l "_ftn6" \o ").

اینکه خداوند، متطهرین را دوست دارد حاکی از این است که وضو گرفتن به خودی خود، محبوب خدا و مستحب است و لازم نیست که شخص غایتی از غایات را قصد کند.

گفته‎اند که آیه مذکور، به ضمیمه روایاتی که در رابطه با استحباب وضو گرفتن وارد شده است، بر استحباب نفسی وضو دلالت دارد و نیازی نیست که شخص، غایتی از غایات را قصد کرده باشد.

به علاوه اینکه روایاتی نیز وارد شده‎اند که بر استحباب نفسی وضو دلالت دارند که روایات ذیل از آن جمله‎اند:

روایت اول:**عَنْ زُرَارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (ع)؛ قَالَ: «إِذَا دَخَلَ الْوَقْتُ وَجَبَ الطَّهُورُ وَ الصَّلَاةُ وَ لَا صَلَاةَ إِلَّا بِطَهُورٍ»**[[7]](http://www.bushehri.net/index.php/%D8%AF%D8%B1%D9%88%D8%B3/%D9%81%D9%82%D9%87/6481-%D9%81%D8%B5%D9%84%D9%8C-%D9%81%D9%8A-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%B6%D9%88%D8%A1%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%85%D8%B3%D8%AA%D8%AD%D8%A8%D8%A996-07-25.html" \l "_ftn7" \o ").

از روایت مذکور، استفاده شده است که وضو استحباب نفسی دارد؛ هرچند که به نظر می‎رسد که این روایت به وضو گرفتن به قصد نماز اشاره دارد لذا استحباب نفسی وضو از این روایت استفاده نمی‎شود.

روایت دوم: **عَنْ جَمِيلِ بْنِ دَرَّاجٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ: «إِنَّ اللّهَ يُحِبُّ التَّوّابِينَ وَ يُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِينَ»؛ قَالَ: "كَانَ النَّاسُ يَسْتَنْجُونَ بِالْكُرْسُفِ وَ الْأَحْجَارِ ثُمَّ أُحْدِثَ الْوَضُوءُ وَ هُوَ خُلُقٌ كَرِيمٌ، فَأَمَرَ بِهِ رَسُولُ اللَّهِ (ص) وَ صَنَعَهُ، فَأَنْزَلَ اللَّهُ فِي كِتَابِهِ «إِنَّ اللّهَ يُحِبُّ التَّوّابِينَ وَ يُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِينَ»**"[[8]](http://www.bushehri.net/index.php/%D8%AF%D8%B1%D9%88%D8%B3/%D9%81%D9%82%D9%87/6481-%D9%81%D8%B5%D9%84%D9%8C-%D9%81%D9%8A-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%B6%D9%88%D8%A1%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%85%D8%B3%D8%AA%D8%AD%D8%A8%D8%A996-07-25.html" \l "_ftn8" \o ").

جمیل بن درّاج در روایت مذکور از امام صادق (ع) در رابطه با قول خداوند متعال  که فرموده است «إِنَّ اللّهَ يُحِبُّ التَّوّابِينَ وَ يُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِينَ»، نقل کرده است که آن حضرت (ع) فرمود که مردم با سنگ و امثال آن استنجاء می‎کردند، سپس وضو ایجاد شد [، یعنی بعد از استنجاء با سنگ و امثال آن، استنجاء با شستن به وسیله آب شیوع پیدا کرد] و این رفتارِ پسندیده‎ای بود، پس پیامبر (ص) به آن امر کرد و آن را انجام داد، پس خداوند متعال در کتابش، آیه «إِنَّ اللّهَ يُحِبُّ التَّوّابِينَ وَ يُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِينَ» را نازل کرد.

در بعضی از روایات، آمده است که مردم با سنگ و امثال آن استنجاء می‎کردند، شخصی از انصار غذای ملّینی خورد و آن غذا باعث شد که مدفوع او روان شود و او به جای سنگ، با آب استنجاء کرد، و خداوند متعال آیه «إِنَّ اللّهَ يُحِبُّ التَّوّابِينَ وَ يُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِينَ» را نازل کرد[[9]](http://www.bushehri.net/index.php/%D8%AF%D8%B1%D9%88%D8%B3/%D9%81%D9%82%D9%87/6481-%D9%81%D8%B5%D9%84%D9%8C-%D9%81%D9%8A-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%B6%D9%88%D8%A1%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%85%D8%B3%D8%AA%D8%AD%D8%A8%D8%A996-07-25.html" \l "_ftn9" \o ").

طبق روایت مذکور، وضو نوعی نظافت محسوب می‎شود و خداوند نظافت را دوست دارد لذا چون وضو، به عنوان نظافت، محبوب خداست، مأمورٌبه از طرف خداوند قرار می‎گیرد و استحباب نفسی دارد.

خلاصه اینکه، دلیل اینکه وضو استحباب نفسی دارد و نیاز به غایتی از غایات نیست، نظافت و تمیزی است که بر وضو گرفتن مترتب می‎شود و خداوند نیز نظافت و پاکیزگی را دوست دارد بنابراین، چون وضو گرفتن به خاطر ترتب پاکیزگی بر آن، محبوب خداست، استحباب نفسی دارد و به غایتی از غایات نیاز ندارد.

آیت الله خویی (ره) گفته است که خود وضو، طهارت است نه اینکه طهارت امری باشد که بر وضو مترتب می‎شود.

اشکال: ممکن است که اشکال شود که طهارت با وضو متفاوت است و امری است که بر وضو مترتب می‎شود، یعنی وقتی شخص وضو می‎گیرد، طهارت حاصل می‎شود لذا تا شخص وضو نگیرد اصلاً طهارتی وجود ندارد، پس چگونه گفته می‎شود که وضو، همان طهارت است، پس وضو با طهارت متفاوت است چون وضو با شستن صورت و دستها و مسح سر و پاها تمام می‎شود، ولی طهارت امری استمراری است که باقی می‎ماند لذا اطلاق طهارت که امری استمراری است بر وضو که امری متصرم الوجود است (حادث می‎شود و از بین می‎رود) صحیح نیست.

پاسخ: روایاتی وجود دارند که در آنها از وضو به طهارت تعبیر شده است که روایات ذیل از آن جمله‎اند:

**روایت اول:** **عَنْ زُرَارَةَ؛ قَالَ: قُلْتُ لَهُ: الرَّجُلُ يَنَامُ وَ هُوَ عَلَى وُضُوءٍ...**[[10]](http://www.bushehri.net/index.php/%D8%AF%D8%B1%D9%88%D8%B3/%D9%81%D9%82%D9%87/6481-%D9%81%D8%B5%D9%84%D9%8C-%D9%81%D9%8A-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%B6%D9%88%D8%A1%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%85%D8%B3%D8%AA%D8%AD%D8%A8%D8%A996-07-25.html" \l "_ftn10" \o ")

«هو علی وضوء» حاکی از این است که شخص طهارت داشته است و اگر طهارت با وضو متفاوت بود و امری مترتب بر وضو بود، در این روایت باید از تعبیر «هو علی طهارة» استفاده می‎شد بنابراین، تعبیر «هو علی وضوء» که در روایت مذکور، آمده است حاکی از این است که وضو، همان طهارت است.

**روایت دوم:** **عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع)؛ قَالَ: سَمِعْتُهُ يَقُولُ: «مَنْ طَلَبَ حَاجَةً وَ هُوَ عَلَى غَيْرِ وُضُوءٍ، فَلَمْ تُقْضَ فَلَا يَلُومَنَّ إِلَّا نَفْسَهُ»**[[11]](http://www.bushehri.net/index.php/%D8%AF%D8%B1%D9%88%D8%B3/%D9%81%D9%82%D9%87/6481-%D9%81%D8%B5%D9%84%D9%8C-%D9%81%D9%8A-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%B6%D9%88%D8%A1%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%85%D8%B3%D8%AA%D8%AD%D8%A8%D8%A996-07-25.html" \l "_ftn11" \o ").

تعبیر «و هو  علی غیر وضوء» که در روایت مذکور، آمده است از این حکایت دارد که وضو، همان طهارت است.

**روایت سوم:** **وَ فِي عُيُونِ الْأَخْبَارِ بِالْإِسْنَادِ الْآتِي عَنِ الْفَضْلِ؛ قَالَ: سَأَلَ الْمَأْمُونُ الرِّضَا (ع) عَنْ مَحْضِ الْإِسْلَامِ، فَكَتَبَ إِلَيْهِ فِي كِتَابٍ طَوِيلٍ: «وَ لَا يَنْقُضُ الْوُضُوءَ إِلَّا غَائِطٌ أَوْ بَوْلٌ أَوْ رِيحٌ أَوْ نَوْمٌ أَوْ جَنَابَةٌ»**[[12]](http://www.bushehri.net/index.php/%D8%AF%D8%B1%D9%88%D8%B3/%D9%81%D9%82%D9%87/6481-%D9%81%D8%B5%D9%84%D9%8C-%D9%81%D9%8A-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%B6%D9%88%D8%A1%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%85%D8%B3%D8%AA%D8%AD%D8%A8%D8%A996-07-25.html" \l "_ftn12" \o ").

منظور از وضوء در روایت مذکور، همان طهارت است.

**«والحمدلله رب العالمین»**

[[1]](http://www.bushehri.net/index.php/%D8%AF%D8%B1%D9%88%D8%B3/%D9%81%D9%82%D9%87/6481-%D9%81%D8%B5%D9%84%D9%8C-%D9%81%D9%8A-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%B6%D9%88%D8%A1%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%85%D8%B3%D8%AA%D8%AD%D8%A8%D8%A996-07-25.html" \l "_ftnref1" \o "). سید محمدکاظم، طباطبایی یزدی، العروة الوثقی، ج1، ص192.

[[2]](http://www.bushehri.net/index.php/%D8%AF%D8%B1%D9%88%D8%B3/%D9%81%D9%82%D9%87/6481-%D9%81%D8%B5%D9%84%D9%8C-%D9%81%D9%8A-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%B6%D9%88%D8%A1%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%85%D8%B3%D8%AA%D8%AD%D8%A8%D8%A996-07-25.html" \l "_ftnref2" \o "). سید عبدالأعلی، سبزواری، مهذّب الأحكام في بيان الحلال و الحرام، ج2، کتاب الطهارة، ص271.‌

[[3]](http://www.bushehri.net/index.php/%D8%AF%D8%B1%D9%88%D8%B3/%D9%81%D9%82%D9%87/6481-%D9%81%D8%B5%D9%84%D9%8C-%D9%81%D9%8A-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%B6%D9%88%D8%A1%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%85%D8%B3%D8%AA%D8%AD%D8%A8%D8%A996-07-25.html" \l "_ftnref3" \o "). شیخ حر عاملی، وسائل الشیعة، ج1، کتاب الطهارة، ابواب الوضوء، باب11، ص382، ح2.

[[4]](http://www.bushehri.net/index.php/%D8%AF%D8%B1%D9%88%D8%B3/%D9%81%D9%82%D9%87/6481-%D9%81%D8%B5%D9%84%D9%8C-%D9%81%D9%8A-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%B6%D9%88%D8%A1%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%85%D8%B3%D8%AA%D8%AD%D8%A8%D8%A996-07-25.html" \l "_ftnref4" \o "). همان، باب8، ص377، ح8.

[[5]](http://www.bushehri.net/index.php/%D8%AF%D8%B1%D9%88%D8%B3/%D9%81%D9%82%D9%87/6481-%D9%81%D8%B5%D9%84%D9%8C-%D9%81%D9%8A-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%B6%D9%88%D8%A1%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%85%D8%B3%D8%AA%D8%AD%D8%A8%D8%A996-07-25.html" \l "_ftnref5" \o "). همان، ح10.

[[6]](http://www.bushehri.net/index.php/%D8%AF%D8%B1%D9%88%D8%B3/%D9%81%D9%82%D9%87/6481-%D9%81%D8%B5%D9%84%D9%8C-%D9%81%D9%8A-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%B6%D9%88%D8%A1%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%85%D8%B3%D8%AA%D8%AD%D8%A8%D8%A996-07-25.html" \l "_ftnref6" \o "). «البقرة»: 222.

[[7]](http://www.bushehri.net/index.php/%D8%AF%D8%B1%D9%88%D8%B3/%D9%81%D9%82%D9%87/6481-%D9%81%D8%B5%D9%84%D9%8C-%D9%81%D9%8A-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%B6%D9%88%D8%A1%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%85%D8%B3%D8%AA%D8%AD%D8%A8%D8%A996-07-25.html" \l "_ftnref7" \o "). شیخ حر عاملی، وسائل الشیعة، ج2، کتاب الطهارة، ابواب الجنابة، باب14، ص203، ح2.

[[8]](http://www.bushehri.net/index.php/%D8%AF%D8%B1%D9%88%D8%B3/%D9%81%D9%82%D9%87/6481-%D9%81%D8%B5%D9%84%D9%8C-%D9%81%D9%8A-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%B6%D9%88%D8%A1%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%85%D8%B3%D8%AA%D8%AD%D8%A8%D8%A996-07-25.html" \l "_ftnref8" \o "). همان، ج1، کتاب الطهارة، ابواب احکام الخلوة، باب34، ص355، ح4.

[[9]](http://www.bushehri.net/index.php/%D8%AF%D8%B1%D9%88%D8%B3/%D9%81%D9%82%D9%87/6481-%D9%81%D8%B5%D9%84%D9%8C-%D9%81%D9%8A-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%B6%D9%88%D8%A1%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%85%D8%B3%D8%AA%D8%AD%D8%A8%D8%A996-07-25.html" \l "_ftnref9" \o "). همان، ح5.

[[10]](http://www.bushehri.net/index.php/%D8%AF%D8%B1%D9%88%D8%B3/%D9%81%D9%82%D9%87/6481-%D9%81%D8%B5%D9%84%D9%8C-%D9%81%D9%8A-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%B6%D9%88%D8%A1%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%85%D8%B3%D8%AA%D8%AD%D8%A8%D8%A996-07-25.html" \l "_ftnref10" \o "). همان، ابواب نواقض الوضوء، باب1، ص245، ح1.

[[11]](http://www.bushehri.net/index.php/%D8%AF%D8%B1%D9%88%D8%B3/%D9%81%D9%82%D9%87/6481-%D9%81%D8%B5%D9%84%D9%8C-%D9%81%D9%8A-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%B6%D9%88%D8%A1%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%85%D8%B3%D8%AA%D8%AD%D8%A8%D8%A996-07-25.html" \l "_ftnref11" \o "). همان، ابواب الوضوء، باب6، ص374، ح1.

[[12]](http://www.bushehri.net/index.php/%D8%AF%D8%B1%D9%88%D8%B3/%D9%81%D9%82%D9%87/6481-%D9%81%D8%B5%D9%84%D9%8C-%D9%81%D9%8A-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%B6%D9%88%D8%A1%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%85%D8%B3%D8%AA%D8%AD%D8%A8%D8%A996-07-25.html" \l "_ftnref12" \o "). همان، ابواب نواقض الوضوء، باب2، ص251، ح8.

**فصلٌ في الوضوءات المستحبة 96/07/29**

|  |
| --- |
| درس خارج فقه حضرت آیت الله حسینی بوشهری (دامت برکاته)  **موضوع کلی:** **فصلٌ في الوضوءات المستحبة                                                 تاریخ:** **29** مهر 1396  **موضوع جزئی: اقسام وضوی مستحب                                                                    مصادف با: 1** صفر 1439  **سال تحصیلی: 97-** **96                                                                                     جلسه:** **12** |

   «الحمدلله رب العالمين و صلي‌الله علي محمد و آله الطاهرين و اللعن علي اعدائهم اجمعين»

**فصل في الوضوءات المستحبّة‌**

مسأله 486:**«الوضوء المستحبّ أقسام: أحدها: ما يستحبّ في حال الحدث الأصغر، فيفيد الطهارة منه. الثاني: ما يستحبّ في حال الطهارة منه، كالوضوء التجديدي. الثالث: ما هو مستحبّ في حال الحدث الأكبر و هو لا يفيد طهارة و إنّما هو لرفع الكراهة أو لحدوث كمال في الفعل الذي يأتي به، كوضوء الجنب للنوم و وضوء الحائض للذكر في مصلّاها»**[[1]](http://hosseiniboshehri.ir/index.php/%D8%AF%D8%B1%D9%88%D8%B3/%D9%81%D9%82%D9%87/6483-%D9%81%D8%B5%D9%84%D9%8C-%D9%81%D9%8A-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%B6%D9%88%D8%A1%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%85%D8%B3%D8%AA%D8%AD%D8%A8%D8%A9-96-07-29.html" \l "_ftn1" \o ").

مرحوم سید (ره) نوشته است که وضوی مستحب چند قسم است:

اول: وضویی که در حال حدث اصغر مستحب است در نتیجه، از حدث اصغر طهارت پیدا می‎شود.

دوم: وضویی که در حال طهارت از حدث اصغر مستحب است، مثل وضویی که تجدید می‎شود [؛ مثلاً شخص با اینکه وضو دارد برای نماز خواندن دوباره وضو می‎گیرد].

سوم: وضویی که در حال حدث اکبر مستحب است که این وضو مفید طهارت نیست، بلکه رافع کراهت است [، مثلاً شخص جنب وقتی وضو بگیرد، کراهت غذا خوردن از او رفع می‎شود] یا اینکه وضو باعث کمال در فعلی می‎شود که انجام می‎دهد، مثل وضو گرفتن جنب برای خواب و وضوی حائض برای ذکر گفتن در مصلایش.

مرحوم سید (ره) در ادامه نوشته است: **«أمّا القسم الأوّل فلأُمور:**

**الأوّل: الصلوات المندوبة و هو شرط في صحّتها أيضاً.**

**الثاني: الطواف المندوب و هو ما لا يكون جزءاً من حجّ أو عمرة و لو مندوبين و ليس شرطاً في صحّته. نعم، هو شرط في صحّة صلاته.**

**الثالث: التهيّؤ للصلاة في أوّل وقتها أو أوّل زمان إمكانها إذا لم يمكن إتيانها في أوّل الوقت و يعتبر أن يكون قريباً من الوقت أو زمان الإمكان بحيث يصدق عليه التهيّؤ.**

**الرابع: دخول المساجد.**

**الخامس: دخول المشاهد المشرفة.**

**السادس: مناسك الحجّ ممّا عدا الصلاة و الطواف.**

**السابع: صلاة الأموات.**

**الثامن: زيارة أهل القبور.**

**التاسع: قراءة القرآن أو كَتبه أو لمس حواشيه أو حمله.**

**العاشر: الدعاء و طلب الحاجة من اللّه تعالى.**

**الحادي عشر: زيارة الأئمّة (عليهم السّلام) و لو من بعيد.**

**الثاني عشر: سجدة الشكر أو التلاوة.**

**الثالث عشر: الأذان و الإِقامة، و الأظهر شرطيّته في الإِقامة.**

**الرابع عشر: دخول الزوج على الزوجة ليلة الزفاف بالنسبة إلى كلّ منهما.**

**الخامس عشر: ورود المسافر على أهله، فيستحبّ قبله.**

**السادس عشر: النوم.**

**السابع عشر: مقاربة الحامل.**

**الثامن عشر: جلوس القاضي في مجلس القضاء.**

**التاسع عشر: الكون على الطهارة.**

**العشرون: مسّ كتابة القرآن في صورة عدم وجوبه و هو شرط في جوازه كما مرّ و قد عرفت أنّ الأقوى استحبابه نفسيّاً أيضاً»**[[2]](http://hosseiniboshehri.ir/index.php/%D8%AF%D8%B1%D9%88%D8%B3/%D9%81%D9%82%D9%87/6483-%D9%81%D8%B5%D9%84%D9%8C-%D9%81%D9%8A-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%B6%D9%88%D8%A1%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%85%D8%B3%D8%AA%D8%AD%D8%A8%D8%A9-96-07-29.html" \l "_ftn2" \o ").

به نظر مرحوم سید (ره) وضوی قسم اول (وضویی که در حال حدث اصغر مستحب است) به خاطر اموری مستحب است که در ذیل به آنها اشاره می‎شود:

**الأوّل: الصلوات المندوبة و هو شرط في صحّتها أيضاً.**

اولین مورد از مواردی که وضو در حال حدث اصغر مستحب است، وضو گرفتن برای نمازهای مستحبی است. البته وضو برای نمازهای مستحبی، شرط صحب نماز نیز می‎باشد.

دلیل بر استحباب وضو برای نمازهای مستحبی، ضرورت دین است، بنابراین، یکی از ضروریات دین است که وضو گرفتن برای نمازهای مستحبی، مستحب است. همچنین، روایات دال بر اینکه طهارت شرط صحت نماز است، مطلقند و نماز مستحب را نیز شامل می‎شوند که روایت ذیل از جمله آن روایات است:

**عَنْ زُرَارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (ع)؛ قَالَ: «إِذَا دَخَلَ الْوَقْتُ وَجَبَ الطَّهُورُ وَ الصَّلَاةُ وَ لَا صَلَاةَ إِلَّا بِطَهُورٍ»**[[3]](http://hosseiniboshehri.ir/index.php/%D8%AF%D8%B1%D9%88%D8%B3/%D9%81%D9%82%D9%87/6483-%D9%81%D8%B5%D9%84%D9%8C-%D9%81%D9%8A-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%B6%D9%88%D8%A1%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%85%D8%B3%D8%AA%D8%AD%D8%A8%D8%A9-96-07-29.html" \l "_ftn3" \o ").

روایت مذکور، بر این دلالت دارد که وضو شرط صحت نماز است و فرقی نمی‎کند که نماز واجب باشد یا نماز مستحب باشد، البته اگر نماز، واجب باشد، وضوی برای آن نماز نیز واجب، ولی اگر نماز، مستحب باشد، وضوی برای آن نماز نیز مستحب خواهد بود.

سؤال: منظور از استحباب وضو نسبت به نمازهای مستحبی چیست؟

پاسخ: منظور از استحباب این نیست که شخص در نمازهای مستحبی تمکن از ترک وضو داشته باشد و بتواند نماز مستحبی را بدون وضو بخواند و شارع نسبت به ترک وضو برای نمازهای مستحبی راضی باشد [، مثل استحباب وضو برای خواندن قرآن که شخص می‎تواند بدون وضو نیز قرآن بخواند]، بلکه منظور از استحباب وضو برای نمازهای مستحبی این است که شخص وضو را به خاطر ترک آنچه وضو به آن مشروط است ترک کند، یعنی اگر شخص نماز مستحبی را ترک کرد، می‎تواند وضویی را که به خاطر آن نماز، مستحب بوده است نیز ترک کند و منظور این نیست که شخص می‎تواند وضو را ترک کند و نماز مستحبی را بدون وضو بخواند.

**الثاني: الطواف المندوب و هو ما لا يكون جزءاً من حجّ أو عمرة و لو مندوبين و ليس شرطاً في صحّته. نعم، هو شرط في صحّة صلاته.**

دومین مورد از مواردی که وضو در حال حدث اصغر مستحب است، وضو گرفتن برای طوافِ مستحب است. طواف مستحب، طوافی است که جزء حج یا عمره نیست؛ هرچند که حج و عمره، مستحب باشند [چون اگر طواف جزء حج و عمره باشد، وضو برای این طواف واجب است چون نماز جزء طواف است و در اتیان نماز، وضو داشتن لازم است] و وضو شرط صحت طواف نیست. بله، وضو شرط برای صحت نماز طواف است.

دلیل حکم مذکور این است که طواف مستحبی مشتمل بر نماز است و نماز نیز مشروط به طهارت است لذا مستحب است که شخص برای طواف مستحبی وضو بگیرد و این به خاطر این است که طواف، مشتمل بر نماز است و گرنه خود طواف مستحبی نیاز به وضو ندارد و فقط در طواف واجب، وضو داشتن واجب است و وجوب وضو به خاطر نماز طواف نیست، بلکه وضو به خاطر خود طواف واجب، واجب است چون «الطواف بالبیت، صلاةٌ».

صاحب جواهر (ره) به مطلب مذکور، تصریح کرده است و گفته شده است که این مطلب مورد وفاق علما است و در مفتاح الکرامة نیز به این مطلب تصریح شده است و دلیل آن نیز روایاتی است که در این زمینه وارد شده‎اند که روایات ذیل از آن جمله‎اند:

روایت اول: **عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع)؛ قَالَ: «لَا بَأْسَ أَنْ يُقْضَى الْمَنَاسِكُ كُلُّهَا عَلَى غَيْرِ وُضُوءٍ إِلَّا الطَّوَافُ فَإِنَّ فِيهِ صَلَاةً وَ الْوُضُوءُ أَفْضَلُ»**[[4]](http://hosseiniboshehri.ir/index.php/%D8%AF%D8%B1%D9%88%D8%B3/%D9%81%D9%82%D9%87/6483-%D9%81%D8%B5%D9%84%D9%8C-%D9%81%D9%8A-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%B6%D9%88%D8%A1%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%85%D8%B3%D8%AA%D8%AD%D8%A8%D8%A9-96-07-29.html" \l "_ftn4" \o ").

معاویة بن عمار از امام صادق  نقل کرده است که آن حضرت (ع) فرمود که مشکلی نیست که همه مناسک بدون وضو انجام شوند مگر طواف که چون نماز دارد، شخص باید وضو بگیرد؛ هرچند که أفضل این است که بقیه مناسک نیز با وضو انجام شوند.

روایت دوم: **عَنْ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ(ع) أَنَّهُ سُئِلَ أَ يَنْسُكُ الْمَنَاسِكَ وَ هُوَ عَلَى غَيْرِ وُضُوءٍ؟ فَقَالَ: «نَعَمْ إِلَّا الطَّوَافَ بِالْبَيْتِ فَإِنَّ فِيهِ صَلَاةً»** **وَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ جَمِيلٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) مِثْلَهُ**.[[5]](http://hosseiniboshehri.ir/index.php/%D8%AF%D8%B1%D9%88%D8%B3/%D9%81%D9%82%D9%87/6483-%D9%81%D8%B5%D9%84%D9%8C-%D9%81%D9%8A-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%B6%D9%88%D8%A1%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%85%D8%B3%D8%AA%D8%AD%D8%A8%D8%A9-96-07-29.html#_ftn5)

روایت مذکور، نیز بر این مطلب دلالت دارد که طواف مستحبی مشروط به وضو نیست، بلکه به خاطر نماز، مشروط به وضو است.

البته همان‎طور که قبلاً نیز اشاره شد، وضو در طواف واجب شرط است و به خاطر خود طواف واجب، وضو لازم است، بر خلاف طواف مستحب که وضو به خاطر نماز طواف لازم است و خود طواف مستحب مشروط به وضو نیست.

روایت سوم: **عَنْ عُبَيْدِ بْنِ زُرَارَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع)؛ أَنَّهُ قَالَ: «لَا بَأْسَ أَنْ يَطُوفَ الرَّجُلُ النَّافِلَةَ عَلَى غَيْرِ وُضُوءٍ ثُمَّ يَتَوَضَّأَ وَ يُصَلِّيَ فَإِنْ طَافَ مُتَعَمِّداً عَلَى غَيْرِ وُضُوءٍ فَلْيَتَوَضَّأْ وَ لْيُصَلِّ وَ مَنْ طَافَ تَطَوُّعاً وَ صَلَّى رَكْعَتَيْنِ عَلَى غَيْرِ وُضُوءٍ فَلْيُعِدِ الرَّكْعَتَيْنِ وَ لَا يُعِدِ الطَّوَافَ»**[[6]](http://hosseiniboshehri.ir/index.php/%D8%AF%D8%B1%D9%88%D8%B3/%D9%81%D9%82%D9%87/6483-%D9%81%D8%B5%D9%84%D9%8C-%D9%81%D9%8A-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%B6%D9%88%D8%A1%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%85%D8%B3%D8%AA%D8%AD%D8%A8%D8%A9-96-07-29.html" \l "_ftn6" \o ").

روایت مذکور نیز مؤید این است که طواف مستحبی مشروط به وضو نیست، بلکه وضو به خاطر نماز طواف واجب می‎شود.

**الثالث: التهيّؤ للصلاة في أوّل وقتها أو أوّل زمان إمكانها إذا لم يمكن إتيانها في أوّل الوقت و يعتبر أن يكون قريباً من الوقت أو زمان الإمكان بحيث يصدق عليه التهيّؤ.**

سومین مورد از مواردی که وضو در حال حدث اصغر مستحب است، وضو به منظور آماده شدن برای نماز اول وقت یا نماز در اولین زمانی که امکانش باشد، در صورتی که خواندن نماز در اول وقت ممکن نباشد. معتبر است که وضو، نزدیک وقت نماز یا نزدیک زمان امکان نماز خواندن، گرفته شود به گونه‎ای که آماده شدن برای نماز بر آن صدق کند.

عده‎ای از فقها، مثل علامه (ره) و شهید اول (ره) نظر مرحوم سید (ره) را پذیرفته‎اند.

آیت الله خویی (ره) در دلیل مشروعیت وضوی تهیوئی [وضو به قصد آماده شدن برای نماز اول وقت] فرموده است که در اینجا دو مبنا مطرح است؛ اول اینکه وضو، استحباب نفسی دارد [نظر مختار] و دوم اینکه وضو، استحباب نفسی ندارد. اگر مبنا این شد که وضو، استحباب نفسی ندارد، بلکه با قصد غایتی از غایات، مثل کون علی الطهارة [بودن بر طهارت]، مستحب می‎شود در این صورت وضویی که شخص قبل از وقت گرفته است صحیح است، همان‎طور که اگر وضو استحباب نفسی داشته باشد، وضوی قبل از وقت، صحیح است. پس طبق هر دو مبنا وضویی که شخص قبل از وقت گرفته است، صحیح است؛ هرچند در کنار استحباب نفسی وضو یا بودن بر طهارت، داعی و انگیزه دیگری که آماده شدن برای نماز اول وقت است، وجود داشته باشد.

اما اگر کسی قائل به استحباب نفسی وضو نباشد و همچنین، از باب کون علی الطهارة [بودن بر طهارت] نیز وضو نگرفته است، بلکه صرفاً به خاطر نماز اول وقت، وضو گرفته است در این صورت، باید ببینیم که چه دلیلی بر مشروعیت چنین وضویی [وضوی تهیوئی] وجود دارد؟

بحث جلسه آینده: إن‎شاءالله ادله مشروعیت وضوی تهیوئی [وضو به قصد آماده شدن برای نماز اول وقت]، در جلسه آینده ذکر و بررسی خواهند شد.

**«والحمدلله رب العالمین»**

[[1]](http://hosseiniboshehri.ir/index.php/%D8%AF%D8%B1%D9%88%D8%B3/%D9%81%D9%82%D9%87/6483-%D9%81%D8%B5%D9%84%D9%8C-%D9%81%D9%8A-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%B6%D9%88%D8%A1%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%85%D8%B3%D8%AA%D8%AD%D8%A8%D8%A9-96-07-29.html#_ftnref1). سید محمدکاظم، طباطبایی یزدی، العروة الوثقی، ج1، ص193.

[[2]](http://hosseiniboshehri.ir/index.php/%D8%AF%D8%B1%D9%88%D8%B3/%D9%81%D9%82%D9%87/6483-%D9%81%D8%B5%D9%84%D9%8C-%D9%81%D9%8A-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%B6%D9%88%D8%A1%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%85%D8%B3%D8%AA%D8%AD%D8%A8%D8%A9-96-07-29.html#_ftnref2). همان، ص195-193.

[[3]](http://hosseiniboshehri.ir/index.php/%D8%AF%D8%B1%D9%88%D8%B3/%D9%81%D9%82%D9%87/6483-%D9%81%D8%B5%D9%84%D9%8C-%D9%81%D9%8A-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%B6%D9%88%D8%A1%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%85%D8%B3%D8%AA%D8%AD%D8%A8%D8%A9-96-07-29.html#_ftnref3).شیخ حر عاملی، وسائل الشیعة، ج1، کتاب الطهارة، ابواب الوضوء، باب4، ص372، ح1.

[[4]](http://hosseiniboshehri.ir/index.php/%D8%AF%D8%B1%D9%88%D8%B3/%D9%81%D9%82%D9%87/6483-%D9%81%D8%B5%D9%84%D9%8C-%D9%81%D9%8A-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%B6%D9%88%D8%A1%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%85%D8%B3%D8%AA%D8%AD%D8%A8%D8%A9-96-07-29.html#_ftnref4). همان، باب5، ص374، ح1.

[[5]](http://hosseiniboshehri.ir/index.php/%D8%AF%D8%B1%D9%88%D8%B3/%D9%81%D9%82%D9%87/6483-%D9%81%D8%B5%D9%84%D9%8C-%D9%81%D9%8A-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%B6%D9%88%D8%A1%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%85%D8%B3%D8%AA%D8%AD%D8%A8%D8%A9-96-07-29.html#_ftnref5). همان، ج13، کتاب الحج، ابواب الطواف، باب38، ص376، ح6.

[[6]](http://hosseiniboshehri.ir/index.php/%D8%AF%D8%B1%D9%88%D8%B3/%D9%81%D9%82%D9%87/6483-%D9%81%D8%B5%D9%84%D9%8C-%D9%81%D9%8A-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%B6%D9%88%D8%A1%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%85%D8%B3%D8%AA%D8%AD%D8%A8%D8%A9-96-07-29.html#_ftnref6). همان، ص374، ح2.

**فصلٌ في الوضوءات المستحبة 96/07/30**

|  |
| --- |
| درس خارج فقه حضرت آیت الله حسینی بوشهری (دامت برکاته)  **موضوع کلی:** **فصلٌ في الوضوءات المستحبة                                                 تاریخ:** **30** مهر 1396  **موضوع جزئی: اقسام وضوی مستحب                                                                    مصادف با: 2** صفر 1439  **سال تحصیلی: 97-** **96                                                                                     جلسه:** **13** |

    «الحمدلله رب العالمين و صلي‌الله علي محمد و آله الطاهرين و اللعن علي اعدائهم اجمعين»

خلاصه جلسه گذشته

عرض شد که سومین مورد از مواردی که وضو در حال حدث اصغر، مستحب است، وضو به منظور آماده شدن برای نماز اول وقت یا نماز در اولین زمانی که امکانش باشد، می‎باشد در صورتی که خواندن نماز در اول وقت ممکن نباشد. معتبر است که وضو، نزدیک وقت نماز یا نزدیک زمان امکان نماز خواندن، گرفته شود به گونه‎ای که آماده شدن برای نماز بر آن صدق کند.

در رابطه با مورد سوم، عرض شد که اگر مبنا این باشد که وضو، استحباب نفسی دارد یا اگر مبنا این شد که وضو، استحباب نفسی ندارد، بلکه از باب کون علی الطهارة [بودن بر طهارت]، مستحب است، وضویی که شخص قبل از وقت گرفته است، صحیح است،

اما اگر کسی قائل به استحباب نفسی وضو نباشد و همچنین، از باب کون علی الطهارة [بودن بر طهارت] نیز وضو نگرفته باشد، بلکه صرفاً به خاطر نماز اول وقت، وضو گرفته است در این صورت، باید دید که چه دلیلی بر مشروعیت چنین وضویی [وضوی تهیوئی] وجود دارد؟ ادله‎ای در این رابطه اقامه شده است که در ذیل به آنها اشاره می‎شود.

ادله مشروعیت وضو تهیّوئی

دلیل اول

همان دلیلی که بر أفضیلت اتیان صلاة در اول وقت دلالت دارد بر مشروعیت و استحباب وضوی تهیّوئی نیز دلالت دارد چون اول وقت موجب رضوان الهی است. روایات ج4 وسائل الشیعة، باب2 از ابواب المواقیت، بر این مطلب دلالت دارند.

دلیل دوم

آیاتی که نسبت به استباق به خیرات دستور داده‎اند[[1]](http://hosseiniboshehri.ir/index.php/%D8%AF%D8%B1%D9%88%D8%B3/%D9%81%D9%82%D9%87/6484-%D9%81%D8%B5%D9%84%D9%8C-%D9%81%D9%8A-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%B6%D9%88%D8%A1%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%85%D8%B3%D8%AA%D8%AD%D8%A8%D8%A9-96-07-30.html#_ftn1) و نیز آیه 143 آل عمران که به سرعت گرفتن به سوی مغفرت الهی امر کرده است[[2]](http://hosseiniboshehri.ir/index.php/%D8%AF%D8%B1%D9%88%D8%B3/%D9%81%D9%82%D9%87/6484-%D9%81%D8%B5%D9%84%D9%8C-%D9%81%D9%8A-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%B6%D9%88%D8%A1%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%85%D8%B3%D8%AA%D8%AD%D8%A8%D8%A9-96-07-30.html#_ftn2)، بر این دلالت دارند که وضوی تهیّوئی مستحب است؛ به این بیان که أفضلیت صلاة در اول وقت با جواز اتیان وضو به قصد تهیّوء و آمادگی قبل از دخول وقت، ملازم است؛ یعنی زمانی شخص موفق به خواندن نماز در اول وقت می‎شود که قبل از دخول وقت وضو گرفته باشد و برای نماز اول وقت آماده شده باشد.

اشکال به دلیل اول و دوم

آیت الله خویی (ره) فرموده است که نیازی به اثبات استحباب وضوی تهیّوئی از طریق اثبات ملازمه بین خواندن نماز در اول وقت و وضو گرفتن قبل از وقت از باب تهیّوء نیست، بلکه همین که گفته شود که وضو گرفتن قبل از دخول وقت، استحباب نفسی دارد برای اثبات استحباب وضو قبل از دخول وقت کفایت می‎کند، بنابراین، عنوانی که بر استحباب وضو قبل از وقت، بار می‎شود، عنوان تهیّوء نیست، بلکه عنوان استحباب نفسی است، همچنین استحباب وضو قبل از وقت را می‎توان از باب کون علی الطهارة ثابت کرد، یعنی چون مستحب است که انسان همیشه با وضو باشد لذا مستحب است که قبل از دخول وقت نیز وضو داشته باشد، پس این استحباب از باب استحباب نفسی یا کون علی الطهارة است و از باب تهیّوء و آمادگی برای نماز نیست.

همچنین، استناد به آیات دال بر استباق به خیرات نیز تمام نیست چون معنای استباق به خیرات معنای عامی است که این خیر در استحباب نفسی وضو و کون علی الطهارة نیز وجود دارد، پس «فاستبقوا الخیرات» الزاماً به تهیّوء مربوط نیست. بنابراین، نیازی به استناد به دلیل مذکور نیست، بلکه استحباب وضو قبل از وقت از باب استحباب نفسی یا کون علی الطهارة ثابت می‎شود.

دلیل سوم

تمسک به روایت مرسله ذیل:

**مُحَمَّدُ بْنُ مَكِّيٍّ الشَّهِيدُ فِي الذِّكْرَى؛ قَالَ: رُوِيَ «مَا وَقَّرَ الصَّلَاةَ مَنْ أَخَّرَ الطَّهَارَةَ لَهَا حَتَّى يَدْخُلَ وَقْتُهَا»**[[3]](http://hosseiniboshehri.ir/index.php/%D8%AF%D8%B1%D9%88%D8%B3/%D9%81%D9%82%D9%87/6484-%D9%81%D8%B5%D9%84%D9%8C-%D9%81%D9%8A-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%B6%D9%88%D8%A1%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%85%D8%B3%D8%AA%D8%AD%D8%A8%D8%A9-96-07-30.html" \l "_ftn3" \o ").

روایت مرسله مذکور، حاکی از این است که کسی که طهارت را به تأخیر اندازد تا وقت نماز فرا برسد، نماز را بزرگ نشمرده است.

اشکال به دلیل سوم

**اولاً:** روایت مذکور، سنداً ضعیف است لذا استناد به آن تمام نیست مگر از باب تسامح در ادله سنن، نسبت به روایات «من بلغ»، به این روایت ترتیب اثر داده شود.

**ثانیاً:** بر فرض که از ارسال روایت مذکور، صرف نظر شود، دلالت این روایت نیز تمام نیست چون روایت مذکور، بر این مطلب که تهیّوء از غایات وضو است دلالت ندارد و الزاماً بر این دلالت ندارد که تعظیم و توقیر نماز و آماده شدن برای نماز، منحصر در وضوی تهیّوئی است، بلکه این روایت با استحباب نفسی وضو و کون علی الطهارة نیز سازگار است و استحباب نفسی وضو و کون علی الطهارة نیز موجب آمادگی برای نماز و تعظیم و تکریم نماز می‎شوند بنابراین تکریم و تعظیم نماز منحصر به این نیست که وضوء به منظور تهیّوء باشد تا لازم آید که تهیّوء برای نماز، غایتی از غایات وضو باشد.

دلیل چهارم

بعضی از بزرگان برای مشروعیت وضوی تهیّوئی به آیه ذیل استناد کرده‎اند:

**«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلاَةِ فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَ أَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ وَ امْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ وَ أَرْجُلَكُمْ إِلَى الْكَعْبَيْنِ...»**[[4]](http://hosseiniboshehri.ir/index.php/%D8%AF%D8%B1%D9%88%D8%B3/%D9%81%D9%82%D9%87/6484-%D9%81%D8%B5%D9%84%D9%8C-%D9%81%D9%8A-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%B6%D9%88%D8%A1%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%85%D8%B3%D8%AA%D8%AD%D8%A8%D8%A9-96-07-30.html" \l "_ftn4" \o ").

لازمه قیام به نماز، آمادگی و تهیّوء برای نماز است لذا آیه مذکور بر این دلالت دارد که کسی که برای نماز آماده می‎شود، مستحب است که صورت و دستهایش را بشوید و مسح سر و پاها را انجام دهد [، یعنی وضو بگیرد].

از اطلاق آیه مذکور، استفاده می‏شود که بین قریب و بعید بودن زمان وضو با نماز فرقی نیست لذا اگر شخص نزدیک دخول وقت، وضو نگرفته باشد، بلکه با فاصله زمانی بیشتر وضو گرفته باشد، این وضو مشروع است و اشکالی ندارد.

دلیل چهارم خالی از اشکال و پذیرفته است.

**الرابع: دخول المساجد.**

چهارمین مورد از مواردی که وضو در حال حدث اصغر، مستحب است، وضو به منظور داخل شدن در مسجد است.

برای استحباب وضو گرفتن برای دخول در مسجد به روایات ذیل استناد شده است:

روایت اول: **عَنْ مُرَازِمِ بْنِ حَكِيمٍ عَنِ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ (ع)؛ أَنَّهُ قَالَ: «عَلَيْكُمْ بِإِتْيَانِ الْمَسَاجِدِ فَإِنَّهَا بُيُوتُ اللَّهِ فِي الْأَرْضِ وَ مَنْ أَتَاهَا مُتَطَهِّراً طَهَّرَهُ اللَّهُ مِنْ ذُنُوبِهِ وَ كُتِبَ مِنْ زُوَّارِهِ»**[[5]](http://hosseiniboshehri.ir/index.php/%D8%AF%D8%B1%D9%88%D8%B3/%D9%81%D9%82%D9%87/6484-%D9%81%D8%B5%D9%84%D9%8C-%D9%81%D9%8A-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%B6%D9%88%D8%A1%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%85%D8%B3%D8%AA%D8%AD%D8%A8%D8%A9-96-07-30.html" \l "_ftn5" \o ").

مرازم بن حکیم در روایت مذکور، از امام صادق (ع) نقل کرده است که آن حضرت (ع) فرموده است که بر شما باد به رفتن به مساجد، همانا مساجد خانه‎های خدا در روی زمین هستند و خداوند گناهان کسی را که با طهارت به مسجد برود، پاک خواهد کرد و آن شخص از زوار خداوند نوشته خواهد شد.

روایت دوم: **عَنْ كُلَيْبٍ الصَّيْدَاوِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ: «مَكْتُوبٌ فِي التَّوْرَاةِ أَنَّ بُيُوتِي فِي الْأَرْضِ الْمَسَاجِدُ فَطُوبَى لِعَبْدٍ تَطَهَّرَ فِي بَيْتِهِ ثُمَّ زَارَنِي فِي بَيْتِي أَلَا إِنَّ عَلَى الْمَزُورِ كَرَامَةَ الزَّائِرِ»**[[6]](http://hosseiniboshehri.ir/index.php/%D8%AF%D8%B1%D9%88%D8%B3/%D9%81%D9%82%D9%87/6484-%D9%81%D8%B5%D9%84%D9%8C-%D9%81%D9%8A-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%B6%D9%88%D8%A1%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%85%D8%B3%D8%AA%D8%AD%D8%A8%D8%A9-96-07-30.html" \l "_ftn6" \o ").

کلیب صیداوی از امام صادق (ع) روایت کرده است که آن حضرت (ع) فرموده است که در تورات نوشته شده است که خانه‎های من [خدا] در روی زمین، مساجدند، پس خوشا به حال بنده‎ای که در خانه‎اش وضو می‎گیرد و سپس من را در خانه‎ام زیارت می‎کند، بدانید و آگاه باشید که بر مزور [زیارت شده]، تکریم زائر لازم است.

اشکال به روایات مذکور

نهایت چیزی که از این روایات استفاده می‎شود این است که وضو گرفتن قبل از دخول در مسجد، مستحب است اما اینکه استحباب وضو از باب این باشد که مسجد غایتی از غایات وضو است از این روایات استفاده نمی‎شود، یعنی استحباب وضو از باب غایت بودن مسجد برای وضو، نیست، بلکه نفس وضو مستحب است، پس استحباب وضو یا استحباب نفسی است یا از باب کون علی الطهارة است و از باب غایت بودن مسجد [که مدعاست،] نیست.

**الخامس: دخول المشاهد المشرفة.**

پنجمین مورد از مواردی که وضو در حال حدث اصغر، مستحب است، وضو به منظور دخول در مشاهد مشرفه است.

گفته شده است که دلیلی بر استحباب وضو به قصد دخول در مشاهد مشرفه وجود ندارد. البته تعلیل‎هایی آورده شده است، از جمله اینکه همان‎طور که مساجد، بیوت الله فی الأرض هستند، مشاهد مشرفه نیز بیوت الله فی الأرض می‎باشند. بعضی، مثل آیت الله سید عبدالأعلی سبزواری گفته است: **«لسيرة الفقهاء و المؤمنين خلفا عن سلف»**[[7]](http://hosseiniboshehri.ir/index.php/%D8%AF%D8%B1%D9%88%D8%B3/%D9%81%D9%82%D9%87/6484-%D9%81%D8%B5%D9%84%D9%8C-%D9%81%D9%8A-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%B6%D9%88%D8%A1%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%85%D8%B3%D8%AA%D8%AD%D8%A8%D8%A9-96-07-30.html" \l "_ftn7" \o ")؛ سیره فقها و مؤمنین این بوده است که هنگام ورود به مشاهد مشرفه وضو می‎گرفته‎اند.

بنابراین، دلیلی بر استحباب وضو به قصد دخول در مشاهد مشرفه وجود ندارد، لکن از باب اینکه مشاهد مشرفه، مقدّسند وضو داشتن در هنگام ورود به این مکان‎ها مستحب است، ولی این استحباب از باب استحباب نفسی داشتن وضو یا از باب کون علی الطهارة است و از این باب که مشاهد مشرفه غایت برای وضویند، نیست.

**«والحمدلله رب العالمین»**

[[1]](http://hosseiniboshehri.ir/index.php/%D8%AF%D8%B1%D9%88%D8%B3/%D9%81%D9%82%D9%87/6484-%D9%81%D8%B5%D9%84%D9%8C-%D9%81%D9%8A-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%B6%D9%88%D8%A1%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%85%D8%B3%D8%AA%D8%AD%D8%A8%D8%A9-96-07-30.html#_ftnref1). «البقرة»: 148 و «المائده»: 48؛ «**...فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ...**».

[[2]](http://hosseiniboshehri.ir/index.php/%D8%AF%D8%B1%D9%88%D8%B3/%D9%81%D9%82%D9%87/6484-%D9%81%D8%B5%D9%84%D9%8C-%D9%81%D9%8A-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%B6%D9%88%D8%A1%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%85%D8%B3%D8%AA%D8%AD%D8%A8%D8%A9-96-07-30.html#_ftnref2). «**وَ سَارِعُوا إِلَى مَغْفِرَةٍ مِنْ رَبِّكُمْ...**».

[[3]](http://hosseiniboshehri.ir/index.php/%D8%AF%D8%B1%D9%88%D8%B3/%D9%81%D9%82%D9%87/6484-%D9%81%D8%B5%D9%84%D9%8C-%D9%81%D9%8A-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%B6%D9%88%D8%A1%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%85%D8%B3%D8%AA%D8%AD%D8%A8%D8%A9-96-07-30.html#_ftnref3). شیخ حر عاملی، وسائل الشیعة، ج1، کتاب الطهارة، ابواب الوضوء، باب4، ص374، ح5.

[[4]](http://hosseiniboshehri.ir/index.php/%D8%AF%D8%B1%D9%88%D8%B3/%D9%81%D9%82%D9%87/6484-%D9%81%D8%B5%D9%84%D9%8C-%D9%81%D9%8A-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%B6%D9%88%D8%A1%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%85%D8%B3%D8%AA%D8%AD%D8%A8%D8%A9-96-07-30.html#_ftnref4). «المائدة»: 6.

[[5]](http://hosseiniboshehri.ir/index.php/%D8%AF%D8%B1%D9%88%D8%B3/%D9%81%D9%82%D9%87/6484-%D9%81%D8%B5%D9%84%D9%8C-%D9%81%D9%8A-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%B6%D9%88%D8%A1%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%85%D8%B3%D8%AA%D8%AD%D8%A8%D8%A9-96-07-30.html#_ftnref5). شیخ حر عاملی، وسائل الشیعة، ج1، کتاب الطهارة، ابواب الوضوء، باب10، ص380، ح2.

[[6]](http://hosseiniboshehri.ir/index.php/%D8%AF%D8%B1%D9%88%D8%B3/%D9%81%D9%82%D9%87/6484-%D9%81%D8%B5%D9%84%D9%8C-%D9%81%D9%8A-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%B6%D9%88%D8%A1%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%85%D8%B3%D8%AA%D8%AD%D8%A8%D8%A9-96-07-30.html#_ftnref6). همان، ص381، ح4.

[[7]](http://hosseiniboshehri.ir/index.php/%D8%AF%D8%B1%D9%88%D8%B3/%D9%81%D9%82%D9%87/6484-%D9%81%D8%B5%D9%84%D9%8C-%D9%81%D9%8A-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%B6%D9%88%D8%A1%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%85%D8%B3%D8%AA%D8%AD%D8%A8%D8%A9-96-07-30.html#_ftnref7). سید عبدالأعلی، سبزواری، مهذب الأحکام فی بیان الحلال و الحرام، ج2، ص276.

**فصلٌ في الوضوءات المستحبة96/08/01**

|  |
| --- |
| درس خارج فقه حضرت آیت الله حسینی بوشهری (دامت برکاته)  **موضوع کلی:** **فصلٌ في الوضوءات المستحبة                                                 تاریخ:** **1** آبان 1396  **موضوع جزئی: اقسام وضوی مستحب                                                                    مصادف با: 3** صفر 1439  **سال تحصیلی: 97-** **96                                                                                     جلسه:** **14** |

       «الحمدلله رب العالمين و صلي‌الله علي محمد و آله الطاهرين و اللعن علي اعدائهم اجمعين»

**السادس: مناسك الحجّ ممّا عدا الصلاة و الطواف.**

ششمین مورد از مواردی که وضو در حال حدث اصغر، مستحب است، وضو برای انجام مناسک حج؛ به جز نماز [طواف] و طواف است [البته اگر طواف، طواف واجب باشد، وضو گرفتن به منظور انجام طواف، واجب است].

دلیل حکم مذکور [مبنی بر استحباب وضو برای انجام مناسک حج]، روایات ذیلند:

روایت اول: **عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع)؛ قَالَ: «لَا بَأْسَ أَنْ يُقْضَى الْمَنَاسِكُ كُلُّهَا عَلَى غَيْرِ وُضُوءٍ إِلَّا الطَّوَافُ فَإِنَّ فِيهِ صَلَاةً وَ الْوُضُوءُ أَفْضَلُ»**[[1]](http://hosseiniboshehri.ir/index.php/%D8%AF%D8%B1%D9%88%D8%B3/%D9%81%D9%82%D9%87/6487-%D9%81%D8%B5%D9%84%D9%8C-%D9%81%D9%8A-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%B6%D9%88%D8%A1%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%85%D8%B3%D8%AA%D8%AD%D8%A8%D8%A996-08-01.html" \l "_ftn1" \o ").

معاویة بن عمار در روایت صحیحه مذکور از امام صادق (ع) نقل کرده است که آن حضرت (ع) فرموده است که اشکالی ندارد که همه مناسک بدون وضو انجام شود، مگر طواف که مشتمل بر نماز است [لذا باید با وضو انجام شود]، اما بهتر است که مناسک با وضو انجام شوند.

روایت دوم: **عَنْ يَحْيَى الْأَزْرَقِ؛ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي الْحَسَنِ (ع): رَجُلٌ سَعَى بَيْنَ الصَّفَا وَ الْمَرْوَةِ، فَسَعَى ثَلَاثَةَ أَشْوَاطٍ أَوْ‌ أَرْبَعَةً ثُمَّ بَالَ ثُمَّ أَتَمَّ سَعْيَهُ بِغَيْرِ وُضُوءٍ، فَقَالَ: «لَا بَأْسَ وَ لَوْ أَتَمَّ مَنَاسِكَهُ بِوُضُوءٍ لَكَانَ أَحَبَّ إِلَيَّ»**[[2]](http://hosseiniboshehri.ir/index.php/%D8%AF%D8%B1%D9%88%D8%B3/%D9%81%D9%82%D9%87/6487-%D9%81%D8%B5%D9%84%D9%8C-%D9%81%D9%8A-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%B6%D9%88%D8%A1%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%85%D8%B3%D8%AA%D8%AD%D8%A8%D8%A996-08-01.html" \l "_ftn2" \o ").

یحیی ازرق در روایت مذکور، گفته است که به امام (ع) [امام کاظم (ع) یا امام رضا (ع)] گفتم که شخصی سعی بین صفا و مروه را انجام می‎دهد، پس سه شوط یا چهار شوط انجام داده است، سپس بول کرده است و سپس سعیش را بدون وضو تمام کرده است، پس آن حضرت (ع) فرمود که اشکالی ندارد، ولی اگر مناسکش را با وضو تمام کند نزد من محبوب‎تر است.

**السابع: صلاة الأموات.**

هفتمین مورد از مواردی که وضو در حال حدث اصغر، مستحب است، وضو برای خواندن نماز میت است.

دلیل حکم مذکور، روایت ذیل است:

**عَنْ عَبْدِ الْحَمِيدِ بْنِ سَعْدٍ؛ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي الْحَسَنِ (ع): الْجِنَازَةُ يُخْرَجُ بِهَا وَ لَسْتُ عَلَى وُضُوءٍ فَإِنْ ذَهَبْتُ أَتَوَضَّأُ فَاتَتْنِي الصَّلَاةُ أَ يُجْزِي لِي أَنْ أُصَلِّيَ عَلَيْهَا وَ أَنَا عَلَى غَيْرِ وُضُوءٍ؟ فَقَالَ: «تَكُونُ عَلَى طُهْرٍ أَحَبُّ إِلَيَّ»**[[3]](http://hosseiniboshehri.ir/index.php/%D8%AF%D8%B1%D9%88%D8%B3/%D9%81%D9%82%D9%87/6487-%D9%81%D8%B5%D9%84%D9%8C-%D9%81%D9%8A-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%B6%D9%88%D8%A1%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%85%D8%B3%D8%AA%D8%AD%D8%A8%D8%A996-08-01.html" \l "_ftn3" \o ").

عبد الحمید بن سعد گفته است که به امام (ع) [امام کاظم (ع) یا امام رضا (ع)] گفتم که جنازه‎ای [برای تشییع] خارج می‎شود، ولی من وضو ندارم، اگر بروم وضو بگیرم، نماز میت از من فوت می‎شود [ شاید منظور این باشد که میت را بدون نماز دفن خواهند کرد]، آیا کفایت می‎کند که در حالی که وضو ندارم، بر میت نماز بخوانم؟ آن حضرت (ع) فرمود که اگر با طهارت باشی نزد من محبوب‎تر است.

روایت مذکور، بر استحباب وضو برای نماز میت دلالت دارد.

**الثامن: زيارة أهل القبور.**

هشتمین مورد از مواردی که وضو در حال حدث اصغر، مستحب است، وضو برای زیارت اهل قبور است.

نکته: منظور از استحباب وضو برای زیارت اهل قبور، قبور ائمه معصومین (ع) نیست، چون استحباب وضو، بلکه غسل برای زیارت ائمه معصومین (ع)، از اموری است که روایات زیادی در رابطه با آن وارد شده‎اند که این روایات در کتاب وسائل الشیعة، جلد 14، کتاب الحج، ابواب المزار آمده‎اند.

نص خاصی در رابطه با استحباب وضو برای زیارت اهل قبور وارد نشده است.

فاضل هندی (ره) فرموده است: **«و لم أظفر لخصوصه بنصّ»**[[4]](http://hosseiniboshehri.ir/index.php/%D8%AF%D8%B1%D9%88%D8%B3/%D9%81%D9%82%D9%87/6487-%D9%81%D8%B5%D9%84%D9%8C-%D9%81%D9%8A-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%B6%D9%88%D8%A1%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%85%D8%B3%D8%AA%D8%AD%D8%A8%D8%A996-08-01.html" \l "_ftn4" \o ").

صاحب حدائق (ره) فرموده است: **«و المشهور أيضا عد زيارة المقابر و لم أقف بعد الفحص على مستنده»**[[5]](http://hosseiniboshehri.ir/index.php/%D8%AF%D8%B1%D9%88%D8%B3/%D9%81%D9%82%D9%87/6487-%D9%81%D8%B5%D9%84%D9%8C-%D9%81%D9%8A-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%B6%D9%88%D8%A1%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%85%D8%B3%D8%AA%D8%AD%D8%A8%D8%A996-08-01.html" \l "_ftn5" \o ").

البته صاحب جواهر (ره) فرموده است: **«انه افتى به جماعة و لعله يكتفى به في المستحب»**[[6]](http://hosseiniboshehri.ir/index.php/%D8%AF%D8%B1%D9%88%D8%B3/%D9%81%D9%82%D9%87/6487-%D9%81%D8%B5%D9%84%D9%8C-%D9%81%D9%8A-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%B6%D9%88%D8%A1%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%85%D8%B3%D8%AA%D8%AD%D8%A8%D8%A996-08-01.html" \l "_ftn6" \o ").

صاحب جواهر (ره) فرموده است که عده‎ای از علما بر استحباب وضو برای زیارت اهل قبور، فتوا داده‎اند و فتوای اصحاب برای حکم به استحباب وضو به منظور زیارت اهل قبور، کفایت می‎کند چون فتوای اصحاب بدون دلیل نبوده است و حتماً دلیل داشته است لذا عدم وجدان دلیل، دلیل بر عدم دلیل نیست [عدم الوجدان لایدل علی عدم الوجود]، بنابراین، اینکه بعضی دلیلی بر استحباب وضو برای زیارت اهل قبور پیدا نکرده‎اند، دلیل بر عدم وجود دلیل نیست.

آیت الله حکیم (ره) فرموده است: **«و يظهر مما عن الذكرى و المدارك أن به رواية** **بل عن الدلائل أن في الخبر تقييدها بالمؤمنين»**[[7]](http://hosseiniboshehri.ir/index.php/%D8%AF%D8%B1%D9%88%D8%B3/%D9%81%D9%82%D9%87/6487-%D9%81%D8%B5%D9%84%D9%8C-%D9%81%D9%8A-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%B6%D9%88%D8%A1%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%85%D8%B3%D8%AA%D8%AD%D8%A8%D8%A996-08-01.html" \l "_ftn7" \o ")؛ از آنچه در ذکری و مدارک آمده است، به دست می‎آید که روایتی [بر استحباب وضو برای زیارت اهل قبور] وجود دارد، لکن روایت، زیارت را به زیارت قبور مؤمنین تقیید زده است.

عده‎ای گفته‎اند که درست است که شاید وضو به منظور زیارت اهل قبور روایت نداشته باشد، ولی غالباً کسانی که برای زیارت اهل قبور می‎روند قرآن و دعا می‎خوانند لذا زیارت اهل قبور با قرائت قرآن و دعا ملازم است و چون برای استحباب وضو به منظور قرائت قرآن و دعا، دلیل وجود دارد، گفته می‎شود که همان دلیل، زیارت اهل قبور را نیز شامل می‎شود.

بنابراین، وضو برای زیارت اهل قبور، مستحب است؛ اعم از اینکه دلیل آن، فتوای علما باشد یا دلیل، خبری باشد که قید مؤمنین را آورده است و یا دلیل آن، ملازمه بین قرائت قرآن و دعا با زیارت اهل قبور باشد.

**التاسع: قراءة القرآن أو كَتبه أو لمس حواشيه أو حمله.**

نهمین مورد از مواردی که وضو در حال حدث اصغر، مستحب است، وضو برای قرائت قرآن یا کتابت قرآن یا مس حواشی قرآن یا برداشتن قرآن است.

دلیل حکم مذکور، روایات ذیل است:

روایت اول:**مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ فِي الْخِصَالِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ عَلِيٍّ (ع) فِي حَدِيثِ الْأَرْبَعِمِائَةِ؛ قَالَ: «لَا يَقْرَأُ الْعَبْدُ الْقُرْآنَ إِذَا كَانَ عَلَى غَيْرِ طَهُورٍ حَتَّى يَتَطَهَّرَ»**[[8]](http://hosseiniboshehri.ir/index.php/%D8%AF%D8%B1%D9%88%D8%B3/%D9%81%D9%82%D9%87/6487-%D9%81%D8%B5%D9%84%D9%8C-%D9%81%D9%8A-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%B6%D9%88%D8%A1%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%85%D8%B3%D8%AA%D8%AD%D8%A8%D8%A996-08-01.html" \l "_ftn8" \o ").

شیخ صدوق (ره) در روایت مذکور، از امام علی (ع) نقل کرده است که آن حضرت (ع) فرموده است که عبد قرآن را بدون طهارت قرائت نکند مگر بعد از اینکه وضو گرفت.

روایت مذکور، بر کراهت قرائت قرآن بدون وضو، دلالت دارد که نتیجه آن، این است که قرائت قرآن با وضو، مستحب است.

روایت دوم: **عَنْ عَلِيِّ بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ أَخِيهِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ (ع)؛ أَنَّهُ سَأَلَهُ عَنِ الرَّجُلِ أَ يَحِلُّ لَهُ أَنْ يَكْتُبَ الْقُرْآنَ فِي الْأَلْوَاحِ وَ الصَّحِيفَةِ وَ هُوَ عَلَى غَيْرِ وُضُوءٍ؟ قَالَ: «لَا»**[[9]](http://hosseiniboshehri.ir/index.php/%D8%AF%D8%B1%D9%88%D8%B3/%D9%81%D9%82%D9%87/6487-%D9%81%D8%B5%D9%84%D9%8C-%D9%81%D9%8A-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%B6%D9%88%D8%A1%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%85%D8%B3%D8%AA%D8%AD%D8%A8%D8%A996-08-01.html" \l "_ftn9" \o ").

علی بن جعفر در روایت مذکور از برادرش موسی بن جعفر (ع) درباره شخصی که وضو ندارد، سؤال کرده است که آیا جایز است که این شخص قرآن را در الواح و کاغذ بنویسد؟ حضرت (ع) فرمود که نه [این کار را نکند].

صاحب وسائل (ره) گفته است که این روایت بر استحباب وضو حمل می‎شود [و بر وجوب وضو دلالت ندارد].

**العاشر: الدعاء و طلب الحاجة من اللّه تعالى.**

دهمین مورد از مواردی که وضو در حال حدث اصغر، مستحب است، وضو برای دعا و طلب حاجت از خداوند متعال است.

برای استحباب وضو برای طلب حاجة، به روایت ذیل استناد شده است:

**عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع)؛ قَالَ: سَمِعْتُهُ يَقُولُ: «مَنْ طَلَبَ حَاجَةً وَ هُوَ عَلَى غَيْرِ وُضُوءٍ فَلَمْ تُقْضَ فَلَا يَلُومَنَّ إِلَّا نَفْسَهُ»**[[10]](http://hosseiniboshehri.ir/index.php/%D8%AF%D8%B1%D9%88%D8%B3/%D9%81%D9%82%D9%87/6487-%D9%81%D8%B5%D9%84%D9%8C-%D9%81%D9%8A-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%B6%D9%88%D8%A1%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%85%D8%B3%D8%AA%D8%AD%D8%A8%D8%A996-08-01.html" \l "_ftn10" \o ").

 عبدالله بن سنان در روایت مذکور، گفته است که از امام صادق (ع) شنیدم که آن حضرت (ع) می‎فرمود که هر کس بدون وضو حاجتی را طلب کند، پس حاجتش روا نشود، ملامت نکند مگر خودش را.

بعضی گفته‎اند که در رابطه با استحباب وضو برای دعا، دلیل بخصوصی نیامده است، لکن از ضمیمه دعا به طلب حاجت به دست می‎آید که وضو برای دعا نیز مستحب است.

**الحادي عشر: زيارة الأئمّة (عليهم السّلام) و لو من بعيد.**

یازدهمین مورد از مواردی که وضو در حال حدث اصغر، مستحب است، وضو برای زیارت ائمه معصومین (ع) است؛ هرچند که از راه دور باشد.

صاحب جواهر (ره) گفته است که روایات زیادی در رابطه با داشتن طهارت برای زیارت ائمه (ع) وارد شده است که روایت ذیل از آن جمله است‎:

**عَنْ يُونُسَ بْنِ ظَبْيَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع)؛ قَالَ: «إِذَا أَرَدْتَ زِيَارَةَ قَبْرِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (ع) فَتَوَضَّأْ وَ اغْتَسِلْ وَ امْشِ عَلَى هَيْئَتِكَ...»**[[11]](http://hosseiniboshehri.ir/index.php/%D8%AF%D8%B1%D9%88%D8%B3/%D9%81%D9%82%D9%87/6487-%D9%81%D8%B5%D9%84%D9%8C-%D9%81%D9%8A-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%B6%D9%88%D8%A1%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%85%D8%B3%D8%AA%D8%AD%D8%A8%D8%A996-08-01.html" \l "_ftn11" \o ").

**الثاني عشر: سجدة الشكر أو التلاوة.**

دوازدهمین مورد از مواردی که وضو در حال حدث اصغر، مستحب است، وضو برای سجده شکر یا سجده تلاوت [سجده واجب قرآن] است.

دلیل استحباب وضو برای سجده شکر، روایت ذیل است:

**عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ الْحَجَّاجِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع)؛ أَنَّهُ قَالَ: «مَنْ سَجَدَ سَجْدَةَ الشُّكْرِ لِنِعْمَةٍ وَ هُوَ مُتَوَضِّئٌ  كَتَبَ اللَّهُ لَهُ بِهَا عَشْرَ صَلَوَاتٍ وَ مَحَا عَنْهُ عَشْرَ خَطَايَا عِظَامٍ»**[[12]](http://hosseiniboshehri.ir/index.php/%D8%AF%D8%B1%D9%88%D8%B3/%D9%81%D9%82%D9%87/6487-%D9%81%D8%B5%D9%84%D9%8C-%D9%81%D9%8A-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%B6%D9%88%D8%A1%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%85%D8%B3%D8%AA%D8%AD%D8%A8%D8%A996-08-01.html" \l "_ftn12" \o ").

عبدالرحمن بن حجاج از امام صادق (ع) نقل کرده است که آن حضرت (ع) فرموده است که کسی که به خاطر نعمتی سجده شکر را انجام دهد؛ در حالی که وضو داشته باشد، خداوند برای او ده نماز می‎نویسد و ده خطای بزرگ را از او می‎بخشد.

دلیل استحباب وضو برای سجده تلاوت قرآن، روایت ذیل است:

**عَنْ أَبِي بَصِيرٍ؛ قَالَ: قَالَ: إِذَا قُرِئَ شَيْ‌ءٌ مِنَ الْعَزَائِمِ الْأَرْبَعِ فَسَمِعْتَهَا فَاسْجُدْ وَ إِنْ كُنْتَ عَلَى غَيْرِ وُضُوءٍ...»**[[13]](http://hosseiniboshehri.ir/index.php/%D8%AF%D8%B1%D9%88%D8%B3/%D9%81%D9%82%D9%87/6487-%D9%81%D8%B5%D9%84%D9%8C-%D9%81%D9%8A-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%B6%D9%88%D8%A1%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%85%D8%B3%D8%AA%D8%AD%D8%A8%D8%A996-08-01.html" \l "_ftn13" \o ").

ابوبصیر در روایت مذکور گفته است که امام (ع) فرموده است که زمانی که چیزی از عزائم چهارگانه [سوره‎های چهارگانه که سجده واجب دارند] خوانده شود و تو آن را بشنوی، سجده کن؛ هرچند که وضو نداشته باشی.

این روایت بر استحباب وضو برای سجده تلاوت دلالت دارد.

**الثالث عشر: الأذان و الإِقامة، و الأظهر شرطيّته في الإِقامة.**

سیزدهمین مورد از مواردی که وضو در حال حدث اصغر، مستحب است، وضو برای أذان و إقامه است و أظهر شرطیت وضو در إقامه است [، یعنی وضو برای اقامه واجب است].

محقق (ره) گفته است که علما فتوا داده‎اند که مستحب است که کسی که أذان و إقامه می‎گوید وضو داشته باشد.

بعضی در استحباب وضو برای أذان و إقامه به روایات ذیل استناد کرده‎اند:

**قال رسول اللّه (ص): «حقّ و سنّة أن لا يؤذن واحد إلّا و هو طاهر»**[[14]](http://hosseiniboshehri.ir/index.php/%D8%AF%D8%B1%D9%88%D8%B3/%D9%81%D9%82%D9%87/6487-%D9%81%D8%B5%D9%84%D9%8C-%D9%81%D9%8A-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%B6%D9%88%D8%A1%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%85%D8%B3%D8%AA%D8%AD%D8%A8%D8%A996-08-01.html" \l "_ftn14" \o ").

**دَعَائِمُ الْإِسْلَامِ، عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ (ع)؛ قَالَ: «لَا بَأْسَ أَنْ يُؤَذِّنَ الرَّجُلُ عَلَى غَيْرِ طُهْرٍ وَ يَكُونُ عَلَى طُهْرٍ أَفْضَلُ وَ لَا يُقِيمُ إِلَّا عَلَى طُهْرٍ»****[[15]](http://hosseiniboshehri.ir/index.php/%D8%AF%D8%B1%D9%88%D8%B3/%D9%81%D9%82%D9%87/6487-%D9%81%D8%B5%D9%84%D9%8C-%D9%81%D9%8A-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%B6%D9%88%D8%A1%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%85%D8%B3%D8%AA%D8%AD%D8%A8%D8%A996-08-01.html" \l "_ftn15" \o ")‌.**

اما دلیل شرطیت وضو برای اقامه روایات ذیلند:

**عَنِ الْحَلَبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع)؛ قَالَ: «لَا بَأْسَ أَنْ يُؤَذِّنَ الرَّجُلُ مِنْ غَيْرِ وُضُوءٍ وَ لَا يُقِيمُ إِلَّا وَ هُوَ عَلَى وُضُوءٍ»**[[16]](http://hosseiniboshehri.ir/index.php/%D8%AF%D8%B1%D9%88%D8%B3/%D9%81%D9%82%D9%87/6487-%D9%81%D8%B5%D9%84%D9%8C-%D9%81%D9%8A-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%B6%D9%88%D8%A1%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%85%D8%B3%D8%AA%D8%AD%D8%A8%D8%A996-08-01.html" \l "_ftn16" \o ").

**عَنِ ابْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع)؛ قَالَ: «لَا بَأْسَ أَنْ تُؤَذِّنَ وَ أَنْتَ عَلَى غَيْرِ طَهُورٍ وَ لَا تُقِيمُ إِلَّا وَ أَنْتَ عَلَى وُضُوءٍ»**[[17]](http://hosseiniboshehri.ir/index.php/%D8%AF%D8%B1%D9%88%D8%B3/%D9%81%D9%82%D9%87/6487-%D9%81%D8%B5%D9%84%D9%8C-%D9%81%D9%8A-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%B6%D9%88%D8%A1%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%85%D8%B3%D8%AA%D8%AD%D8%A8%D8%A996-08-01.html" \l "_ftn17" \o ").

**«والحمدلله رب العالمین»**

[[1]](http://hosseiniboshehri.ir/index.php/%D8%AF%D8%B1%D9%88%D8%B3/%D9%81%D9%82%D9%87/6487-%D9%81%D8%B5%D9%84%D9%8C-%D9%81%D9%8A-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%B6%D9%88%D8%A1%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%85%D8%B3%D8%AA%D8%AD%D8%A8%D8%A996-08-01.html#_ftnref1). شیخ حر عاملی، وسائل الشیعة، ج1، کتاب الطهارة، ابواب الوضوء، باب5، ص374، ح1.

[[2]](http://hosseiniboshehri.ir/index.php/%D8%AF%D8%B1%D9%88%D8%B3/%D9%81%D9%82%D9%87/6487-%D9%81%D8%B5%D9%84%D9%8C-%D9%81%D9%8A-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%B6%D9%88%D8%A1%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%85%D8%B3%D8%AA%D8%AD%D8%A8%D8%A996-08-01.html#_ftnref2). همان، ج13، کتاب الحج، ابواب السعی، باب15، ص494، ح6.

[[3]](http://hosseiniboshehri.ir/index.php/%D8%AF%D8%B1%D9%88%D8%B3/%D9%81%D9%82%D9%87/6487-%D9%81%D8%B5%D9%84%D9%8C-%D9%81%D9%8A-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%B6%D9%88%D8%A1%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%85%D8%B3%D8%AA%D8%AD%D8%A8%D8%A996-08-01.html#_ftnref3). همان، ج3، کتاب الطهارة، ابواب صلاة الجنازة، باب21، ص110، ح2.

[[4]](http://hosseiniboshehri.ir/index.php/%D8%AF%D8%B1%D9%88%D8%B3/%D9%81%D9%82%D9%87/6487-%D9%81%D8%B5%D9%84%D9%8C-%D9%81%D9%8A-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%B6%D9%88%D8%A1%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%85%D8%B3%D8%AA%D8%AD%D8%A8%D8%A996-08-01.html#_ftnref4). محمد حسن، اصفهانی (فاضل هندی)، كشف اللثام و الإبهام عن قواعد الأحكام‌، ج1، ص122.

[[5]](http://hosseiniboshehri.ir/index.php/%D8%AF%D8%B1%D9%88%D8%B3/%D9%81%D9%82%D9%87/6487-%D9%81%D8%B5%D9%84%D9%8C-%D9%81%D9%8A-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%B6%D9%88%D8%A1%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%85%D8%B3%D8%AA%D8%AD%D8%A8%D8%A996-08-01.html#_ftnref5). يوسف بن احمد بن ابراهيم‌، بحرانی آل عصفور، الحدائق الناضرة في أحكام العترة الطاهرة‌، ج2، ص145.

[[6]](http://hosseiniboshehri.ir/index.php/%D8%AF%D8%B1%D9%88%D8%B3/%D9%81%D9%82%D9%87/6487-%D9%81%D8%B5%D9%84%D9%8C-%D9%81%D9%8A-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%B6%D9%88%D8%A1%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%85%D8%B3%D8%AA%D8%AD%D8%A8%D8%A996-08-01.html#_ftnref6). محمد حسن، نجفی (صاحب الجواهر)، جواهر الكلام في شرح شرائع الإسلام‌، ج1، ص15.

[[7]](http://hosseiniboshehri.ir/index.php/%D8%AF%D8%B1%D9%88%D8%B3/%D9%81%D9%82%D9%87/6487-%D9%81%D8%B5%D9%84%D9%8C-%D9%81%D9%8A-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%B6%D9%88%D8%A1%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%85%D8%B3%D8%AA%D8%AD%D8%A8%D8%A996-08-01.html#_ftnref7). سید محسن، طباطبایی حکیم، مستمسک العروة الوثقی، ج2، ص291.

[[8]](http://hosseiniboshehri.ir/index.php/%D8%AF%D8%B1%D9%88%D8%B3/%D9%81%D9%82%D9%87/6487-%D9%81%D8%B5%D9%84%D9%8C-%D9%81%D9%8A-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%B6%D9%88%D8%A1%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%85%D8%B3%D8%AA%D8%AD%D8%A8%D8%A996-08-01.html#_ftnref8). شیخ حر عاملی، وسائل الشیعة، ج6، کتاب الصلاة، ابواب قراءة القرآن، باب13، ص196، ح2.

[[9]](http://hosseiniboshehri.ir/index.php/%D8%AF%D8%B1%D9%88%D8%B3/%D9%81%D9%82%D9%87/6487-%D9%81%D8%B5%D9%84%D9%8C-%D9%81%D9%8A-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%B6%D9%88%D8%A1%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%85%D8%B3%D8%AA%D8%AD%D8%A8%D8%A996-08-01.html#_ftnref9). همان، ج1، کتاب الطهارة، ابواب الوضوء، باب12، ص384، ح4.

[[10]](http://hosseiniboshehri.ir/index.php/%D8%AF%D8%B1%D9%88%D8%B3/%D9%81%D9%82%D9%87/6487-%D9%81%D8%B5%D9%84%D9%8C-%D9%81%D9%8A-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%B6%D9%88%D8%A1%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%85%D8%B3%D8%AA%D8%AD%D8%A8%D8%A996-08-01.html#_ftnref10). همان، باب6، ص374، ح1.

[[11]](http://hosseiniboshehri.ir/index.php/%D8%AF%D8%B1%D9%88%D8%B3/%D9%81%D9%82%D9%87/6487-%D9%81%D8%B5%D9%84%D9%8C-%D9%81%D9%8A-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%B6%D9%88%D8%A1%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%85%D8%B3%D8%AA%D8%AD%D8%A8%D8%A996-08-01.html#_ftnref11). همان، ج14، کتاب الحج، ابواب المزار، باب29، ص390، ح1.

[[12]](http://hosseiniboshehri.ir/index.php/%D8%AF%D8%B1%D9%88%D8%B3/%D9%81%D9%82%D9%87/6487-%D9%81%D8%B5%D9%84%D9%8C-%D9%81%D9%8A-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%B6%D9%88%D8%A1%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%85%D8%B3%D8%AA%D8%AD%D8%A8%D8%A996-08-01.html#_ftnref12). همان، ج7، کتاب الصلاة، ابواب سجدتی الشکر، باب1، ص5، ح1.

[[13]](http://hosseiniboshehri.ir/index.php/%D8%AF%D8%B1%D9%88%D8%B3/%D9%81%D9%82%D9%87/6487-%D9%81%D8%B5%D9%84%D9%8C-%D9%81%D9%8A-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%B6%D9%88%D8%A1%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%85%D8%B3%D8%AA%D8%AD%D8%A8%D8%A996-08-01.html" \l "_ftnref13" \o "). همان، ج6، کتاب الصلاة، ابواب قراءة القرآن، باب42، ص240، ح2.

[[14]](http://hosseiniboshehri.ir/index.php/%D8%AF%D8%B1%D9%88%D8%B3/%D9%81%D9%82%D9%87/6487-%D9%81%D8%B5%D9%84%D9%8C-%D9%81%D9%8A-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%B6%D9%88%D8%A1%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%85%D8%B3%D8%AA%D8%AD%D8%A8%D8%A996-08-01.html" \l "_ftnref14" \o "). سنن بیهقی، ج1، ص397.

[[15]](http://hosseiniboshehri.ir/index.php/%D8%AF%D8%B1%D9%88%D8%B3/%D9%81%D9%82%D9%87/6487-%D9%81%D8%B5%D9%84%D9%8C-%D9%81%D9%8A-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%B6%D9%88%D8%A1%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%85%D8%B3%D8%AA%D8%AD%D8%A8%D8%A996-08-01.html" \l "_ftnref15" \o "). محدث نوری، مستدرك الوسائل و مستنبط المسائل، ج4، کتاب الصلاة، ابواب الأذان و الإقامة، باب8، ص24، ح2.

[[16]](http://hosseiniboshehri.ir/index.php/%D8%AF%D8%B1%D9%88%D8%B3/%D9%81%D9%82%D9%87/6487-%D9%81%D8%B5%D9%84%D9%8C-%D9%81%D9%8A-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%B6%D9%88%D8%A1%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%85%D8%B3%D8%AA%D8%AD%D8%A8%D8%A996-08-01.html" \l "_ftnref16" \o "). شیخ حر عاملی، وسائل الشیعة، ج5، کتاب الصلاة، ابواب الأذان و الإقامة، باب9، ص391، ح2.

[[17]](http://hosseiniboshehri.ir/index.php/%D8%AF%D8%B1%D9%88%D8%B3/%D9%81%D9%82%D9%87/6487-%D9%81%D8%B5%D9%84%D9%8C-%D9%81%D9%8A-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%B6%D9%88%D8%A1%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%85%D8%B3%D8%AA%D8%AD%D8%A8%D8%A996-08-01.html" \l "_ftnref17" \o "). همان، ص392، ح3.

**فصلٌ في الوضوءات المستحبة96/08/02**

|  |
| --- |
| درس خارج فقه حضرت آیت الله حسینی بوشهری (دامت برکاته)  **موضوع کلی:** **فصلٌ في الوضوءات المستحبة                                                 تاریخ:** **2** آبان 1396  **موضوع جزئی: اقسام وضوی مستحب                                                                    مصادف با: 4** صفر 1439  **سال تحصیلی: 97-** **96                                                                                     جلسه:** **15** |

  «الحمدلله رب العالمين و صلي‌الله علي محمد و آله الطاهرين و اللعن علي اعدائهم اجمعين»

**الرابع عشر: دخول الزوج على الزوجة ليلة الزفاف بالنسبة إلى كلّ منهما.**

چهاردهمین مورد از مواردی که وضو در حال حدث اصغر، مستحب است، وضوی زوج و زوجه در شب زفاف است.

دلیل حکم مذکور، روایت ذیل است:

**عَنْ أَبِي بَصِيرٍ؛ قَالَ: سَمِعْتُ رَجُلًا وَ هُوَ يَقُولُ لِأَبِي جَعْفَرٍ (ع): جُعِلْتُ فِدَاكَ إِنِّي رَجُلٌ قَدْ أَسْنَنْتُ وَ قَدْ تَزَوَّجْتُ امْرَأَةً بِكْراً صَغِيرَةً وَ لَمْ أَدْخُلْ بِهَا وَ أَنَا أَخَافُ إِذَا أُدْخِلَ بِهَا عَلَيَّ فَرَأَتْنِي أَنْ تَكْرَهَنِي لِخِضَابِي وَ كِبَرِي، فَقَالَ أَبُو جَعْفَرٍ (ع): «إِذَا دَخَلْتَ فَمُرْهُمْ قَبْلَ أَنْ تَصِلَ إِلَيْكَ أَنْ تَكُونَ مُتَوَضِّئَةً ثُمَّ أَنْتَ لَا تَصِلُ إِلَيْهَا حَتَّى تَتَوَضَّأَ وَ تُصَلِّيَ رَكْعَتَيْنِ** **ثُمَّ مَجِّدِ اللَّهَ وَ صَلِّ** **عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ ثُمَّ ادْعُ اللَّهَ وَ مُرْ مَنْ مَعَهَا أَنْ يُؤَمِّنُوا عَلَى دُعَائِكَ وَ قُلِ اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي إِلْفَهَا وَ وُدَّهَا وَ رِضَاهَا وَ أَرْضِنِي بِهَا وَ اجْمَعْ بَيْنَنَا بِأَحْسَنِ اجْتِمَاعٍ وَ آنَسِ ائْتِلَافٍ فَإِنَّكَ تُحِبُّ الْحَلَالَ وَ تَكْرَهُ الْحَرَامَ ‌...»**[[1]](http://hosseiniboshehri.ir/index.php/%D8%AF%D8%B1%D9%88%D8%B3/%D9%81%D9%82%D9%87/6492-%D9%81%D8%B5%D9%84%D9%8C-%D9%81%D9%8A-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%B6%D9%88%D8%A1%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%85%D8%B3%D8%AA%D8%AD%D8%A8%D8%A996-08-02.html" \l "_ftn1" \o ")‌.

ابو بصیر در روایت صحیحه مذکور، گفته است که از شخصی شنیدم که به امام باقر (ع) گفت که فدایت شوم، من مردی هستم که به سنت عمل کرده‎ام و با زن باکره کم سن و سالی ازدواج کرده‎ام و به او دخول نکرده‎ام و می‎ترسم که اگر بر او داخل شوم و مرا ببیند، به خاطر سن زیادم و خضابی که کرده‎ام از من کراهت پیدا کند، امام باقر (ع) فرمود که زمانی که بر او وارد شدی، به او بگو که قبل از اینکه نزد تو بیاید، وضو بگیرد و تو نیز قبل از ورود بر او وضو بگیر و دو رکعت نماز بخوانی... .

اشکال

دلالت روایت مذکور بر مدعا [استحباب وضوی زوج و زوجه در شب زفاف] تمام نیست زیرا احتمال دارد که امر به وضو که در روایت مذکور آمده است به خاطر نمازی است که به خواندن آن امر شده است و یا به خاطر خواندن دعایی است که در ذیل روایت مذکور آمده است؛ از باب اینکه وضو گرفتن برای دعا مستحب است. پس وضو گرفتن مرد به خاطر نماز خواندن یا دعا خواندن است.

وضو گرفتن زن نیز به خاطر ایجاد الفت بین زن [که سنش کم است] و مرد [که سنش زیاد و خضاب کرده است،] می‎باشد.

بنابراین، روایت مذکور، به طور مطلق بر استحباب وضوی زن و مرد در شب زفاف دلالت ندارد و از متن روایت چنین اطلاقی استفاده نمی‎شود، بلکه متن روایت بر وضوی مرد به خاطر خواندن نماز و دعا دلالت دارد و وضو گرفتن زن نیز به خاطر ایجاد الفت بین زن و مرد است لذا این‎گونه نیست که وضو گرفتن صرفاً به خاطر زفاف باشد.

**الخامس عشر: ورود المسافر على أهله، فيستحبّ قبله.**

پانزدهمین مورد از مواردی که وضو در حال حدث اصغر، مستحب است، وضوی مسافر قبل از ورود بر خانواده‎اش است.

دلیل حکم مذکور، روایت ذیل است:

**روي عن الصادق (ع): من قدم من سفر فدخل على أهله و هو على غير وضوء و رأى ما يكره فلا يلومن إلا نفسه»**[[2]](http://hosseiniboshehri.ir/index.php/%D8%AF%D8%B1%D9%88%D8%B3/%D9%81%D9%82%D9%87/6492-%D9%81%D8%B5%D9%84%D9%8C-%D9%81%D9%8A-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%B6%D9%88%D8%A1%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%85%D8%B3%D8%AA%D8%AD%D8%A8%D8%A996-08-02.html#_ftn2).

صدوق در روایت مرسله مذکور از امام صادق (ع) نقل کرده است که آن حضرت (ع) فرموده است که کسی که از سفر برگشت و بر خانواده‎اش وارد شد و وضو نداشت و امر ناخوشایندی برای او پیش آمد، ملامت نکند مگر خودش را.

از فحوای روایت مذکور، استفاده شده است که وضو داشتن مسافر، هنگام ورود بر اهل خانه، امری مفروغٌ‎عنه است لذا در روایت آمده است که اگر کسی بدون وضو وارد شد و چیز ناخوشایندی را دید، خودش را ملامت کند.‌‎

**السادس عشر: النوم.**

شانزدهمین مورد از مواردی که وضو در حال حدث اصغر، مستحب است، وضو قبل از خواب است.

دلیل حکم مذکور، روایت ذیل است:

**عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع)؛ قَالَ: «مَنْ تَطَهَّرَ ثُمَّ أَوَى إِلَى فِرَاشِهِ بَاتَ وَ فِرَاشُهُ كَمَسْجِدِهِ»**[[3]](http://hosseiniboshehri.ir/index.php/%D8%AF%D8%B1%D9%88%D8%B3/%D9%81%D9%82%D9%87/6492-%D9%81%D8%B5%D9%84%D9%8C-%D9%81%D9%8A-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%B6%D9%88%D8%A1%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%85%D8%B3%D8%AA%D8%AD%D8%A8%D8%A996-08-02.html" \l "_ftn3" \o ").

امام صادق (ع) در روایت مذکور فرموده است که اگر کسی وضو گرفت و سپس به سمت رختخوابش رفت و خوابید، رختخوابش مثل مسجدش است [، یعنی رختخواب حکم مسجد را پیدا می‎کند].

**السابع عشر: مقاربة الحامل.**

هفدهمین مورد از مواردی که وضو در حال حدث اصغر، مستحب است، وضو قبل از نزدیکی کردن با زن باردار است.

دلیل حکم مذکور، روایت ذیل است:

**عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْخُدْرِيِّ فِي وَصِيَّةِ النَّبِيِّ (ص) لِعَلِيٍّ (ع)؛ قَالَ: «يَا عَلِيُّ إِذَا حَمَلَتِ امْرَأَتُكَ فَلَا تُجَامِعْهَا إِلَّا وَ أَنْتَ عَلَى وُضُوءٍ فَإِنَّهُ إِنْ قُضِيَ بَيْنَكُمَا وَلَدٌ يَكُونُ أَعْمَى الْقَلْبِ بَخِيلَ الْيَدِ»**[[4]](http://hosseiniboshehri.ir/index.php/%D8%AF%D8%B1%D9%88%D8%B3/%D9%81%D9%82%D9%87/6492-%D9%81%D8%B5%D9%84%D9%8C-%D9%81%D9%8A-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%B6%D9%88%D8%A1%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%85%D8%B3%D8%AA%D8%AD%D8%A8%D8%A996-08-02.html" \l "_ftn4" \o ").

ابو سعید خدری گفته است که در وصیتی که پیامبر اکرم (ص) برای امیرالمؤمنین علی (ع) داشت، فرمود که یا علی (ع) اگر خانمت باردار بود، با او همبستر نشو مگر زمانی که وضو بگیری، همانا اگر [وضو نداشته باشی و] فرزندی بین شما شکل بگیرد، قلبش تاریک و دستش بخیل خواهد بود.

**الثامن عشر: جلوس القاضي في مجلس القضاء.**

هجدهمین مورد از مواردی که وضو در حال حدث اصغر، مستحب است، وضوی قاضی است زمانی که در مجلس قضاوت می‎نشیند.

صاحب جواهر (ره) فرموده است: **«و لم نقف له على دليل بالخصوص كما اعترف به كاشف اللثام و الحدائق لكنه ذكره بعض الفقهاء و يحتمل ان يلحق به كل مجلس انعقد لطاعة الله كمجلس الدرس و الوعظ و غيرهما لكن قد عرفت ان الملحق به غير ثابت»**[[5]](http://hosseiniboshehri.ir/index.php/%D8%AF%D8%B1%D9%88%D8%B3/%D9%81%D9%82%D9%87/6492-%D9%81%D8%B5%D9%84%D9%8C-%D9%81%D9%8A-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%B6%D9%88%D8%A1%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%85%D8%B3%D8%AA%D8%AD%D8%A8%D8%A996-08-02.html" \l "_ftn5" \o ").

آیت الله شیخ مرتضی حائری (ره) فرموده است: **«و يمكن أن يكون الجلوس المذكور داخلًا في عنوان طلب الحاجة»**[[6]](http://hosseiniboshehri.ir/index.php/%D8%AF%D8%B1%D9%88%D8%B3/%D9%81%D9%82%D9%87/6492-%D9%81%D8%B5%D9%84%D9%8C-%D9%81%D9%8A-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%B6%D9%88%D8%A1%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%85%D8%B3%D8%AA%D8%AD%D8%A8%D8%A996-08-02.html#_ftn6)؛ ممکن است که جلوس قاضی در مجلس قضا در عنوان طلب حاجت داخل شود [، یعنی استحباب وضو از باب طلب حاجت باشد].

بعضی از بزرگان گفته‎اند که منصب قضاوت، منصبی سخت و دشوار است و از مناصبی است که شیطان در آن طمع می‎کند و سعی می‎کند که نظر قاضی را از حق منصرف کند و برگرداند پس منصب قضاوت یکی از کمین‎گاه‎های شیطان است لذا یکی از راه‎های مقابله با نفوذ شیطان، وضو گرفتن است که شاید وضو گرفتن بتواند مانع نفوذ شیطان در شخص قاضی شود.

**التاسع عشر: الكون على الطهارة.**

نوزدهمین مورد از مواردی که وضو در حال حدث اصغر، مستحب است، وضو به خاطر طهارت داشتن است.

دلیل حکم مذکور، آیه ذیل است:

**«...إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ التَّوَّابِينَ وَ يُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِينَ»**[[7]](http://hosseiniboshehri.ir/index.php/%D8%AF%D8%B1%D9%88%D8%B3/%D9%81%D9%82%D9%87/6492-%D9%81%D8%B5%D9%84%D9%8C-%D9%81%D9%8A-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%B6%D9%88%D8%A1%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%85%D8%B3%D8%AA%D8%AD%D8%A8%D8%A996-08-02.html" \l "_ftn7" \o ").

وضو داشتن نزد خداوند متعال، محبوب است لذا وضو به منظور طهارت داشتن، مستحب است چون محبوب خدای متعال است.

**العشرون: مسّ كتابة القرآن في صورة عدم وجوبه و هو شرط في جوازه كما مرّ و قد عرفت أنّ الأقوى استحبابه نفسيّاً أيضاً.**

بیستمین مورد از مواردی که وضو در حال حدث اصغر، مستحب است، وضو برای مس کتابت قرآن است، در صورتی که مس کتابت قرآن واجب نباشد [، مثل موردی که تطهیر قرآن ملازم با مس کتابت آن باشد که در این صورت مس کتابت قرآن واجب است] که در این صورت وضو شرط در جواز مس کتابت قرآن است و همان‎طور که سابقاً عرض شد، أقوی این است که وضو استحباب نفسی دارد [، یعنی وضو گرفتن بدون ترتب هیچ غایتی بر آن، مستحب است].

**«و أمّا القسم الثاني: فهو الوضوء للتجديد و الظاهر جوازه ثالثاً و رابعاً فصاعداً أيضاً و أمّا الغسل فلا يستحبّ فيه التجديد، بل و لا الوضوء بعد غسل الجنابة و إن طالت المدّة»[[8]](http://hosseiniboshehri.ir/index.php/%D8%AF%D8%B1%D9%88%D8%B3/%D9%81%D9%82%D9%87/6492-%D9%81%D8%B5%D9%84%D9%8C-%D9%81%D9%8A-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%B6%D9%88%D8%A1%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%85%D8%B3%D8%AA%D8%AD%D8%A8%D8%A996-08-02.html" \l "_ftn8" \o ").**

مرحوم سید (ره) نوشته است که قسم دوم از اقسام وضوهای مستحبی [که در حال طهارت از حدث اصغر، مستحب است] وضویی است که تجدید می‎شود و ظاهر این است که مرتبه سوم و چهارم و بیشتر نیز جایز است [، یعنی اشکالی ندارد که شخص با اینکه وضو دارد دوباره و چندباره وضو بگیرد]، اما در رابطه با غُسل نوشته است که تجدید آن مستحب نیست، بلکه وضو گرفتن بعد از غُسل جنابت نیز مستحب نیست؛ هرچند که زمانی که از غُسل گذشته است طولانی باشد.

روایاتی در رابطه با این قسم [قسم دوم] وارد شده‎اند که روایات ذیل از آن جمله‎اند:

روایت اول: **عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ‌ (ع)؛ قَالَ: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (ع): «الْوُضُوءُ بَعْدَ الطَّهُورِ عَشْرُ حَسَنَاتٍ فَتَطَهَّرُوا»**[[9]](http://hosseiniboshehri.ir/index.php/%D8%AF%D8%B1%D9%88%D8%B3/%D9%81%D9%82%D9%87/6492-%D9%81%D8%B5%D9%84%D9%8C-%D9%81%D9%8A-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%B6%D9%88%D8%A1%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%85%D8%B3%D8%AA%D8%AD%D8%A8%D8%A996-08-02.html#_ftn9).

امام صادق (ع) در روایت مذکور از امام علی (ع) نقل کرده است که آن حضرت فرموده است که وضوی بعد از طهارت ده حسنه دارد، پس وضو بگیرید.

روایت دوم: **عَنِ الْمُفَضَّلِ بْنِ عُمَرَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع)؛ قَالَ: «مَنْ جَدَّدَ وُضُوءَهُ لِغَيْرِ حَدَثٍ جَدَّدَ اللَّهُ تَوْبَتَهُ مِنْ غَيْرِ اسْتِغْفَارٍ»**[[10]](http://hosseiniboshehri.ir/index.php/%D8%AF%D8%B1%D9%88%D8%B3/%D9%81%D9%82%D9%87/6492-%D9%81%D8%B5%D9%84%D9%8C-%D9%81%D9%8A-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%B6%D9%88%D8%A1%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%85%D8%B3%D8%AA%D8%AD%D8%A8%D8%A996-08-02.html" \l "_ftn10" \o ").

مفضل بن عمر از امام صادق (ع) نقل کرده است که آن حضرت (ع) فرموده است که هر کسی که وضوی خود را بدون اینکه حدثی از او سر زده باشد، تجدید کند [، یعنی در عین حال که طهارت دارد دوباره وضو بگیرد]، خداوند متعال توبه او را بدون اینکه استغفار کند، تجدید خواهد کرد [، یعنی بدون اینکه شخص استغار کرده باشد، خداوند برای او توبه محسوب خواهد کرد].

**«والحمدلله رب العالمین»**

[[1]](http://hosseiniboshehri.ir/index.php/%D8%AF%D8%B1%D9%88%D8%B3/%D9%81%D9%82%D9%87/6492-%D9%81%D8%B5%D9%84%D9%8C-%D9%81%D9%8A-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%B6%D9%88%D8%A1%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%85%D8%B3%D8%AA%D8%AD%D8%A8%D8%A996-08-02.html#_ftnref1). شیخ حر عاملی، وسائل الشیعة، ج20، کتاب النکاح، ابواب مقدمات النکاح و آدابه، باب55، ص115، ح1.

[[2]](http://hosseiniboshehri.ir/index.php/%D8%AF%D8%B1%D9%88%D8%B3/%D9%81%D9%82%D9%87/6492-%D9%81%D8%B5%D9%84%D9%8C-%D9%81%D9%8A-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%B6%D9%88%D8%A1%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%85%D8%B3%D8%AA%D8%AD%D8%A8%D8%A996-08-02.html#_ftnref2). سید محسن، طباطبایی حکیم، مستمسک العروة الوثقی، ج2، کتاب الطهارة، فصل فی الوضوءات المستحبة، ص293.

[[3]](http://hosseiniboshehri.ir/index.php/%D8%AF%D8%B1%D9%88%D8%B3/%D9%81%D9%82%D9%87/6492-%D9%81%D8%B5%D9%84%D9%8C-%D9%81%D9%8A-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%B6%D9%88%D8%A1%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%85%D8%B3%D8%AA%D8%AD%D8%A8%D8%A996-08-02.html#_ftnref3). شیخ حر عاملی، وسائل الشیعة، ج1، کتاب الطهارة، ابواب الوضوء ، باب9، ص378، ح1.

[[4]](http://hosseiniboshehri.ir/index.php/%D8%AF%D8%B1%D9%88%D8%B3/%D9%81%D9%82%D9%87/6492-%D9%81%D8%B5%D9%84%D9%8C-%D9%81%D9%8A-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%B6%D9%88%D8%A1%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%85%D8%B3%D8%AA%D8%AD%D8%A8%D8%A996-08-02.html#_ftnref4). همان، باب13، ص385، ح1.

[[5]](http://hosseiniboshehri.ir/index.php/%D8%AF%D8%B1%D9%88%D8%B3/%D9%81%D9%82%D9%87/6492-%D9%81%D8%B5%D9%84%D9%8C-%D9%81%D9%8A-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%B6%D9%88%D8%A1%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%85%D8%B3%D8%AA%D8%AD%D8%A8%D8%A996-08-02.html#_ftnref5). محمد حسن، نجفی (صاحب الجواهر)، جواهر الكلام في شرح شرائع الإسلام‌، ج1، ص21.

[[6]](http://hosseiniboshehri.ir/index.php/%D8%AF%D8%B1%D9%88%D8%B3/%D9%81%D9%82%D9%87/6492-%D9%81%D8%B5%D9%84%D9%8C-%D9%81%D9%8A-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%B6%D9%88%D8%A1%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%85%D8%B3%D8%AA%D8%AD%D8%A8%D8%A996-08-02.html#_ftnref6). مرتضی بن عبدالکریم، حائری یزدی، شرح العروة الوثقی، ج3، ص73.

[[7]](http://hosseiniboshehri.ir/index.php/%D8%AF%D8%B1%D9%88%D8%B3/%D9%81%D9%82%D9%87/6492-%D9%81%D8%B5%D9%84%D9%8C-%D9%81%D9%8A-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%B6%D9%88%D8%A1%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%85%D8%B3%D8%AA%D8%AD%D8%A8%D8%A996-08-02.html#_ftnref7). «البقرة»: 222.

[[8]](http://hosseiniboshehri.ir/index.php/%D8%AF%D8%B1%D9%88%D8%B3/%D9%81%D9%82%D9%87/6492-%D9%81%D8%B5%D9%84%D9%8C-%D9%81%D9%8A-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%B6%D9%88%D8%A1%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%85%D8%B3%D8%AA%D8%AD%D8%A8%D8%A996-08-02.html#_ftnref8). سید محمدکاظم، طباطبایی یزدی، العروة الوثقی، ج1، ص195.

[[9]](http://hosseiniboshehri.ir/index.php/%D8%AF%D8%B1%D9%88%D8%B3/%D9%81%D9%82%D9%87/6492-%D9%81%D8%B5%D9%84%D9%8C-%D9%81%D9%8A-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%B6%D9%88%D8%A1%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%85%D8%B3%D8%AA%D8%AD%D8%A8%D8%A996-08-02.html#_ftnref9). شیخ حر عاملی، وسائل الشیعة، ج1، کتاب الطهارة، ابواب الوضوء، باب8، ص378، ح10.

[[10]](http://hosseiniboshehri.ir/index.php/%D8%AF%D8%B1%D9%88%D8%B3/%D9%81%D9%82%D9%87/6492-%D9%81%D8%B5%D9%84%D9%8C-%D9%81%D9%8A-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%B6%D9%88%D8%A1%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%85%D8%B3%D8%AA%D8%AD%D8%A8%D8%A996-08-02.html#_ftnref10). همان، ص377، ح7.

**فصلٌ في الوضوءات المستحبة 96/08/06**

|  |
| --- |
| درس خارج فقه حضرت آیت الله حسینی بوشهری (دامت برکاته)  **موضوع کلی:** **فصلٌ في الوضوءات المستحبة                                                تاریخ:** **6** آبان 1396  **موضوع جزئی: اقسام وضوی مستحب                                                                   مصادف با: 8** صفر 1439  **سال تحصیلی: 98-** **97                                                                                     جلسه:** **16** |

  «الحمدلله رب العالمين و صلي‌الله علي محمد و آله الطاهرين و اللعن علي اعدائهم اجمعين»

بحث در قسم دوم از اقسام وضوهای مستحبی [که در حال طهارت از حدث اصغر، مستحب است]، یعنی وضوی تجدیدی بود. به دو روایت در رابطه با این قسم از وضوهای مستحبی اشاره شد که از این دو روایت استفاده شده بود که وضوی تجدیدی مستحب است، یعنی مستحب است که شخص با اینکه وضو و طهارت دارد دوباره وضو بگیرد.

اشکال به روایت دوم

روایت مذکور [**عَنِ الْمُفَضَّلِ بْنِ عُمَرَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع)؛ قَالَ: «مَنْ جَدَّدَ وُضُوءَهُ لِغَيْرِ حَدَثٍ جَدَّدَ اللَّهُ تَوْبَتَهُ مِنْ غَيْرِ اسْتِغْفَارٍ»**[[1]](http://hosseiniboshehri.ir/index.php/%D8%AF%D8%B1%D9%88%D8%B3/%D9%81%D9%82%D9%87/6494-%D9%81%D8%B5%D9%84%D9%8C-%D9%81%D9%8A-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%B6%D9%88%D8%A1%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%85%D8%B3%D8%AA%D8%AD%D8%A8%D8%A9-96-08-06.html" \l "_ftn1" \o ").]، نمی‎تواند مدعا [استحباب وضوی تجدیدی] را ثابت کند و اصل دلالت روایت بر استحباب وضوی تجدیدی محل اشکال است تا چه رسد به اینکه از این روایت اطلاق گیری شود زیرا «لغیر حدث» که در روایت آمده است بر این دلالت دارد که تجدید وضو باید به خاطر غایتی غیر از حدث باشد و منظور این نیست که اصلاً غایتی نداشته باشد و یا اینکه غایت آن، تجدید باشد.

پاسخ از اشکال مذکور

به نظر می‎رسد که اشکال مذکور، وارد نباشد چون در روایت آمده است «جدَّدَ وضوءَهَ لغیر حدث» و این حاکی از این است که حدثی در کار نیست و شخص وضویش را تجدید می‎کند و دوباره وضو می‎گیرد.

مرحوم سید (ره) در ادامه نوشته است: **«و أمّا الغسل فلا يستحبّ فيه التجديد، بل و لا الوضوء بعد غسل الجنابة و إن طالت المدّة»**[[2]](http://hosseiniboshehri.ir/index.php/%D8%AF%D8%B1%D9%88%D8%B3/%D9%81%D9%82%D9%87/6494-%D9%81%D8%B5%D9%84%D9%8C-%D9%81%D9%8A-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%B6%D9%88%D8%A1%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%85%D8%B3%D8%AA%D8%AD%D8%A8%D8%A9-96-08-06.html" \l "_ftn2" \o ").

به نظر مرحوم سید (ره) غسل تجدیدی استحباب ندارد، بلکه وضوی بعد از غسل جنابت نیز استحباب ندارد؛ هرچند که زمانی طولانی از غُسل گذشته باشد.

بعضی گفته‎اند که اطلاق بعضی از روایاتی که در رابطه با استحباب وضوی تجدیدی وارد شده‎اند؛ از جمله روایت ذیل، غُسل را نیز شامل می‎شوند:

**عَنْ أَحْمَدَ بْنِ إِسْحَاقَ عَنْ سَعْدَانَ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع)؛ قَالَ: «الطُّهْرُ عَلَى الطُّهْرِ عَشْرُ حَسَنَاتٍ»**[[3]](http://hosseiniboshehri.ir/index.php/%D8%AF%D8%B1%D9%88%D8%B3/%D9%81%D9%82%D9%87/6494-%D9%81%D8%B5%D9%84%D9%8C-%D9%81%D9%8A-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%B6%D9%88%D8%A1%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%85%D8%B3%D8%AA%D8%AD%D8%A8%D8%A9-96-08-06.html" \l "_ftn3" \o ").

امام صادق (ع) در روایت مذکور، فرموده است که طهارت بعد از طهارت ده حسنه دارد.

البته عده‎ای گفته‎اند که چون در سایر روایات، تعبیر «الوضوء علی الوضوء» آمده است، این تعبیر قرینه است بر اینکه منظور از «الطهر علی الطهر»، وضو می‎باشد لذا روایت مذکور، نمی‎تواند دلیل بر استحباب غُسل تجدیدی باشد.

دو نکته در رابطه با قسم دوم از اقسام وضوی استحبابی قابل ذکر است:

**نکته اول اینکه،** همان‎طور که تجدید، یک امر قصدی است، یعنی شخص وقتی دوباره وضو می‎گیرد، نیت می‎کند که وضوی دوم، تجدید وضوی اول است. اما گاهی نیاز به قصد ندارد، بلکه انطباق قهری برای ترتب آثار کفایت می‎کند؛ مثلاً اگر شخصی که طهارت و وضو دارد، به اعتقاد اینکه حدثی از او سر زده است و وضویش باطل شده است برای رفع حدث اصغر، وضو گرفت، سپس معلوم شد که وضوی اول او باطل نشده است، در این صورت؛ هرچند که هنگامی که برای مرتبه دوم وضو گرفته است قصد تجدید نکرده است، لکن با انطباق قهری، وضوی دومی که گرفته است، وضوی تجدیدی و مستحبی می‎شود زیرا تعبیر «الطُّهْرُ عَلَى الطُّهْرِ عَشْرُ حَسَنَاتٍ» که در روایت آمده است، اطلاق دارد و این اطلاق اعم از این است که انسان بداند که وضو و طهارت دارد و دوباره وضو بگیرد و یا اینکه نداند که وضو دارد و وضو بگیرد و بعد مشخص شود که وضو داشته است لذا در جایی که شخص وضو بگیرد و بعد مشخص شود که وضو داشته است، وضوی دوم او قهراً بر وضوی تجدیدی منطبق خواهد شد؛ هرچند که وضوی تجدیدی را قصد نکرده است.

**نکته دوم اینکه،** مقتضای اطلاق روایاتی که در رابطه با استحباب وضوی تجدیدی وارد شده‎اند این است که وضوی تجدیدی وضویی را بدون فاصله از وضوی اول گرفته می‎شود را نیز شامل می‎شود بنابراین، از نظر زمانی، حد و مرز مشخصی برای وضوی تجدیدی وجود ندارد لذا اگر شخص بعد از وضوی اولی که گرفته است بلافاصله دوباره وضو بگیرد، مشکلی ندارد و وضوی تجدیدی محسوب می‎شود.

البته فقها گفته‎اند که سزاوار این است که وضوی دوم با تأخیر از وضوی اول صورت گرفته باشد لذا وضویی که بلافاصله بعد از وضوی اول گرفته شود، وضوی تجدید محسوب نمی‎شود و استحبابی ندارد و آنچه که از وضوی تجدیدی به ذهن متبادر می‎شود این است که انسان با اینکه وضو دارد، برای چیزی که مشروط به طهارت است دوباره وضو بگیرد و الا اگر انسان پشت سر هم وضویش را تکرار کند، وضوی تجدیدی محسوب نمی‎شود و استحبابی ندارد.

مرحوم سید (ره) در ادامه نوشته است:

**«و أمّا القسم الثالث فلأُمور؛**

**الأوّل: لذكر الحائض في مصلّاها مقدار الصلاة؛**

**الثاني: لنوم الجنب و أكله و شربه و جماعه و تغسيله الميّت؛**

**الثالث: لجماع مَن مسّ الميّت و لم يغتسل بعد؛**

**الرابع: لتكفين الميّت أو دفنه بالنسبة إلى من غسّله و لم يغتسل غسل المسّ»**[[4]](http://hosseiniboshehri.ir/index.php/%D8%AF%D8%B1%D9%88%D8%B3/%D9%81%D9%82%D9%87/6494-%D9%81%D8%B5%D9%84%D9%8C-%D9%81%D9%8A-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%B6%D9%88%D8%A1%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%85%D8%B3%D8%AA%D8%AD%D8%A8%D8%A9-96-08-06.html" \l "_ftn4" \o ").

مرحوم سید (ره) نوشته است که قسم سوم از وضوهای مستحبی [وضویی که در حال حدث اکبر مستحب است که این وضو مفید طهارت نیست، بلکه رافع کراهت است، مثل اینکه شخص جنب وقتی وضو بگیرد، کراهت غذا خوردن از او رفع می‎شود یا اینکه وضو باعث کمال در فعلی می‎شود که انجام می‎دهد، مثل وضو گرفتن جنب برای خواب و وضوی حائض برای ذکر گفتن در مصلایش] به خاطر امور ذیل است:

**الأوّل: لذكر الحائض في مصلّاها مقدار الصلاة.**

اولین مورد، از مواردی که وضو در حال حدث اکبر مستحب است، وضوی حائض است برای اینکه در مصلای خود، به مقدار زمان نماز خواندن، ذکر بگوید.

دلیل حکم مذکور، علاوه بر شهرت بین فقها، روایت صحیحه ذیل است:

**عَنْ زُرَارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (ع)؛ قَالَ: «إِذَا كَانَتِ الْمَرْأَةُ طَامِثاً فَلَا تَحِلُّ لَهَا الصَّلَاةُ وَ عَلَيْهَا أَنْ تَتَوَضَّأَ وُضُوءَ الصَّلَاةِ عِنْدَ وَقْتِ كُلِّ صَلَاةٍ ثُمَّ تَقْعُدُ فِي مَوْضِعٍ طَاهِرٍ فَتَذْكُرُ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ وَ تُسَبِّحُهُ وَ تُهَلِّلُهُ وَ تَحْمَدُهُ كَمِقْدَارِ صَلَاتِهَا ثُمَّ تَفْرُغُ لِحَاجَتِهَا»**[[5]](http://hosseiniboshehri.ir/index.php/%D8%AF%D8%B1%D9%88%D8%B3/%D9%81%D9%82%D9%87/6494-%D9%81%D8%B5%D9%84%D9%8C-%D9%81%D9%8A-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%B6%D9%88%D8%A1%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%85%D8%B3%D8%AA%D8%AD%D8%A8%D8%A9-96-08-06.html" \l "_ftn5" \o ").

زراره در روایت صحیحه مذکور از امام باقر (ع) نقل کرده است که آن حضرت (ع) فرموده است که اگر زنی حائض باشد نماز برای او جایز نیست و بر آن زن است که در وقت هر نمازی وضو بگیرد، آن‎گونه که برای نماز وضو می‎گیرد سپس در مکانی که پاکیزه است بنشیند و به همان مقداری که نماز خواندن، زمان می‎برد، ذکر خدا را بگوید و تسبیح، تهلیل و حمد الهی را انجام دهد سپس برای کارها و نیازهایش فارغ می‎شود [و به بقیه امور زندگی‎اش می‎پردازد].

**الثاني: لنوم الجنب و أكله و شربه و جماعه و تغسيله الميّت.**

اولین مورد، از مواردی که وضو در حال حدث اکبر مستحب است، وضوی جنب به منظور خوابیدن، خوردن، نوشیدن، جماع و غُسل دادن میت است.

دلیل استحباب وضو برای شخص جنب که می‎خواهد بخوابد، روایات ذیلند:

روایت اول:**عَنْ عُبَيْدِ اللَّهِ بْنِ عَلِيٍّ الْحَلَبِيِّ؛ قَالَ: سُئِلَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (ع) عَنِ الرَّجُلِ؛ أَ يَنْبَغِي لَهُ أَنْ يَنَامَ وَ هُوَ جُنُبٌ؟ فَقَالَ: «يُكْرَهُ ذَلِكَ حَتَّى يَتَوَضَّأَ»**[[6]](http://hosseiniboshehri.ir/index.php/%D8%AF%D8%B1%D9%88%D8%B3/%D9%81%D9%82%D9%87/6494-%D9%81%D8%B5%D9%84%D9%8C-%D9%81%D9%8A-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%B6%D9%88%D8%A1%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%85%D8%B3%D8%AA%D8%AD%D8%A8%D8%A9-96-08-06.html" \l "_ftn6" \o ").

حلبی در روایت صحیحه مذکور، گفته است که از امام صادق (ع) درباره شخصی که جنب است، سؤال شد که آیا سزاوار است که آن شخص با حالت جنابت بخوابد؟ آن حضرت (ع) فرمود که مکروه است که آن شخص بخوابد مگر اینکه وضو بگیرد.

روایت دوم: **عَنْ سَمَاعَةَ؛ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الْجُنُبِ يُجْنِبُ ثُمَّ يُرِيدُ النَّوْمَ، قَالَ: «إِنْ أَحَبَّ أَنْ يَتَوَضَّأَ فَلْيَفْعَلْ وَ الْغُسْلُ أَحَبُّ إِلَيَّ وَ أَفْضَلُ مِنْ ذَلِكَ فَإِنْ هُوَ نَامَ وَ لَمْ يَتَوَضَّأْ وَ لَمْ يَغْتَسِلْ فَلَيْسَ عَلَيْهِ شَيْ‌ءٌ إِنْ شَاءَ اللَّهُ»**[[7]](http://hosseiniboshehri.ir/index.php/%D8%AF%D8%B1%D9%88%D8%B3/%D9%81%D9%82%D9%87/6494-%D9%81%D8%B5%D9%84%D9%8C-%D9%81%D9%8A-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%B6%D9%88%D8%A1%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%85%D8%B3%D8%AA%D8%AD%D8%A8%D8%A9-96-08-06.html" \l "_ftn7" \o ").

سماعه در این روایت موثقه گفته است که از امام (ع) درباره شخصی که جنب می‎شود و سپس می‎خواهد بخوابد، سؤال کردم، حضرت (ع) فرمود که اگر دوست داشت وضو بگیرد، این کار را بکند و غُسل نزد من محبوب‎تر است و أفضل از وضوست، پس اگر خوابید و وضو نگرفت و غُسل نکرد، ان‎شاءالله، چیزی بر او نیست.

«فلیفعل» که در روایت مذکور آمده است از استحباب وضو برای شخص جنب، حکایت دارد.

دلیل استحباب وضو برای شخص جنب وقتی قصد خوردن یا آشامیدن چیزی را دارد، روایات ذیلند:

روایت اول:**عَنْ عُبَيْدِ اللَّهِ بْنِ عَلِيٍّ الْحَلَبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِيهِ (ع)؛ قَالَ: «إِذَا كَانَ الرَّجُلُ جُنُباً لَمْ يَأْكُلْ وَ لَمْ يَشْرَبْ حَتَّى يَتَوَضَّأَ»**[[8]](http://hosseiniboshehri.ir/index.php/%D8%AF%D8%B1%D9%88%D8%B3/%D9%81%D9%82%D9%87/6494-%D9%81%D8%B5%D9%84%D9%8C-%D9%81%D9%8A-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%B6%D9%88%D8%A1%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%85%D8%B3%D8%AA%D8%AD%D8%A8%D8%A9-96-08-06.html" \l "_ftn8" \o ").

حلبی در روایت صحیحه مذکور از امام صادق (ع) از پدرش امام باقر (ع) نقل کرده است که آن حضرت (ع) فرموده است که شخصی که جنب است نخورد و نیاشامد مگر بعد از اینکه وضو بگیرد.

روایت دوم: **عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ فِي حَدِيثٍ؛ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع): أَ يَأْكُلُ الْجُنُبُ قَبْلَ أَنْ يَتَوَضَّأَ؟ قَالَ: «إِنَّا لَنَكْسَلُ وَ لَكِنْ لِيَغْسِلْ يَدَهُ فَالْوُضُوءُ أَفْضَلُ»**[[9]](http://hosseiniboshehri.ir/index.php/%D8%AF%D8%B1%D9%88%D8%B3/%D9%81%D9%82%D9%87/6494-%D9%81%D8%B5%D9%84%D9%8C-%D9%81%D9%8A-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%B6%D9%88%D8%A1%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%85%D8%B3%D8%AA%D8%AD%D8%A8%D8%A9-96-08-06.html" \l "_ftn9" \o ").

عبدالرحمن بن ابی عبدالله در روایت صحیحه مذکور گفته است که به امام صادق (ع) عرض کردم که آیا جنب می‎تواند قبل از اینکه وضو بگیرد چیزی بخورد؟ آن حضرت (ع) فرمود که ما کسل می‎شویم و این کار را خوش نداریم [یعنی خوردن بدون وضو برای جنب کراهت دارد]، لکن شخص جنب [قبل از خوردن چیزی] دستش را بشوید، پس وضو گرفتن بهتر است.

روایت مذکور، بر کراهت أکل بدون وضو حمل شده است.

روایت سوم: **عَنْ زُرَارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (ع)؛ قَالَ: «الْجُنُبُ إِذَا أَرَادَ أَنْ يَأْكُلَ وَ يَشْرَبَ غَسَلَ يَدَهُ وَ تَمَضْمَضَ وَ غَسَلَ وَجْهَهُ وَ أَكَلَ وَ شَرِبَ»**[[10]](http://hosseiniboshehri.ir/index.php/%D8%AF%D8%B1%D9%88%D8%B3/%D9%81%D9%82%D9%87/6494-%D9%81%D8%B5%D9%84%D9%8C-%D9%81%D9%8A-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%B6%D9%88%D8%A1%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%85%D8%B3%D8%AA%D8%AD%D8%A8%D8%A9-96-08-06.html" \l "_ftn10" \o ").

زراره در روایت صحیحه مذکور، از امام باقر (ع) نقل کرده است که آن حضرت (ع) فرمود که جنب زمانی که اراد کند چیزی را بخورد یا بیاشامد، دستش را بشوید و مضمضه کند و صورتش را بشوید و بخورد و بیاشامد.

البته روایت سوم بر استحباب وضو دلالت ندارد و فقط بر کراهت خوردن و آشامیدن جنب دلالت دارد.

دلیل استحباب وضو برای شخص جنب که قصد جماع دارد، روایات ذیلند:

روایت اول:**عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْوَشَّاءِ؛ قَالَ: قَالَ فُلَانُ بْنُ مُحْرِزٍ: بَلَغَنَا أَنَّ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (ع) كَانَ إِذَا أَرَادَ أَنْ يُعَاوِدَ أَهْلَهُ لِلْجِمَاعِ تَوَضَّأَ وُضُوءَ الصَّلَاةِ فَأُحِبُّ أَنْ تَسْأَلَ أَبَا الْحَسَنِ الثَّانِيَ (ع) عَنْ ذَلِكَ، قَالَ الْوَشَّاءُ: فَدَخَلْتُ عَلَيْهِ فَابْتَدَأَنِي مِنْ غَيْرِ أَنْ أَسْأَلَهُ فَقَالَ: «كَانَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (ع) إِذَا جَامَعَ وَ أَرَادَ أَنْ يُعَاوِدَ تَوَضَّأَ وُضُوءَ الصَّلَاةِ...»**[[11]](http://hosseiniboshehri.ir/index.php/%D8%AF%D8%B1%D9%88%D8%B3/%D9%81%D9%82%D9%87/6494-%D9%81%D8%B5%D9%84%D9%8C-%D9%81%D9%8A-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%B6%D9%88%D8%A1%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%85%D8%B3%D8%AA%D8%AD%D8%A8%D8%A9-96-08-06.html" \l "_ftn11" \o ").

حسن بن علی وشّاء گفته است که فلان بن محرز گفت که از امام صادق (ع) به ما رسیده است که آن حضرت (ع) زمانی که قصد داشت دوباره برای جماع نزد عیال خود برود، وضوء می‎گرفت؛ آن‎گونه که برای نماز وضو می‎گیرند، پس من دوست دارم که تو آن را از امام رضا (ع) بپرسی، وشّاء گفته است که من بر امام رضا (ع) داخل شدم، پس قبل از آن که من از آن حضرت (ع) سؤال کنم، آن حضرت (ع) شروع به سخن کرد و فرمود امام صادق (ع) زمانی که با عیالش جمع می‎شد و قصد می‎کرد که دوباره جمع شود، وضو می‎گرفت؛ آن‎گونه که برای نماز وضو می‎گیرند... .

روایت دوم:**عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع)؛ قَالَ: «إِذَا أَتَى الرَّجُلُ جَارِيَتَهُ ثُمَّ أَرَادَ أَنْ يَأْتِيَ الْأُخْرَى تَوَضَّأَ»**[[12]](http://hosseiniboshehri.ir/index.php/%D8%AF%D8%B1%D9%88%D8%B3/%D9%81%D9%82%D9%87/6494-%D9%81%D8%B5%D9%84%D9%8C-%D9%81%D9%8A-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%B6%D9%88%D8%A1%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%85%D8%B3%D8%AA%D8%AD%D8%A8%D8%A9-96-08-06.html#_ftn12).

در این روایت مرسله از امام صادق (ع) نقل شده است که آن حضرت (ع) فرموده است که زمانی که شخص نزد کنیزش رفت و سپس بخواهد برای مرتبه دوم، نزدیکی کند، وضو بگیرد.

اشکال بر دو روایت مذکور

**اولاً:** دو روایت مذکور، سنداً ضعیفند لذا قابل استناد نیستند.

**ثانیاً:** این دو روایت فقط جماع را شامل می‎شوند؛ در حالی که در کلام مرحوم سید (ره)، تعبیر «نوم الجنب» به کار رفته است و جنب اطلاق دارد و علاوه بر جنابت از طریق جماع، جنابت از طریق احتلام را نیز شامل می‎شود بنابراین، دلیل اخص از مدعاست چون این دو روایت فقط جنابت از طریق جماع را شامل می‎شوند؛ در حالی که مدعا، جنابت به طور مطلق است؛ چه از طریق جماع باشد و چه از طریق احتلام باشد.

آیت الله خویی (ره) فرموده است که چون امر [استحباب وضوی جنب به منظور جماع]، امری استحبابی است از باب تسامح در باب ادله سنن [مستحبات]، می‎توان از ضعف سندی روایات مذکور چشم پوشید و به آنها استناد کرد.

**«والحمدلله رب العالمین»**

[[1]](http://hosseiniboshehri.ir/index.php/%D8%AF%D8%B1%D9%88%D8%B3/%D9%81%D9%82%D9%87/6494-%D9%81%D8%B5%D9%84%D9%8C-%D9%81%D9%8A-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%B6%D9%88%D8%A1%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%85%D8%B3%D8%AA%D8%AD%D8%A8%D8%A9-96-08-06.html#_ftnref1). شیخ حر عاملی، وسائل الشیعة، ج1، کتاب الطهارة، ابواب الوضوء، باب8، ص377، ح7.

[[2]](http://hosseiniboshehri.ir/index.php/%D8%AF%D8%B1%D9%88%D8%B3/%D9%81%D9%82%D9%87/6494-%D9%81%D8%B5%D9%84%D9%8C-%D9%81%D9%8A-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%B6%D9%88%D8%A1%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%85%D8%B3%D8%AA%D8%AD%D8%A8%D8%A9-96-08-06.html#_ftnref2). سید محمدکاظم، طباطبایی یزدی، العروة الوثقی، ج1، ص195.

[[3]](http://hosseiniboshehri.ir/index.php/%D8%AF%D8%B1%D9%88%D8%B3/%D9%81%D9%82%D9%87/6494-%D9%81%D8%B5%D9%84%D9%8C-%D9%81%D9%8A-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%B6%D9%88%D8%A1%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%85%D8%B3%D8%AA%D8%AD%D8%A8%D8%A9-96-08-06.html#_ftnref3). شیخ حر عاملی، وسائل الشیعة، ج1، کتاب الطهارة، ابواب الوضوء، باب8، ص376، ح3.

[[4]](http://hosseiniboshehri.ir/index.php/%D8%AF%D8%B1%D9%88%D8%B3/%D9%81%D9%82%D9%87/6494-%D9%81%D8%B5%D9%84%D9%8C-%D9%81%D9%8A-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%B6%D9%88%D8%A1%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%85%D8%B3%D8%AA%D8%AD%D8%A8%D8%A9-96-08-06.html#_ftnref4). سید محمدکاظم، طباطبایی یزدی، العروة الوثقی، ج1، ص195.

[[5]](http://hosseiniboshehri.ir/index.php/%D8%AF%D8%B1%D9%88%D8%B3/%D9%81%D9%82%D9%87/6494-%D9%81%D8%B5%D9%84%D9%8C-%D9%81%D9%8A-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%B6%D9%88%D8%A1%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%85%D8%B3%D8%AA%D8%AD%D8%A8%D8%A9-96-08-06.html#_ftnref5). شیخ حر عاملی، وسائل الشیعة، ج1، کتاب الطهارة، ابواب الوضوء، باب14، ص386، ح1؛ کلینی، الكافي (ط- الإسلامية)، ج3، کتاب الحیض، باب ما یجب علی الحائض فی اوقات الصلاة، ص101، ح4.

[[6]](http://hosseiniboshehri.ir/index.php/%D8%AF%D8%B1%D9%88%D8%B3/%D9%81%D9%82%D9%87/6494-%D9%81%D8%B5%D9%84%D9%8C-%D9%81%D9%8A-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%B6%D9%88%D8%A1%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%85%D8%B3%D8%AA%D8%AD%D8%A8%D8%A9-96-08-06.html#_ftnref6). شیخ حر عاملی، وسائل الشیعة، ج1، کتاب الطهارة، ابواب الوضوء، باب 11، ص382، ح1 و ج2، کتاب الطهارة، ابواب الجنابة، باب25، ص227، ح1.

[[7]](http://hosseiniboshehri.ir/index.php/%D8%AF%D8%B1%D9%88%D8%B3/%D9%81%D9%82%D9%87/6494-%D9%81%D8%B5%D9%84%D9%8C-%D9%81%D9%8A-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%B6%D9%88%D8%A1%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%85%D8%B3%D8%AA%D8%AD%D8%A8%D8%A9-96-08-06.html#_ftnref7). همان، ج2، کتاب الطهارة، ابواب الجنابة، باب25، ص228، ح6.

[[8]](http://hosseiniboshehri.ir/index.php/%D8%AF%D8%B1%D9%88%D8%B3/%D9%81%D9%82%D9%87/6494-%D9%81%D8%B5%D9%84%D9%8C-%D9%81%D9%8A-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%B6%D9%88%D8%A1%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%85%D8%B3%D8%AA%D8%AD%D8%A8%D8%A9-96-08-06.html#_ftnref8). همان، باب20، ص219، ح4.

[[9]](http://hosseiniboshehri.ir/index.php/%D8%AF%D8%B1%D9%88%D8%B3/%D9%81%D9%82%D9%87/6494-%D9%81%D8%B5%D9%84%D9%8C-%D9%81%D9%8A-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%B6%D9%88%D8%A1%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%85%D8%B3%D8%AA%D8%AD%D8%A8%D8%A9-96-08-06.html#_ftnref9). همان، ص220، ح7.

[[10]](http://hosseiniboshehri.ir/index.php/%D8%AF%D8%B1%D9%88%D8%B3/%D9%81%D9%82%D9%87/6494-%D9%81%D8%B5%D9%84%D9%8C-%D9%81%D9%8A-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%B6%D9%88%D8%A1%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%85%D8%B3%D8%AA%D8%AD%D8%A8%D8%A9-96-08-06.html#_ftnref10). همان، ص219، ح1.

[[11]](http://hosseiniboshehri.ir/index.php/%D8%AF%D8%B1%D9%88%D8%B3/%D9%81%D9%82%D9%87/6494-%D9%81%D8%B5%D9%84%D9%8C-%D9%81%D9%8A-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%B6%D9%88%D8%A1%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%85%D8%B3%D8%AA%D8%AD%D8%A8%D8%A9-96-08-06.html#_ftnref11). همان، ج1، کتاب الطهارة، ابواب الوضوء، باب13، ص386، ح2.

[[12]](http://hosseiniboshehri.ir/index.php/%D8%AF%D8%B1%D9%88%D8%B3/%D9%81%D9%82%D9%87/6494-%D9%81%D8%B5%D9%84%D9%8C-%D9%81%D9%8A-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%B6%D9%88%D8%A1%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%85%D8%B3%D8%AA%D8%AD%D8%A8%D8%A9-96-08-06.html#_ftnref12). همان، ج20، کتاب النکاح، ابواب المقدمات النکاح و آدابه، باب155، ص257، ح1.

**فصلٌ في الوضوءات المستحبة96/08/07**

|  |
| --- |
| درس خارج فقه حضرت آیت الله حسینی بوشهری (دامت برکاته)  **موضوع کلی:** **فصلٌ في الوضوءات المستحبة                                                         تاریخ:** **7** آبان 1396  **موضوع جزئی:** **اقسام وضوی مستحب                                                                                       مصادف با:** **9** صفر 1439  **سال تحصیلی: 98-** **97                                                                                                           جلسه:** **17** |

«الحمدلله رب العالمين و صلي‌الله علي محمد و آله الطاهرين و اللعن علي اعدائهم اجمعين»

عرض شد که دومین مورد از مواردی که وضو در حال حدث اکبر مستحب است، وضوی جنب به منظور خوابیدن، خوردن، نوشیدن، جماع و غُسل دادن میت است.

دلیل استحباب وضو برای شخص جنب که می‎خواهد بخوابد، چیزی را بخورد و بیاشامد و یا قصد دارد جماع کند، در جلسه گذشته بیان شد.

دلیل استحباب وضو برای شخص جنب که می‎خواهد میت را غُسل دهد راوایت ذیل است:

**عَنْ شِهَابِ بْنِ عَبْدِ رَبِّهِ؛ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (ع) عَنِ الْجُنُبِ يُغَسِّلُ الْمَيِّتَ أَوْ مَنْ غَسَّلَ مَيِّتاً لَهُ أَنْ يَأْتِيَ أَهْلَهُ ثُمَّ يَغْتَسِلَ، فَقَالَ: «سَوَاءٌ لَا بَأْسَ بِذَلِكَ إِذَا كَانَ جُنُباً غَسَلَ يَدَهُ وَ تَوَضَّأَ وَ غَسَّلَ الْمَيِّتَ وَ هُوَ جُنُبٌ وَ إِنْ غَسَّلَ مَيِّتاً تَوَضَّأَ ثُمَّ أَتَى أَهْلَهُ وَ يُجْزِيهِ غُسْلٌ وَاحِدٌ لَهُمَا»**[[1]](http://hosseiniboshehri.ir/index.php/%D8%AF%D8%B1%D9%88%D8%B3/%D9%81%D9%82%D9%87/6497-%D9%81%D8%B5%D9%84%D9%8C-%D9%81%D9%8A-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%B6%D9%88%D8%A1%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%85%D8%B3%D8%AA%D8%AD%D8%A8%D8%A996-08-07.html" \l "_ftn1" \o ").

شهاب بن عبد ربه در روایت مذکور، گفته است که از امام صادق (ع) درباره شخص جنب که میت را غُسل می‎دهد یا کسی که میتی را غُسل داده است، سپس با همسرش هم‎بستر می‎شود و بعد از آن غُسل می‎کند، سؤال کردم، آن حضرت (ع) فرمود که این دو مساویند و اشکالی ندارد، اگر شخص، جنب باشد دستش را بشوید و وضو بگیرد و میت را غُسل بدهد؛ در حالی که جنب است و اگر [ابتدا] میت را غُسل داده است، وضو بگیرد و سپس نزد عیالش برود [و با او هم‎بستر شود] و غُسل واحد از هر دو [جنابت و مس میّت] کفایت می‎کند.

**الثالث: لجماع مَن مسّ الميّت و لم يغتسل بعد.**

سومین مورد از مواردی که وضو در حال حدث اکبر مستحب است، وضو برای جماع کردن شخصی که مس میت کرده است و هنوز غُسل نکرده است.

دلیل حکم مذکور، همان روایت شهاب بن عبد ربه است که ذیل مورد دوم ذکر شد [**عَنْ شِهَابِ بْنِ عَبْدِ رَبِّهِ؛ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (ع) عَنِ الْجُنُبِ يُغَسِّلُ الْمَيِّتَ أَوْ مَنْ غَسَّلَ مَيِّتاً لَهُ أَنْ يَأْتِيَ أَهْلَهُ ثُمَّ يَغْتَسِلَ، فَقَالَ: «... وَ إِنْ غَسَّلَ مَيِّتاً تَوَضَّأَ ثُمَّ أَتَى أَهْلَهُ وَ يُجْزِيهِ غُسْلٌ وَاحِدٌ لَهُمَا»**[[2]](http://hosseiniboshehri.ir/index.php/%D8%AF%D8%B1%D9%88%D8%B3/%D9%81%D9%82%D9%87/6497-%D9%81%D8%B5%D9%84%D9%8C-%D9%81%D9%8A-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%B6%D9%88%D8%A1%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%85%D8%B3%D8%AA%D8%AD%D8%A8%D8%A996-08-07.html" \l "_ftn2" \o ").].

**الرابع: لتكفين الميّت أو دفنه بالنسبة إلى من غسّله و لم يغتسل غسل المسّ.**

چهارمین مورد از مواردی که وضو در حال حدث اکبر مستحب است، وضو گرفتن برای کفن کردن یا دفن میّت به وسیله شخصی که میّت را غُسل داده است ولی هنوز غُسل مس میت نکرده است.

صاحب حدائق (ره)[[3]](http://hosseiniboshehri.ir/index.php/%D8%AF%D8%B1%D9%88%D8%B3/%D9%81%D9%82%D9%87/6497-%D9%81%D8%B5%D9%84%D9%8C-%D9%81%D9%8A-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%B6%D9%88%D8%A1%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%85%D8%B3%D8%AA%D8%AD%D8%A8%D8%A996-08-07.html#_ftn3)، صاحب مدارک (ره)[[4]](http://hosseiniboshehri.ir/index.php/%D8%AF%D8%B1%D9%88%D8%B3/%D9%81%D9%82%D9%87/6497-%D9%81%D8%B5%D9%84%D9%8C-%D9%81%D9%8A-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%B6%D9%88%D8%A1%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%85%D8%B3%D8%AA%D8%AD%D8%A8%D8%A996-08-07.html#_ftn4) و صاحب جواهر (ره)[[5]](http://hosseiniboshehri.ir/index.php/%D8%AF%D8%B1%D9%88%D8%B3/%D9%81%D9%82%D9%87/6497-%D9%81%D8%B5%D9%84%D9%8C-%D9%81%D9%8A-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%B6%D9%88%D8%A1%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%85%D8%B3%D8%AA%D8%AD%D8%A8%D8%A996-08-07.html#_ftn5) گفته‎اند که دلیل خاصی بر استحباب وضو برای شخصی که میت را غُسل داده است و قبل از غُسل مس میت، می‎خواهد میّت را کفن کند، وجود ندارد و تنها چیزی که در این رابطه وجود دارد فتوای بعضی از اصحاب است که به استحباب چنین وضویی فتوا داده‎اند.

آیت الله خویی (ره) [[6]](http://hosseiniboshehri.ir/index.php/%D8%AF%D8%B1%D9%88%D8%B3/%D9%81%D9%82%D9%87/6497-%D9%81%D8%B5%D9%84%D9%8C-%D9%81%D9%8A-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%B6%D9%88%D8%A1%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%85%D8%B3%D8%AA%D8%AD%D8%A8%D8%A996-08-07.html#_ftn6) فرموده است که ما نیز معتقدیم که دلیلی بر استحبابب وضو برای شخصی که میت را غُسل داده است و قبل از غُسل مس میت می‎خواهد میت را کفن کند، وجود ندارد، لکن از باب تسامح در ادله سنن [مَن بلغه شیء من الثواب] به استحباب چنین وضویی حکم می‎شود.

اما در رابطه با استحباب وضو برای شخصی که میّت را غُسل داده است و قبل از اینکه غُسل مس میت کند، می‎خواهد میت را دفن کند، روایاتی وارد شده‎اند که روایت ذیل از آن جمله است:

**عَنْ عُبَيْدِ اللَّهِ الْحَلَبِيِّ وَ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) فِي حَدِيثٍ؛ قَالَ: «تَوَضَّأْ إِذَا أَدْخَلْتَ الْمَيِّتَ الْقَبْرَ»**[[7]](http://hosseiniboshehri.ir/index.php/%D8%AF%D8%B1%D9%88%D8%B3/%D9%81%D9%82%D9%87/6497-%D9%81%D8%B5%D9%84%D9%8C-%D9%81%D9%8A-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%B6%D9%88%D8%A1%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%85%D8%B3%D8%AA%D8%AD%D8%A8%D8%A996-08-07.html#_ftn7).

عبیدالله حلبی و محمد بن مسلم از امام صادق (ع) نقل کرده‎اند که آن حضرت (ع) فرموده است که زمانی که میت را داخل قبر گذاشتی، وضو بگیر.

اشکالات وارده به روایت مذکور

اشکال اول

روایت مذکور، نمی‎تواند مدعا [استحباب وضو برای شخصی که میّت را غُسل داده است و قبل از اینکه غُسل مس میت کند، می‎خواهد میت را دفن کند] را ثابت کند زیرا مدعا، استحباب وضو قبل از دفن است، ولی روایت مذکور بر استحباب وضو بعد از دفن دلالت دارد زیرا امام (ع) فرموده است که بعد از ادخال میت در قبر، وضو بگیر و با ادخال میت در قبر، عملاً دفن محقق شده است و وضو گرفتن بعد از دفن ربطی به مدعا که وضو گرفتن قبل از دفن است، ندارد.

اشکال دوم

بر فرض که از اشکال اول صرف نظر شود، اشکال دیگر این است که روایت مذکور، به کسی که میّت را غُسل داده است، مقید نشده است، بلکه امام (ع) فرموده است که شخصی که میت را داخل قبر گذاشته است، وضو بگیرد و این اعم است از اینکه آن شخص، میت را غُسل داده باشد و یا میت را غُسل نداده باشد؛ در حالی که مدعا، استحباب وضو برای شخصی است که میّت را غُسل داده است. بنابراین، مدعا، مقید است و روایت، مطلق است و برای مدعای مقید نمی‎توان به روایت مطلق استناد کرد.

پاسخ از اشکال دوم

روایت مذکور، مطلق است و یکی از مصادیق مطلق، مدعاست که مقید است. کما اینکه روایت مذکور به اطلاقش کسی را که میّت را غُسل داده و غُسل مس میت کرده است نیز می‎شود، یعنی برای چنین شخصی نیز مستحب است که وضو بگیرد و میت را دفن کند؛ هرچند که غُسل مس میت را انجام داده است. پس روایت مذکور به اطلاقش مصادیق متعددی دارد که مدعا [استحباب وضو برای شخصی که میت را غُسل داده است، ولی هنوز غُسل مس میت نکرده است و می‎خواهد میت را دفن کند] نیز یکی از مصادیق است لذا دلالت آن بر مدعا مشکلی ندارد.

مسأله 487: **«لا يختصّ القسم الأوّل من المستحبّ بالغاية التي توضّأ لأجلها، بل يباح به جميع الغايات المشروطة به»**[[8]](http://hosseiniboshehri.ir/index.php/%D8%AF%D8%B1%D9%88%D8%B3/%D9%81%D9%82%D9%87/6497-%D9%81%D8%B5%D9%84%D9%8C-%D9%81%D9%8A-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%B6%D9%88%D8%A1%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%85%D8%B3%D8%AA%D8%AD%D8%A8%D8%A996-08-07.html#_ftn8).

به نظر مرحوم سید (ره)، قسم اول از اقسام وضوهای مستحب [وضو برای رفع حدث اصغر]، به غایتی که به خاطر آن وضو گرفته است، اختصاص ندارد، بلکه با آن وضویی [که به قصد خاصی] که انجام شده است، انجام جمیع غایاتی که مشروط به وضو است، مباح است.

دلیل حکم مذکور، این است که گفته شده است که مذهب اصحاب این است که با وضوی مستحبی می‎توان همه غایاتی را که مشروط به وضوست، انجام داد. در ذیل به کلمات بعضی از فقها که در این رابطه وارد شده است، اشاره می‎شود:

صاحب مدارک (ره) نوشته است: **«أنّ الظاهر من مذهب الأصحاب جواز الدخول في العبادة الواجبة المشروطة بالطهارة بالوضوء المندوب الذي لا يجامع الحدث الأكبر مطلقا و ادّعى بعضهم عليه الإجماع»**[[9]](http://hosseiniboshehri.ir/index.php/%D8%AF%D8%B1%D9%88%D8%B3/%D9%81%D9%82%D9%87/6497-%D9%81%D8%B5%D9%84%D9%8C-%D9%81%D9%8A-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%B6%D9%88%D8%A1%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%85%D8%B3%D8%AA%D8%AD%D8%A8%D8%A996-08-07.html#_ftn9).

ابن ادریس حلی (ره) نوشته است: **«و يجوز أن يؤدي بالطهارة المندوبة الفرض من الصلاة، بدليل الإجماع من أصحابنا»**[[10]](http://hosseiniboshehri.ir/index.php/%D8%AF%D8%B1%D9%88%D8%B3/%D9%81%D9%82%D9%87/6497-%D9%81%D8%B5%D9%84%D9%8C-%D9%81%D9%8A-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%B6%D9%88%D8%A1%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%85%D8%B3%D8%AA%D8%AD%D8%A8%D8%A996-08-07.html#_ftn10).

صاحب مجمع البرهان (ره) نوشته است: **«و لا ينبغي النزاع، فيصح به جميع العبادة الواجبة الموقوفة صحتها عليه من غير شك»**[[11]](http://hosseiniboshehri.ir/index.php/%D8%AF%D8%B1%D9%88%D8%B3/%D9%81%D9%82%D9%87/6497-%D9%81%D8%B5%D9%84%D9%8C-%D9%81%D9%8A-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%B6%D9%88%D8%A1%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%85%D8%B3%D8%AA%D8%AD%D8%A8%D8%A996-08-07.html#_ftn11).

علاوه بر ادعای اجماع و فتوای فقها که در رابطه با مکفی بودن وضوی مستحبی [در حال حدث اصغر]، برای انجام آنچه مشروط به وضوست، وارد شده است، به ادله ذیل می‎توان استناد کرد:

**اولاً:** مقتضای شریعت این است که اگر محدث، وضو بگیرد، بر وضوی او اثر مترتب می‎شود و اثر آن این است که هر کاری که مشروط به وضوست را می‎تواند انجام دهد، پس چه گفته شود که خود وضو، طهارت است و چه گفته شود که طهارت چیزی غیر از وضو است که بر وضو مترتب می‎شود؛ در هر دو صورت اثر بر وضو مترتب می‎شود بنابراین؛ هرچند که شخص هنگام وضو گرفتن، رافعیت حدث یا استباحه را قصد نکرده باشد، آثار وضو بر وضویی که گرفته است، بار می‎شود لذا هر چیزی را که مشروط به وضوست را می‎تواند با آن وضو انجام دهد.

**ثانیاً:** حدث که بر انسان عارض می‎شود یک چیز بیشتر نیست لذا معقول نیست که گفته شود که این حدث به وسیله وضو نسبت به یک غایت مرتفع می‎شود ولی نسبت به غایت دیگر مرتفع نمی‎شود. بنابراین، شخص با وضویی که گرفته است، می‎تواند همه اموری را که مشروط به وضوست انجام دهد.

آیت الله خویی (ره) نوشته است: **«و الوجه في ذلك أن الوضوء اما هو الطهارة في نفسه أو ان الطهارة اعتبار شرعي مترتب على الوضوء كترتب الملكية على البيع و الزوجية على النكاح و غيرهما من الأحكام الوضعية المترتبة على أسبابها و على كلا التقديرين قد دلتنا الأدلة الواردة في اعتبار قصد القربة في الوضوء على ان الإتيان بالغسلتين و المسحتين انما تكونان طهارة أو تترتب عليهما الطهارة فيما إذا‌ اتى بهما المكلف بنية صالحة و بقصد التقرب الى اللّه سبحانه»**[[12]](http://hosseiniboshehri.ir/index.php/%D8%AF%D8%B1%D9%88%D8%B3/%D9%81%D9%82%D9%87/6497-%D9%81%D8%B5%D9%84%D9%8C-%D9%81%D9%8A-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%B6%D9%88%D8%A1%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%85%D8%B3%D8%AA%D8%AD%D8%A8%D8%A996-08-07.html#_ftn12).

آیت الله خویی (ره) فرموده است که وضو یا فی نفسه همان طهارت است و یا اینکه طهارت چیزی غیر از وضو و اثر وضعی آن است که بر وضو مترتب می‎شود بنابراین، ادله‎ای که در اعتبار قصد قربت در وضو وارد شده است، حاکی از این است که اگر انسان به قصد قربت به خداوند متعال وضو بگیرد، طهارت حاصل می‎شود لذا هر امری که مشروط به طهارت باشد را می‎توان انجام دهد.‌

**«والحمدلله رب العالمین»**

[[1]](http://hosseiniboshehri.ir/index.php/%D8%AF%D8%B1%D9%88%D8%B3/%D9%81%D9%82%D9%87/6497-%D9%81%D8%B5%D9%84%D9%8C-%D9%81%D9%8A-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%B6%D9%88%D8%A1%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%85%D8%B3%D8%AA%D8%AD%D8%A8%D8%A996-08-07.html#_ftnref1). شیخ حر عاملی، وسائل الشیعة، ج1، کتاب الطهارة، ابواب الجنابة، باب43، ص263، ح3.

[[2]](http://hosseiniboshehri.ir/index.php/%D8%AF%D8%B1%D9%88%D8%B3/%D9%81%D9%82%D9%87/6497-%D9%81%D8%B5%D9%84%D9%8C-%D9%81%D9%8A-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%B6%D9%88%D8%A1%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%85%D8%B3%D8%AA%D8%AD%D8%A8%D8%A996-08-07.html#_ftnref2). همان.

[[3]](http://hosseiniboshehri.ir/index.php/%D8%AF%D8%B1%D9%88%D8%B3/%D9%81%D9%82%D9%87/6497-%D9%81%D8%B5%D9%84%D9%8C-%D9%81%D9%8A-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%B6%D9%88%D8%A1%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%85%D8%B3%D8%AA%D8%AD%D8%A8%D8%A996-08-07.html#_ftnref3). یوسف بن احمد بن ابراهیم، بحرانی آل عصفور، الحدائق الناضرة في أحكام العترة الطاهرة‌، ج4، ص37.

[[4]](http://hosseiniboshehri.ir/index.php/%D8%AF%D8%B1%D9%88%D8%B3/%D9%81%D9%82%D9%87/6497-%D9%81%D8%B5%D9%84%D9%8C-%D9%81%D9%8A-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%B6%D9%88%D8%A1%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%85%D8%B3%D8%AA%D8%AD%D8%A8%D8%A996-08-07.html#_ftnref4). محمد بن علی، موسوی عاملی، مدارك الأحكام في شرح عبادات شرائع الإسلام‌، ج2، ص99.

[[5]](http://hosseiniboshehri.ir/index.php/%D8%AF%D8%B1%D9%88%D8%B3/%D9%81%D9%82%D9%87/6497-%D9%81%D8%B5%D9%84%D9%8C-%D9%81%D9%8A-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%B6%D9%88%D8%A1%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%85%D8%B3%D8%AA%D8%AD%D8%A8%D8%A996-08-07.html#_ftnref5). محمد حسن، نجفی (صاحب الجواهر)، جواهر الكلام في شرح شرائع الإسلام‌، ج4، ص192 و 191.

[[6]](http://hosseiniboshehri.ir/index.php/%D8%AF%D8%B1%D9%88%D8%B3/%D9%81%D9%82%D9%87/6497-%D9%81%D8%B5%D9%84%D9%8C-%D9%81%D9%8A-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%B6%D9%88%D8%A1%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%85%D8%B3%D8%AA%D8%AD%D8%A8%D8%A996-08-07.html#_ftnref6). سید ابوالقاسم، موسوی خویی، التنقیح فی شرح العروة الوثقی، ج4، ص19.

[[7]](http://hosseiniboshehri.ir/index.php/%D8%AF%D8%B1%D9%88%D8%B3/%D9%81%D9%82%D9%87/6497-%D9%81%D8%B5%D9%84%D9%8C-%D9%81%D9%8A-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%B6%D9%88%D8%A1%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%85%D8%B3%D8%AA%D8%AD%D8%A8%D8%A996-08-07.html#_ftnref7). همان، ج3، کتاب الطهارة، ابواب الدفن، باب53، ص221، ح1.

[[8]](http://hosseiniboshehri.ir/index.php/%D8%AF%D8%B1%D9%88%D8%B3/%D9%81%D9%82%D9%87/6497-%D9%81%D8%B5%D9%84%D9%8C-%D9%81%D9%8A-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%B6%D9%88%D8%A1%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%85%D8%B3%D8%AA%D8%AD%D8%A8%D8%A996-08-07.html#_ftnref8). سید محمدکاظم، طباطبایی یزدی، العروة الوثقی، ج1، ص196.

[[9]](http://hosseiniboshehri.ir/index.php/%D8%AF%D8%B1%D9%88%D8%B3/%D9%81%D9%82%D9%87/6497-%D9%81%D8%B5%D9%84%D9%8C-%D9%81%D9%8A-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%B6%D9%88%D8%A1%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%85%D8%B3%D8%AA%D8%AD%D8%A8%D8%A996-08-07.html#_ftnref9). محمد بن علی، موسوی عاملی، مدارك الأحكام في شرح عبادات شرائع الإسلام‌، ج1، ص13.

[[10]](http://hosseiniboshehri.ir/index.php/%D8%AF%D8%B1%D9%88%D8%B3/%D9%81%D9%82%D9%87/6497-%D9%81%D8%B5%D9%84%D9%8C-%D9%81%D9%8A-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%B6%D9%88%D8%A1%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%85%D8%B3%D8%AA%D8%AD%D8%A8%D8%A996-08-07.html#_ftnref10). ابن ادریس حلی، السرائر الحاوي لتحرير الفتاوى‌، ج1، ص98.

[[11]](http://hosseiniboshehri.ir/index.php/%D8%AF%D8%B1%D9%88%D8%B3/%D9%81%D9%82%D9%87/6497-%D9%81%D8%B5%D9%84%D9%8C-%D9%81%D9%8A-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%B6%D9%88%D8%A1%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%85%D8%B3%D8%AA%D8%AD%D8%A8%D8%A996-08-07.html#_ftnref11). احمد بن محمد، اردبیلی، مجمع الفائدة و البرهان في شرح إرشاد الأذهان‌، ج1، ص70.

[[12]](http://hosseiniboshehri.ir/index.php/%D8%AF%D8%B1%D9%88%D8%B3/%D9%81%D9%82%D9%87/6497-%D9%81%D8%B5%D9%84%D9%8C-%D9%81%D9%8A-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%B6%D9%88%D8%A1%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%85%D8%B3%D8%AA%D8%AD%D8%A8%D8%A996-08-07.html#_ftnref12). سید ابوالقاسم، موسوی خویی، التنقیح فی شرح العروة الوثقی، ج4، ص21.

* **فصلٌ في الوضوءات المستحبة96/08/08**

|  |
| --- |
| درس خارج فقه حضرت آیت الله حسینی بوشهری (دامت برکاته)  **موضوع کلی:** **فصلٌ في الوضوءات المستحبة                                                      تاریخ:** **8** آبان 1396  **موضوع جزئی:** **اقسام وضوی مستحب                                                                                    مصادف با: 10** صفر 1439  **سال تحصیلی: 98-** **97                                                                                                        جلسه:** **18** |

* «الحمدلله رب العالمين و صلي‌الله علي محمد و آله الطاهرين و اللعن علي اعدائهم اجمعين»
* بحث در مسأله 487 بود. عرض شد که به نظر مرحوم سید (ره)، قسم اول از اقسام وضوهای مستحب [وضو برای رفع حدث اصغر]، به غایتی که به خاطر آن وضو گرفته است، اختصاص ندارد، بلکه با آن وضویی [که به قصد خاصی] که انجام شده است، انجام جمیع غایاتی که مشروط به وضو است، مباح است.
* همچنین، عرض شد که دلیل حکم به کفایت وضوی مستحبی برای انجام همه غایاتی که مشروط به وضو و طهارتند، این است که انجام مواردی که به عنوان غایات وضو ذکر شده‎اند مشروط به داشتن طهارت است و زمانی که انسان به خاطر غایتی از غایات، وضو گرفته باشد، طهارت حاصل شده است و لذا برای انجام سایر غایات نیاز به وضوی مجدد نیست و همان وضوی قبلی کفایت می‎کند. کلمات فقها نیز حاکی از کفایت همان وضوی مستحبی [که شخص به خاطر غایتی از غایات وضو، انجام داده است] برای انجام سایر غایات بود که در جلسه گذشته به بعضی از آن کلمات اشاره شد.
* روایاتی نیز در این رابطه وارد شده‎اند که وضو، رافع حدث و طهارت‎آور است لذا انجام همه غایاتی که مشروط به وضویند، با وضوی واحد ممکن است. روایات ذیل از آن جمله‎اند:
* روایت اول: **عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ عَنِ الرِّضَا (ع)؛ قَالَ: «إِنَّمَا أُمِرَ بِالْوُضُوءِ وَ بُدِئَ بِهِ لِأَنْ يَكُونَ الْعَبْدُ طَاهِراً إِذَا قَامَ بَيْنَ يَدَيِ الْجَبَّارِ عِنْدَ مُنَاجَاتِهِ...»**[[1]](http://hosseiniboshehri.ir/index.php/%D8%AF%D8%B1%D9%88%D8%B3/%D9%81%D9%82%D9%87/6498-%D9%81%D8%B5%D9%84%D9%8C-%D9%81%D9%8A-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%B6%D9%88%D8%A1%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%85%D8%B3%D8%AA%D8%AD%D8%A8%D8%A996-08-08.html#_ftn1).
* فضل بن شاذان از امام رضا (ع) نقل کرده است که آن حضرت (ع) فرموده است که به وضو امر شده است و به وضو شروع شده است تا هنگامی که عبد برای مناجات در پیشگاه پروردگار عالم می‎ایستد، طاهر باشد... .
* روایت مذکور، حاکی از این است که وضو، رافع حدث است لذا وقتی رافع حدث بود، انجام هر چیزی که مشروط به وضو باشد با همان وضوی واحد، جایز است.
* روایت دوم: **عَنِ الْعَلَاءِ بْنِ الْفُضَيْلِ عَمَّنْ رَوَاهُ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (ع)؛ قَالَ: «إِذَا دَخَلْتَ الْمَسْجِدَ وَ أَنْتَ تُرِيدُ أَنْ تَجْلِسَ فَلَا تَدْخُلْهُ إِلَّا طَاهِراً»**[[2]](http://hosseiniboshehri.ir/index.php/%D8%AF%D8%B1%D9%88%D8%B3/%D9%81%D9%82%D9%87/6498-%D9%81%D8%B5%D9%84%D9%8C-%D9%81%D9%8A-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%B6%D9%88%D8%A1%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%85%D8%B3%D8%AA%D8%AD%D8%A8%D8%A996-08-08.html#_ftn2).
* علاء بن فضیل از کسی که برای او روایت کرده است از امام باقر (ع) نقل کرده است که آن حضرت (ع) فرموده است که اگر داخل مسجد شدی و خواستی بنشینی، پس داخل مسجد نشو مگر اینکه طهارت داشته باشی.
* روایت سوم: **مُحَمَّدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ النُّعْمَانِ الْمُفِيدُ فِي الْأَمَالِي بِإِسْنَادِهِ عَنْ أَنَسٍ فِي حَدِيثٍ؛ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): «يَا أَنَسُ أَكْثِرْ مِنَ الطَّهُورِ يَزِيدُ اللَّهُ فِي عُمُرِكَ وَ إِنِ اسْتَطَعْتَ أَنْ تَكُونَ بِاللَّيْلِ وَ النَّهَارِ عَلَى طَهَارَةٍ فَافْعَلْ فَإِنَّكَ تَكُونُ إِذَا مِتَّ عَلَى طَهَارَةٍ مِتَّ شَهِيداً»**[[3]](http://hosseiniboshehri.ir/index.php/%D8%AF%D8%B1%D9%88%D8%B3/%D9%81%D9%82%D9%87/6498-%D9%81%D8%B5%D9%84%D9%8C-%D9%81%D9%8A-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%B6%D9%88%D8%A1%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%85%D8%B3%D8%AA%D8%AD%D8%A8%D8%A996-08-08.html#_ftn3).
* شیخ مفید (ره) به اسناد خودش از أنس نقل کرده است که أنس گفته است که رسول اکرم (ص) فرمود که ای أنس طهارت داشتن را زیاد کن که خداوند متعال عمرت را زیاد می‎کند و اگر توانستی شب و روز طهارت داشته باشی این کار را بکن که اگر با طهارت بمیری، شهید خواهی مُرد.
* روایات مذکور، در این ظهور دارند که وضو، رافع حدث است بنابراین، وقتی انسان وضو گرفت طهارت حاصل می‎شود لذا هر غایتی [چه مستحب و چه واجب] که مشروط به طهارت باشد را می‎تواند انجام دهد و نیاز به وضوی مجدد نیست.
* مرحوم سید (ره) در ادامه نوشته است: **«بخلاف الثاني و الثالث، فإنّهما إن وقعا على نحو ما قُصدا لم يؤثّرا إلّا فيما قصدا لأجله. نعم، لو انكشف الخطأ بأن كان محدثاً بالأصغر فلم يكن وضوؤه تجديديّاً و لا مجامعاً للأكبر رجعا إلى الأوّل، و قوي القول بالصحّة و إباحة جميع الغايات به إذا كان قاصداً لامتثال الأمر الواقعي»**[[4]](http://hosseiniboshehri.ir/index.php/%D8%AF%D8%B1%D9%88%D8%B3/%D9%81%D9%82%D9%87/6498-%D9%81%D8%B5%D9%84%D9%8C-%D9%81%D9%8A-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%B6%D9%88%D8%A1%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%85%D8%B3%D8%AA%D8%AD%D8%A8%D8%A996-08-08.html#_ftn4)‌.
* به نظر مرحوم سید (ره)، قسم اول از اقسام وضوهای مستحب [وضو در حال حدث اصغر]، به غایتی که به خاطر آن وضو گرفته است، اختصاص ندارد، بلکه با آن وضویی [که به قصد خاصی] که انجام شده است، انجام جمیع غایاتی که مشروط به وضو است، مباح است به خلاف قسم دوم [وضو در حال طهارت، مثل وضوی تجدیدی] و قسم سوم [ وضو در حال حدث اکبر]، پس این دو [قسم دوم و سوم] اگر به همان نحوی که قصد شده باشند، واقع شوند، مؤثر نیستند مگر در آنچه که به خاطر آن قصد شده‎اند [، یعنی اگر شخص جنب بوده است و به خاطر خوردن، وضو گرفته است نسبت به خوردن تأثیر دارد و نسبت به امور دیگر مثل خواب مؤثر نیست].
* دلیل عدم ترتب اثر بر وضوی تجدیدی
* دلیل اینکه وضوی تجدیدی نسبت به غایات دیگر مؤثر نیست این است که وضوی تجدیدی غایتی جز تجدید وضو ندارد، یعنی شخص با اینکه طهارت دارد دوباره وضو می‎گیرد و وضوی دوم، چیزی بر طهارت او نمی‎افزاید پس زمینه‎ای باقی نمی‎ماند که در غایت دیگری تأثیر داشته باشد چون طهارت با وضوی اول محقق شده است و وضوی تجدیدی، طهارتی افزون بر طهارت اول ایجاد نکرده است و انسان فقط از باب مطلوبیت و استحباب دوباره وضو گرفته است لذا اثر دیگری افزون بر وضوی اول، بر وضوی تجدیدی بار نمی‎شود و اثری که بر وضو بار می‎شود [، یعنی رافعیت حدث] مربوط به وضوی اول است و وضوی تجدیدی هیچ اثری به دنبال ندارد.
* اگر گفته شود که غایت وضوی تجدیدی، کون علی الطهارة [بودن بر طهارت] است، عرض می‎شود که کون علی الطهارة با وضوی اول محقق شده است لذا وضوی دوم، فقط از باب مطلوبیت و استحباب است و اثری بر آن مترتب نمی‎شود.
* روایات نیز بر عدم ترتب اثر بر وضوی تجدیدی دلالت دارند که در ذیل به چند روایت در این رابطه اشاره می‎شود:
* روایت اول: **عَنِ الْمُفَضَّلِ بْنِ عُمَرَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع)؛ قَالَ: «مَنْ جَدَّدَ وُضُوءَهُ لِغَيْرِ حَدَثٍ جَدَّدَ اللَّهُ تَوْبَتَهُ مِنْ غَيْرِ اسْتِغْفَار»**[[5]](http://hosseiniboshehri.ir/index.php/%D8%AF%D8%B1%D9%88%D8%B3/%D9%81%D9%82%D9%87/6498-%D9%81%D8%B5%D9%84%D9%8C-%D9%81%D9%8A-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%B6%D9%88%D8%A1%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%85%D8%B3%D8%AA%D8%AD%D8%A8%D8%A996-08-08.html#_ftn5).
* مفضل بن عُمر در روایت مذکور از امام صادق (ع) نقل کرده است که آن حضرت (ع) فرموده است که کسی که وضوی خود را بدون اینکه حدثی از او سر زده باشد، تجدید کند خداوند متعال توبه‎اش را تجدید خواهد کرد بدون آنکه استغفار کرده باشد.
* روایت دوم: **عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع)؛ قَالَ: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (ع): «الْوُضُوءُ بَعْدَ الطَّهُورِ عَشْرُ حَسَنَاتٍ فَتَطَهَّرُوا»**[[6]](http://hosseiniboshehri.ir/index.php/%D8%AF%D8%B1%D9%88%D8%B3/%D9%81%D9%82%D9%87/6498-%D9%81%D8%B5%D9%84%D9%8C-%D9%81%D9%8A-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%B6%D9%88%D8%A1%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%85%D8%B3%D8%AA%D8%AD%D8%A8%D8%A996-08-08.html#_ftn6).
* محمد بن مسلم از امام صادق (ع) نقل کرده است که آن حضرت (ع) فرموده است که امیرالمؤمنین امام علی (ع) فرموده است که وضو گرفتن بعد از طهارت ده ثواب دارد، پس وضو بگیرد.
* بنابراین، با توجه به دو روایت مذکور، اثری بر وضوی تجدیدی مترتب نمی‎شود و وضوی تجدیدی فقط مطلوبیت و استحباب دارد. پس در رابطه با قسم دوم [وضوی تجدیدی]، نظر مختار، همان نظر مرحوم سید (ره) است، یعنی وضوی تجدیدی اثری جدای از اثر وضوی اول ندارد و فقط مطلوبیت و استحباب دارد.
* کلام آیت الله خویی (ره) در رابطه با قسم سوم [وضو در حال حدث اکبر]
* آیت الله خویی (ره) [[7]](http://hosseiniboshehri.ir/index.php/%D8%AF%D8%B1%D9%88%D8%B3/%D9%81%D9%82%D9%87/6498-%D9%81%D8%B5%D9%84%D9%8C-%D9%81%D9%8A-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%B6%D9%88%D8%A1%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%85%D8%B3%D8%AA%D8%AD%D8%A8%D8%A996-08-08.html#_ftn7) و بعضی از بزرگان دیگر نیز همانند مرحوم سید (ره)، در رابطه با قسم سوم [وضو در حال حدث اکبر]‌ نیز همانند قسم دوم [وضوی تجدیدی]، گفته‎اند که اثری بر این قسم از وضو مترتب نمی‎شود و جدای از غایت خاصی که به خاطر آن وضو گرفته است، غایت دیگری برای آن متصور نیست چون چنین وضویی، مفید طهارت نیست زیرا وضو نمی‎تواند حدث اکبر را رفع کند، بلکه فقط برای رفع کراهت است لذا وضویی که شخص، در حال حدث اکبر می‎گیرد، چون مفید طهارت نیست مواردی که مشروط به داشتن طهارت است، مثل نماز خواندن، مس کتابت قرآن و امثال آن را شامل نمی‎شود و نسبت به این‎گونه موارد مفید نیست. همچنین، موارد دیگر غیر از موردی که به خاطر آن وضو گرفته است را شامل نمی‎شود، یعنی اگر به خاطر خوردن وضو گرفته است، آن وضو مفید برای خوابیدن نیست و کراهت خوابیدن را برطرف نمی‎کند.
* اشکال به آیت الله خویی (ره)
* کلام مرحوم سید (ره)، آیت الله خویی (ره) و تابعین این دو نسبت به غایاتی که مشروط به طهارتند، مثل نماز، مس کتابت قرآن و امثال آن درست است چون وضوی قسم سوم، مفید طهارت نیست، لکن سخن این بزرگان نسبت به غایات دیگر که مشروط به طهارت نیستند، صحیح نیست لذا اگر کسی برای رفع کراهت از خوردن در حال جنابت، وضو بگیرد، می‎تواند با همان وضو بخوابد و آن وضو رافع کراهت از خوب با حالت جنابت نیز خواهد بود.
* آیت الله حکیم (ره) نوشته است **«أما الثالث** **فمن القريب الاكتفاء به لغايات متعددة ما لم ينقض مثلًا إذا توضأ الجنب للأكل اكتفى به في الأكل و الشرب و الجماع أو النوم و لو توضأ غاسل الميت للتكفين جاز له الاكتفاء به في الدفن، إلا أن يمس الميت عند تكفينه فينتقض و لو توضأ للجماع فجامع انتقض و احتاج إلى تكريره للأكل و الشرب و النوم و الوجه في هذه الدعوى: أن سياق نصوص مشروعيته للغايات المذكورة سياق نصوص مشروعيته لغيرها، الظاهرة في أن المعتبر هو كونه على وضوء غير منتقض، فما دام الوضوء على حاله غير منتقض يكتفى به في الغايات المقصودة بفعله»**[[8]](http://hosseiniboshehri.ir/index.php/%D8%AF%D8%B1%D9%88%D8%B3/%D9%81%D9%82%D9%87/6498-%D9%81%D8%B5%D9%84%D9%8C-%D9%81%D9%8A-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%B6%D9%88%D8%A1%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%85%D8%B3%D8%AA%D8%AD%D8%A8%D8%A996-08-08.html#_ftn8).
* آیت الله حکیم (ره) فرموده است که تا زمانی که وضو نقض نشده باشد، شخص می‎تواند از وضویی که گرفته برای غایات متعددی که مشروط به طهارت نیستند، استفاده کند.
* **نکته:** عدم ترتب اثر بر قسم سوم، در صورتی است که آنچه را قصد کرده است، محقق شود، یعنی اگر شخص به تصور اینکه محدث به حدث اکبر است، وضو بگیرد، در واقع نیز باید حدث اکبر از او سر زده باشد و گرنه اگر شخص به تصور اینکه محدث به حدث اکبر است، وضو بگیرد و بعداً معلوم شود که حدث اکبر از او سر نزده است، بلکه محدث به حدث اصغر بوده است، در این صورت وضویی که گرفته است از قسم اول [وضو در حال حدث اصغر] محسوب می‎شود و لذا اثر بر آن مترتب می‎شود و همه غایاتی که مشروط به وضویند را می‎تواند انجام دهد.
* **«والحمدلله رب العالمین»**
* [[1]](http://hosseiniboshehri.ir/index.php/%D8%AF%D8%B1%D9%88%D8%B3/%D9%81%D9%82%D9%87/6498-%D9%81%D8%B5%D9%84%D9%8C-%D9%81%D9%8A-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%B6%D9%88%D8%A1%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%85%D8%B3%D8%AA%D8%AD%D8%A8%D8%A996-08-08.html#_ftnref1). شیخ حر عاملی، وسائل الشیعة، ج1، کتاب الطهارة، ابواب الوضوء، باب1، ص367، ح9.
* [[2]](http://hosseiniboshehri.ir/index.php/%D8%AF%D8%B1%D9%88%D8%B3/%D9%81%D9%82%D9%87/6498-%D9%81%D8%B5%D9%84%D9%8C-%D9%81%D9%8A-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%B6%D9%88%D8%A1%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%85%D8%B3%D8%AA%D8%AD%D8%A8%D8%A996-08-08.html#_ftnref2). همان، باب10، ص380، ح1.
* [[3]](http://hosseiniboshehri.ir/index.php/%D8%AF%D8%B1%D9%88%D8%B3/%D9%81%D9%82%D9%87/6498-%D9%81%D8%B5%D9%84%D9%8C-%D9%81%D9%8A-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%B6%D9%88%D8%A1%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%85%D8%B3%D8%AA%D8%AD%D8%A8%D8%A996-08-08.html#_ftnref3). همان، باب11، ص383، ح3.
* [[4]](http://hosseiniboshehri.ir/index.php/%D8%AF%D8%B1%D9%88%D8%B3/%D9%81%D9%82%D9%87/6498-%D9%81%D8%B5%D9%84%D9%8C-%D9%81%D9%8A-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%B6%D9%88%D8%A1%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%85%D8%B3%D8%AA%D8%AD%D8%A8%D8%A996-08-08.html#_ftnref4). سید محمدکاظم، طباطبایی یزدی، العروة الوثقی، ج1، ص196.
* [[5]](http://hosseiniboshehri.ir/index.php/%D8%AF%D8%B1%D9%88%D8%B3/%D9%81%D9%82%D9%87/6498-%D9%81%D8%B5%D9%84%D9%8C-%D9%81%D9%8A-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%B6%D9%88%D8%A1%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%85%D8%B3%D8%AA%D8%AD%D8%A8%D8%A996-08-08.html#_ftnref5). شیخ حر عاملی، وسائل الشیعة، ج1، کتاب الطهارة، ابواب الوضوء، باب8، ص377، ح7.
* [[6]](http://hosseiniboshehri.ir/index.php/%D8%AF%D8%B1%D9%88%D8%B3/%D9%81%D9%82%D9%87/6498-%D9%81%D8%B5%D9%84%D9%8C-%D9%81%D9%8A-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%B6%D9%88%D8%A1%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%85%D8%B3%D8%AA%D8%AD%D8%A8%D8%A996-08-08.html#_ftnref6). همان، ص378، ح10.
* [[7]](http://hosseiniboshehri.ir/index.php/%D8%AF%D8%B1%D9%88%D8%B3/%D9%81%D9%82%D9%87/6498-%D9%81%D8%B5%D9%84%D9%8C-%D9%81%D9%8A-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%B6%D9%88%D8%A1%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%85%D8%B3%D8%AA%D8%AD%D8%A8%D8%A996-08-08.html#_ftnref7). سید ابوالقاسم، موسوی خویی، التنقیح فی شرح العروة الوثقی، ج4، ص22.
* [[8]](http://hosseiniboshehri.ir/index.php/%D8%AF%D8%B1%D9%88%D8%B3/%D9%81%D9%82%D9%87/6498-%D9%81%D8%B5%D9%84%D9%8C-%D9%81%D9%8A-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%B6%D9%88%D8%A1%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%85%D8%B3%D8%AA%D8%AD%D8%A8%D8%A996-08-08.html#_ftnref8). سید محسن، طباطبایی حکیم، مستمسک العروة الوثقی، ج2، ص301.
* **فصلٌ في الوضوءات المستحبة 96/08/13**

|  |
| --- |
| درس خارج فقه حضرت آیت الله حسینی بوشهری (دامت برکاته)  **موضوع کلی:** **فصلٌ في الوضوءات المستحبة                                                      تاریخ:** **13** آبان 1396  **موضوع جزئی:** **اقسام وضوی مستحب                                                                                    مصادف با: 15** صفر 1439  **سال تحصیلی: 98-** **97                                                                                                        جلسه:** **19** |

* مرحوم سید (ره) در ادامه مسأله 487 نوشته است: **«نعم، لو انكشف الخطأ بأن كان محدثاً بالأصغر فلم يكن وضوؤه تجديديّاً و لا مجامعاً للأكبر رجعا إلى الأوّل و قوي القول بالصحّة و إباحة جميع الغايات به إذا كان قاصداً لامتثال الأمر الواقعي المتوجّه إليه في ذلك الحال بالوضوء و إن اعتقد أنّه الأمر بالتجديدي منه مثلًا، فيكون من باب الخطأ في التطبيق و تكون تلك الغاية مقصودة له على نحو الداعي لا التقييد، بحيث لو كان الأمر الواقعي على خلاف ما اعتقده لم يتوضّأ، أمّا لو كان على نحو التقييد كذلك ففي صحّته حينئذ إشكال»**[[1]](http://hosseiniboshehri.ir/index.php/%D8%AF%D8%B1%D9%88%D8%B3/%D9%81%D9%82%D9%87/6504-%D9%81%D8%B5%D9%84%D9%8C-%D9%81%D9%8A-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%B6%D9%88%D8%A1%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%85%D8%B3%D8%AA%D8%AD%D8%A8%D8%A9-96-08-13.html#_ftn1)‌.
* به نظر مرحوم سید (ره)، اگر کشف خطا شود، یعنی اگر شخص با گمان اینکه وضو دارد، دوباره وضوی تجدیدی گرفت، ولی مشخص شد که محدث به حدث اصغر بوده است و طهارت نداشته است [تا بخواهد وضوی تجدیدی بگیرد]، در این صورت وضویی را که گرفته است، وضوی تجدیدی نیست، بلکه وضوی قسم اول [وضو در حال حدث اصغر] خواهد بود. همچنین اگر شخص برای رفع کراهت در حال حدث اکبر وضو گرفته باشد، ولی بعداً مشخص شود که اصلاً حدث اکبری از او سر نزده است، بلکه آنچه از او سر زده است حدث اصغر بوده است، در این صورت نیز وضویی که گرفته است وضوی قسم اول [وضو در حال حدث اصغر] محسوب خواهد شد و در هر دو صورت [کشف خطا نسبت به وضوی قسم دوم و قسم سوم] بعد از کشف خطا، وضویی که شخص گرفته است از قسم اول محسوب خواهد شد و رافع حدث اصغر خواهد بود و قول به صحت این وضو، قوی است و وضویی که شخص گرفته است، درست است و انجام تمام غایاتی که مشروط به وضویند، با این وضو جایز خواهد بود.
* البته قول به صحت وضوی مذکور و جواز انجام غایاتی که مشروط به طهارتند، در صورتی است که وضو گیرنده امتثال امر واقعی را که متوجه اوست، قصد کرده باشد [، یعنی اگر وضوی تجدیدی متوجه اوست، همان را قصد کند و اگر حدث اصغر متوجه اوست، رفع حدث اصغر را قصد کند و اگر حدث اکبر متوجه اوست، رفع کراهت را قصد کند]؛ هرچند که به حسب ظاهر معتقد است که آن وضویی که گرفته است، مثلاً وضوی تجدیدی است و این از باب خطای در تطبیق است و آن غایتی [تجدید وضو] که به خاطر آن وضو گرفته است، عنوان داعی داشته باشد و عنوان تقیید نداشته باشد چرا که اگر عنوان تقیید داشت و امتثال واقعی غیر از تجدید [که اعتقاد وضو گیرنده است،] باشد، شخص انگیزه‎ای برای وضو گرفتن نمی‎داشت و وضو نمی‎گرفت لذا اگر عنوان تقیید داشته باشد، صحت وضوی مذکور، مورد اشکال است لذا اثری بر آن مترتب نخواهد شد.
* پس صحت وضویی که مشخص شده است که نسبت به آن، خطا رُخ داده است [، یعنی فکر می‎کرده است که طهارت دارد و به قصد وضوی تجدیدی وضو گرفته است و یا فکر می‎کرده است که محدث به حدث اکبر است و به قصد رفع کراهت، وضو گرفته است ولی بعداً مشخص شده است که محدث به حدث اصغر بوده است] و ترتب غایات مشروط به طهارت بر آن، در صورتی است که:
* **اولاً؛** شخص هنگام وضو قصد امتثال امر واقعی را داشته باشد؛ هرچند که از باب اشتباه در تطبیق، وضوی تجدیدی یا وضوی در حال حدث اکبر را قصد کرده باشد.
* **ثانیاً؛** وضوی تجدیدی با وضوی در حال حدث اکبر برای وضو گیرنده به عنوان داعی مطرح باشد، یعنی انگیزه‎اش از وضو، تجدید وضو یا رفع کراهت باشد ولی در واقع همان امثتال واقعی مورد نظر وضو گیرنده است، پس وضوی تجدیدی یا وضوی در حال حدث اکبر، انگیزه و داعی وضو گیرنده است نه اینکه آن وضو حتماً به قید تجدیدی یا حدث اکبر مقید شده باشد.
* **ثالثاً؛** وضو عنوان تقیید داشته باشد، لکن قید به عنوان وحدت مطلوب، مراد نباشد، بلکه قید به عنوان تعدد مطلوب، مراد باشد که در این صورت چون یکی از مطلوب‎های وضو گیرنده وضوی تجدیدی یا وضو در حال حدث اکبر است لذا اگر مطلوب دیگری، مثل وضو برای رفع حدث اصغر محقق شود، آن وضو صحیح خواهد بود و اثر بر آن مترتب خواهد شد.
* پس گاهی وضو، عنوان داعی پیدا می‎کند و گاهی عنوان تقیید پیدا می‎کند و بین این دو فرق است زیرا اگر وضو، عنوان داعی داشته باشد وضویی که شخص به قصد تجدید یا رفع کراهت در حال حدث اکبر گرفته است و بعداً کشف خطا شود و مشخص شود که شخص محدث به حدث اصغر بوده است، صحیح خواهد بود و انجام تمام غایاتی که مشروط به طهارتند با آن وضو جایز خواهد بود، ولی اگر وضو، عنوان تقیید داشته باشد، وضویی که کشف خطا شده است، صحیح نخواهد بود و انجام غایات مشروط به طهارت با آن وضو جایز نخواهد بود چون **«ما وَقَعَ لَم یُقصَد و ما قُصِدَ لم یَقَع»**.
* آیت الله خویی (ره) فرموده است: اگر وضو، عنوان تقیید داشته باشد، ولی تقیید به عنوان وحدت مطلوب، مراد نباشد، بلکه تقیید به عنوان تعدد مطلوب، مراد باشد، در این صورت یکی از مطلوب‎های وضو گیرنده این است که وضویی که گرفته است قید تجدیدی یا حدث اکبر داشته باشد لذا اگر مطلوب دیگری محقق شود، یعنی معلوم شود که وضویی که گرفته است رافع حدث اصغر است، در این صورت وضویی را که گرفته است و کشف خطا شده است، صحیح است و اثر بر آن مترتب می‎شود لذا انجام غایات مشروط به طهارت، با آن وضو جایز خواهد بود.
* مثال ذیل مسأله مورد بحث را روشن‎تر می‎کند:
* انسانی وارد مسجد می‎شود و قصد دارد به کسی که در محراب نماز ایستاده است، اقتدا کند و تصور می‎کند که نام آن شخص، «زید» است لذا نیت می‎کند که نمازش را به امامت شخصی که نامش «زید» است بخواند، ولی بعد از اینکه نماز تمام شد، معلوم می‎شود که شخص مذکور، «عمرو» بوده است، در این صورت نمازی که شخص به جماعت و با اقتدای به شخص مذکور خوانده است، صحیح است چون قصد واقعی او این بوده است که به آن شخص اقتدا کند و قصدش این نبوده است که چون «زید» است، به او اقتدا کند، بلکه قصدش اقتدا به فرد مذکور بوده است و گمان کرده است که او «زید» است. مانحن‎فیه نیز از همین قبیل است، یعنی قصد واقعی وضو گیرنده این بوده است که امر مولی را امتثال کند ولی به گمان اینکه طهارت دارد، وضوی تجدیدی گرفته است و یا به گمان اینکه حدث اکبر دارد، برای رفع کراهت وضو گرفته است، لکن بعداً فهمیده است که حدث اصغر داشته است لذا وضویی که گرفته است صحیح است و غایاتی را که مشروط به طهارت است، می‎تواند با آن وضو انجام دهد.
* آیت الله خویی (ره) فرموده است که حتی اگر شخص علی نحو التقیید وضو گرفت و آن تقیید نیز از باب تعدد مطلوب نباشد، وضویی که گرفته است، صحیح است و اثر بر آن مترتب می‎شود چون وضو عبارت از نیت تقرب به خداوند، دو شستن و دو مسح می‎باشد لذا وقتی شخص آن را انجام داد؛ هرچند که آن وضو را به عنوان تجدید یا حدث اکبر مقید کرده باشد، قصد او نقشی در تغییر هویت وضو ندارد. وضو امتثال امر الهی است و با نیت قرب به خداوند و شستن صورت و دستها و مسح سر و پاها در خارج محقق می‎شود و قصد وضو گیرنده در تغییر هویت وضو نقشی ندارد[[2]](http://hosseiniboshehri.ir/index.php/%D8%AF%D8%B1%D9%88%D8%B3/%D9%81%D9%82%D9%87/6504-%D9%81%D8%B5%D9%84%D9%8C-%D9%81%D9%8A-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%B6%D9%88%D8%A1%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%85%D8%B3%D8%AA%D8%AD%D8%A8%D8%A9-96-08-13.html" \l "_ftn2" \o ").
* **«الحمدلله رب العالمین»**
* [[1]](http://hosseiniboshehri.ir/index.php/%D8%AF%D8%B1%D9%88%D8%B3/%D9%81%D9%82%D9%87/6504-%D9%81%D8%B5%D9%84%D9%8C-%D9%81%D9%8A-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%B6%D9%88%D8%A1%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%85%D8%B3%D8%AA%D8%AD%D8%A8%D8%A9-96-08-13.html#_ftnref1). سید محمدکاظم، طباطبایی یزدی، العروة الوثقی، ج1، ص196.
* [[2]](http://hosseiniboshehri.ir/index.php/%D8%AF%D8%B1%D9%88%D8%B3/%D9%81%D9%82%D9%87/6504-%D9%81%D8%B5%D9%84%D9%8C-%D9%81%D9%8A-%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%B6%D9%88%D8%A1%D8%A7%D8%AA-%D8%A7%D9%84%D9%85%D8%B3%D8%AA%D8%AD%D8%A8%D8%A9-96-08-13.html#_ftnref2). سید ابوالقاسم، موسوی خویی، التنقیح فی شرح العروة الوثقی، ج4، ص28 و 29.